

قرار جلب به دادرسی، موقوفی تعقیب و منع تعقیب در جرائم اقتصادی؛ نقدی بر قرار

نهایی شماره ۹۷۰۹۹۷۲۱۲۶۲۰۰۰۱۹ شعبه دوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۲ تهران

امین جعفری*

افروز گلستانی نجف آبادی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۱

نوع مقاله: پژوهشی - نقد محور

چکیده

جرایم پولی و بانکی از جمله جرایم کسب و کار است که به صورت خاص و مشخص در حوزه پول مطرح می‌شود. دریافت وام‌های کلان با بهره اندک از طریق اسناد جعلی، کسب اعتبار اسنادی و گشایش اعتبارات اسنادی خلاف اسناد واردات و صادرات، استفاده از اعتبارات اخذ شده در محلی غیر از محل تصویب، قلب در معاملات بورس، تبانی و تقلب در توزیع ارز در صرافی‌ها، خرید و فروش ارز خارجی بدون مجوز بانک مرکزی، تشکیل یا تأسیس بانک یا مؤسسه اعتباری یا تعاونی مالی و پولی بدون مجوز بانک مرکزی و همچنین جابجایی سرمایه‌های بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مجاز به نام اشخاص ثالث از مهم‌ترین جرایم پولی و بانکی است که قابل طرح در دادسرای ویژه رسیدگی به جرایم پولی و بانکی است. قرار صادره بازپرس محترم دادسرای ویژه رسیدگی به جرایم پولی و بانکی از جمله این پرونده‌هاست که در آن، متهم طی فرایندهای متقلبانه متعدد و از جمله جعل امضاها و ساخت مدارک و صورت‌های مالی مزورانه و نیز ثبت شرکت‌های صوری، نسبت به اخذ وجوه کلان با نام بستگان و کارمندان خود اقدام کرده و اصطلاحاً مرتکب کلاهبرداری بانکی شده است. نکته قابل توجه در پرونده پیش رو آن است که بدون شک این فرایند مجرمانه بدون همکاری مؤثر اشخاصی در سیستم بانکی و ادارات ثبت شرکت‌ها و شعب اداره ثبت اسناد و املاک کشور ناممکن است. بانک‌ها و اشخاصی در ادارات فوق‌الذکر ابتدائاً به عنوان متهمان ردیف‌های پرونده قرار گرفته‌اند ولی در ادامه، به جهت دشواری اثبات یا شاید به جهت مصلحت‌اندیشی، تحقیقات مقدماتی جرم نسبت به این اشخاص کامل نگردیده و صرفاً با صدور قرار جلب به دادرسی بازپرس محترم، تنها شخص متهم اصلی به تنهایی بار مجازات را بر دوش خواهد کشید. در مقاله پیش رو صرف نظر از حلقه مفقوده، یعنی تحقیقات مقدماتی نسبت به سایر متهمان اعم از ادارات و بانک‌های دولتی، نویسندگان به تحلیل حقوقی جرایم ارتكابی متهم اصلی از جمله جعل، استفاده از سند مجعول، خیانت در امانت و کلاهبرداری بانکی پرداخته‌اند و نظرات بازپرس محترم مورد نقد و تحلیل حقوقی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: جرائم اقتصادی، کلاهبرداری بانکی، منع تعقیب، موقوفی تعقیب.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسؤل).

amin.jaffari@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.

gh_golestani20@yahoo.com

۱. متن قرار نهایی شماره ۹۷۰۹۹۷۲۱۲۶۲۰۰۰۱۹ شعبه دوم بازپرسی دادسرای

ناحیه ۲۲ تهران

شماره قرار نهایی: ۹۷۰۹۹۷۲۱۲۶۲۰۰۰۱۹

نام و نام خانوادگی بازپرس: بهنام غفاری فارسانی

شعبه ۲ بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۲ تهران (اقتصادی)

پرونده کلاسه ۸۹۰۹۹۸۲۱۲۶۲۰۰۰۲۵ شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و

انقلاب ناحیه ۲۲ (اقتصادی) - تهران تصمیم نهایی شماره ۹۷۰۹۹۷۲۱۲۶۲۰۰۰۱۹

۱. آقای ی. ب فرزند ص متهم، به نشانی ورامین

۲. اداره حقوقی بانک تجارت متهم، با نمایندگی آقای نماینده حقوقی به نشانی تهران

۳. بانک ملی ایران شعبه ... متهم، به نشانی میدان امام حسین(ع)

۴. بانک ملت شعبه ... تهران (واحد اعتبارات، حقوقی سرپرستی منطقه ...) متهم،

به نشانی تهران

۵. اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ورامین متهم، به نشانی ورامین

۶. مدیران و معاونین بانک پاسارگاد شعبه ... متهم، به نشانی طالقانی

۷. خانم ن. ب فرزند ی متهم، به نشانی تهران

۸. آقای الف. ب فرزند ی متهم، به نشانی تهران

۹. خانم ز. ر فرزند م متهم، به نشانی تهران

۱۰. آقای ص. ب فرزند م متهم، به نشانی ورامین

۱۱. آقای ر. ر متهم، به نشانی تهران

۱۲. آقای الف. س فرزند ب شاکو و متهم، با کفالت خانم م. س فرزند الف به نشانی

تهران و با وکالت آقای م. الف فرزند م به نشانی تهران و با وکالت آقای م. ب فرزند ف

به نشانی میدان فردوسی

۱۳. آقای م. ح فرزند ع شاکو و متهم، با وکالت آقای م. الف فرزند س به نشانی بندر انزلی

۱۴. آقای ع. ر متهم، به نشانی تهران

۱۵. دفترخانه اسناد رسمی شماره ... به مدیریت سردفتر ح. ر متهم، به نشانی تهران

۱۶. آقای م. ف فرزند ت شاکو، به نشانی ورامین

۱۷. خانم پ. ف فرزند ت شاکو، به نشانی تهران

۱۸. آقای ج. ح فرزند م شاکو، به نشانی ورامین

۱۹. آقای م. ر فرزند ح شاکي، به نشانی ورامین
۲۰. آقای الف. ح فرزند م شاکي، به نشانی ورامین
۲۱. خانم ف. ر فرزند ی شاکي، به نشانی ورامین
۲۲. آقای د. ق فرزند ح شاکي، به نشانی ورامین
۲۳. آقای ع. م فرزند غ شاکي، به نشانی تهران
۲۴. آقای و. ز فرزند ر شاکي، به نشانی گیلان
۲۵. آقای م. ش فرزند م شاکي، با وکالت آقای م. الف فرزند س به نشانی بندر انزلی.
و با وکالت آقای م. ب فرزند ف به نشانی میدان فردوسی و با وکالت آقای م. الف فرزند
م به نشانی تهران میدان فردوسی
۲۶. خانم ح. ب فرزند ی شاکي، با وکالت آقای م. الف فرزند م به نشانی تهران
میدان فردوسی و با وکالت آقای م. ب فرزند ف به نشانی میدان فردوسی
۲۷. آقای ک. پ فرزند م شاکي، به نشانی تهران
۲۸. خانم ف. ت فرزند ح شاکي، به نشانی ورامین
۲۹. خانم س. ب فرزند ق شاکي، به نشانی ورامین
۳۰. آقای ع. ز فرزند س شاکي، به نشانی ورامین
۳۱. خانم ز. ب فرزند ق شاکي، به نشانی ورامین
۳۲. آقای ق. ب فرزند ص شاکي، به نشانی ورامین
۳۳. آقای ح. ح فرزند ع شاکي، به نشانی ورامین
۳۴. خانم الف. ب فرزند م شاکي، به نشانی ورامین
۳۵. آقای م. م فرزند الف شاکي، با وکالت آقای م. الف فرزند م به نشانی تهران و
با وکالت آقای م. ب فرزند ف به نشانی میدان فردوسی
۳۶. آقای پ. ر فرزند ی شاکي، به نشانی شهرستان تالش
اتهامها:
۱. ارتشاء
 ۲. ۱۶ فقره کلاهبرداری
 ۳. معاونت در کلاهبرداری
 ۴. کلاهبرداری از طریق انتقال مال غیر
 ۵. کلاهبرداری

۶. تحصیل مال از طریق نامشروع
۷. استفاده از اسناد مجعول
۸. معاونت در تخریب و تحریق عمدی خودرو
۹. توهین و تهدید به مرگ
۱۰. معاونت در ۶۲ فقره کلاهبرداری از طریق مساعدت و تسهیل در ارتکاب بزه
۱۱. مشارکت در کلاهبرداری از طریق انتقال اموال شرکت الف. د
۱۲. استفاده از اموال شرکت به سود خود
۱۳. مباشرت در کلاهبرداری از طریق ارائه اسناد مجعول جاوی امضات فاقد اصالت
۱۴. دو فقره کلاهبرداری از طریق انتقال مال غیر
۱۵. جعل و کالتنامه رسمی دفترخانه ۶۵۰ تهران
۱۶. معاونت در جعل اسناد
۱۷. مشارکت در کلاهبرداری
۱۸. جعل امضا
۱۹. گزارش خلاف واقع

باسمه تعالی

بتاریخ ۱۳۹۷/۴/۲۶ در وقت فوق العاده، جلسه شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۲ (اقتصادی) تهران به تصدی امضاء کننده ذیل تشکیل و پرونده کلاسه ۸۹۰۹۹۸۲۱۲۶۲۰۰۰۲۵ تحت نظر قرار دارد. با توجه به جمیع اوراق و محتویات پرونده، بازپرسی ختم تحقیقات را اعلام و با استعانت از خداوند متعال پس از ذکر گردشکار پرونده که صرف نظر از مجلدات حاوی مستندات مشتمل بر ۲۵ جلد و بالغ بر ۳۷۰۰ برگ می باشد به شرح آتی مبادرت به صدور قرار می نماید.

«گردشکار»

۱- در این پرونده ابتدا نماینده مرکز حفاظت و اطلاعات دادگستری استان تهران طی گزارشی به شماره ۱۴/۸۹ مورخ ۸۹/۶/۲۱ (ج ۱ ص ۳) مفاداً اعلام می نماید شخصی به نام ی. ب فرزند ص با ترفند و عملیات متقلبانه اقدام به ثبت شرکتهای متعددی از نوع با مسئولیت محدود و یا سهامی خاص در تهران و ورامین نموده و عده ای از کارمندان خود را بدون اطلاع آنان به عنوان مدیرعامل یا اعضای هیأت مدیره این شرکتها منصوب سپس از این طریق، وامهای کلانی را به نام افراد مزبور دریافت

داشته و در حالی که سررسید آنها فرا رسیده از بازپرداخت تسهیلات ماخوذه خودداری کرده است که افراد فوق متعاقب تماس بانکها متوجه اقدامات مشارالیه گردیده‌اند. وفق مفاد دو برگ نامه فاقد نام واصله به آن مرکز که پیوست گزارش می باشد (صص ۱ و ۲) آقای ی. ب اقدام به ثبت بالغ بر ۲۰ شرکت در تهران، ورامین و تالش نموده است. وی عده ای از کارمندان (و آشنایان) خود با اسامی: ۱- ح. ب ۲- آقای ح. ح ۳- م. ر ۴- ک. ح و همسرش ۵- ج. ح به اتفاق همسرش ۶- الف. س ۷- م. م ۸- م. ف ۹- الف. ب ۱۰- م. ش ۱۱- م. ح ۱۲- ص. ب ۱۳- ف. ر ۱۴- م. ر ۱۵- ع. ک ۱۶- ن. ب را به عنوان مدیرعامل یا اعضای هیئت مدیره آنها معرفی کرده که اکثر این نفرات از موضوع بی اطلاع بوده‌اند و امضات آنها در برگه‌های شرکت‌نامه، تقاضانامه و اساسنامه توسط این شخص جعل شده و آن عده قلیلی که از موضوع مطلع هستند جرأت اقدام قانونی علیه وی را ندارند. آقای ی. ب با ثبت این شرکتها از بانکهای پاسارگاد شعبه ... کد ...، بانک سرمایه شعبه ...، بانک ملی ایران شعبه ... تهران کد ...، بانک تجارت شعبه ... کد ...، بانک تجارت شعبه ... کد ...، بانک ملت شعبه ... کد ...، بانک ملت شعبه ... کد ...، بانک ملت شعبه ... کد ...، بانک کشاورزی تالش، بانک سپه شعبه ... تهران و غیره وامهای کلان به نام اشخاص غیر که روحشان هم از ماجرا خبر ندارد دریافت داشته و سررسید اقساط اکثر این وامها نیز انقضا یافته است. اسامی شرکتهایی که ایشان به ثبت رسانده است عبارتند از: ۱- ع. ش ۲- تعاونی ر. ن ۳- ر. پ ۴- ج ۵- پ. ل ۶- ن. ل ۷- ک. و ۸- م. س ۹- ع. س ۱۰- ج. پ ۱۱- ج. گ. س ۱۲- ز. ب ۱۳- الف. د. ت ۱۴- م. س. س. ت ۱۵- ک. س. ت ۱۶- و. پ ۱۷- د. پ. و ۱۸- و ۱۹- گ. چ. و. بدهی نامبرده به بانکهای دولتی حدود ۳۰ میلیارد تومان می باشد که به دلیل عدم پرداخت اقساط جریمه دیرکرد به آن اضافه می شود. ضمن آن که سیاست و تدبیر غلط ایشان این است که جهت پرداخت بدهی یک یا چند بانک، شرکت جدیدی به طور صوری به ثبت می‌رساند و از این طریق وام کلانی اخذ کرده تا پاسخگوی اقساط وامهای قبلی باشد.

۲- گزارش مزبور و دو برگ پیوست آن در تاریخ ۲۲/۶/۸۹ به نظر معاون محترم وقت این دادسرا رسیده که دستوراتی را جهت شروع تحقیقات پیرامون موضوع مطروحه به مرجع انتظامی صادر می‌نمایند. مرکز عملیات ویژه پلیس آگاهی ناجا در گزارش نخست خود به شماره ۴۰۵۳۳۴ مورخ ۹/۱۲/۸۹ فهرست ۱۹ شرکت وابسته به آقای ی. ب که به نام آنها اقدام به اخذ تسهیلات از بانکهای ۱- ملی ۲- تجارت ۳- ملت

۴- سرمایه ۵- کشاورزی ۶- سپه و ۷- پاسارگاد گردیده است به همراه اسامی ۴۰ نفر اعضای هیات مدیره این شرکتها را (صص ۸ الی ۱۰ ج ۱) اعلام می‌نماید. پرونده مذکور در همین تاریخ به این شعبه ارجاع می‌گردد.

۳- وفق گزارش پلیس آگاهی گیلان شرکت‌های مندرج در فهرست فوق که در اداره ثبت شهرستان تالش به ثبت رسیده‌اند به اسامی ک. س. ت، تعاونی الف. تالش و پرورش ماهیان خاویاری م. س. س غیرفعال بوده و هیچ گونه فعالیتی نداشته‌اند (ج ۱ ص ۱۵).

۴- استعلامات صورت گرفته از بانک‌های صدرالذکر و پاسخهای واصله از مدیریت بازرسی این بانکها مشتمل بر بانک‌های پاسارگاد، سرمایه، ملت، ملی، سپه و تجارت و گزارش مرکز عملیات ویژه پلیس آگاهی ناجا که بر مبنای نتیجه استعلامات مذکور تنظیم گردیده (بشرح صص ۳۲ الی ۷۵ از ج ۱) مبین آن است که از میان ۱۹ شرکت اشاره شده در فوق - بجز چهار شرکت گ. چ. و، م. س. س. تالش و د. پ. و. مابقی - بویژه حدفاصل سالهای ۱۳۸۴ لغایت ۱۳۸۷ طی چهار سال از بالغ بر ۷۵ فقره تسهیلات بانکی استفاده نموده‌اند که صرف‌نظر چند مورد که عمدتاً از محل دریافت تسهیلات جدید تسویه گردیده‌اند مابقی معوق شده و اکثراً بدون پرداخت حتی یک فقره از اقساط، بازپرداخت نگردیده و به مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌های عامل مبدل شده‌اند. فهرست این شرکتها و اسامی اعضای هیات مدیره آنها همچنین، مبالغ تسهیلات ماخوذه این شرکتها از بانک‌های عامل طی فهرستی به تفکیک موارد به شرح پیوستهای شماره (۱) و (۲) این تصمیم مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

۵- در ادامه، تحقیقاتی از عده‌ای از اعضای هیات مدیره شرکت‌های صدرالذکر - که بعضاً وفق پیوست شماره (۲) در چندین شرکت عضویت داشته‌اند - صورت گرفته است که جملگی مدعی عدم اطلاع خود از دریافت تسهیلات بانکی توسط شرکت‌های مزبور و عدم مراجعه آنان به بانک‌های تسهیلات‌دهنده می‌باشند. ضمن آن که برخی نیز بیان داشته‌اند که حتی از ثبت شرکت به نام خود و عضویتشان در این شرکتها به عنوان سهامدار یا مدیرعامل یا عضو هیات مدیره نیز بی‌اطلاع بوده‌اند. این افراد عمدتاً یا رابطه خویشاوندی نسبی یا سببی و یا رابطه استخدامی کارگر و کارفرمایی با آقای ی. ب داشته‌اند. اظهارات مورخ ۱۳/۴/۹۰ ایشان در مرجع انتظامی مفاداً و با رعایت اختصار بشرح زیر نقل می‌گردد. شایان ذکر است که برخی از افراد مزبور پیش از این اظهارات، شکایات خود را از متهم فوق تقدیم دادرسی شهرستان ورامین نموده بودند:

الف) د. ق فرزند ح: وی در خصوص زمینه آشنایی خود با متهم پرونده آقای ی. ب چنین توضیح می‌دهد که: "بنده به همراه همسر م از ۸۴/۴/۱۲ و از طریق آگهی در روزنامه همشهری با شرکت ع. ش. تماس حاصل کردیم و بعد از تنظیم فرم استخدام در این شرکت که مدیریت آن را آقای ی. ب به عهده داشت به عنوان کارپرداز و خدمتکار مشغول به کار گردیدیم و بعد از گذشت مدتی که ایشان و شرکایش صداقت و امانت ما را مشاهده نمودند بنده به عنوان صندوقدار در این شرکت مشغول به فعالیت شدم و بعد از گذشت مدتی در اوایل سال ۸۹ توسط آقای الف. س و آقای م. م و آقای م. ش متوجه شدم که ایشان اسم بنده را بدون اطلاع در شرکت ع. س در اداره ثبت ورامین به عنوان احدی از اعضای هیئت مدیره وارد نموده و از طریق بانک پاسارگاد شعبه ... تهران کد ... وام به ارزش سه میلیارد و سیصد و هفتاد دو میلیون ریال دریافت کرده و وام دریافتی نیز بدون اطلاع و آگاهی بنده بوده و یک فقره چک و چندین فقره سفته و سایر مدارک اخذ وام را جعل نموده که همگی بدون اطلاع بنده صورت گرفته است". نامبرده در پاسخ به سوالی پیرامون این که آیا جهت ثبت شرکت و دریافت تسهیلات به اداره ثبت شرکتها و بانک عامل مراجعه‌ای داشته‌اند یا خیر بیان داشته است: "خیر. هیچگونه مراجعه‌ای نداشته‌ام". وفق اظهارات وی، در اوایل سال ۸۴ که به عنوان کارمند در شرکت ش مشغول به کار شده است کپی کارت ملی و شناسنامه و مدارک تحصیلی خود را جهت استخدام ارایه داده بود که علاوه بر شرکت ع. س در شرکت الف. د. تالش نیز از اوراق هویتی وی سوء استفاده و در این شرکت نیز عضو هیئت مدیره قرار داده شده است. مشارالیه از متهم فوق و آقایان آ و ص رییس و معاون وقت شعب بانکهای تجارت و پاسارگاد اعلام شکایت نموده است (صص ۸۰ الی ۸۲ ج ۱). آقای ق در جای دیگری اشاره دارد که امضای وی همواره یک امضا بوده است اما آقای ی. ب از وی خواسته بود که دیگر این امضا را انجام ندهد و امضای ساده‌تری انتخاب کند (۳۱۶۴ ج ۲۲).

ب) م. ف فرزند ت: نامبرده همسر خانم ف. ر (ر) و آقای ی. ب دایمی همسر وی می‌باشد. حسب اظهارات ایشان، نامبرده با مشارکت همسر خود و افراد دیگر در سال ۱۳۸۱ شرکتی تحت عنوان ز. ب را به ثبت رسانده است و با متهم پرونده آقای ی. ب هیچ شرکت مشترکی ندارد منتها نام وی در شرکتهای ع. ش، ن. ل، د. د، ع. س و احتمالاً الف. د. تالش وارده شده و این شرکتها بدون اطلاع وی به ثبت رسیده‌اند و آقای ب با مدارک جعلی به نام او و از طریق این شرکتها وامهای متعددی را از بانکهای مختلف اخذ نموده است. نامبرده در بخش دیگری از اظهارات خود بیان داشته در قالب

شرکت خودش یعنی ز. ب وامی به مبلغ هشتاد میلیون تومان دریافت کرده که یک سوم آن را به آقای ب به علت انجام کارهای اداری این وام داده است و در برخی از موارد جهت امضا اسناد و مدارک به ادارات ثبت و بانکها مراجعه داشته است. وی بابت جعل مدارکی که به نام وی تنظیم شده از متهم و کارکنان متخلف بانکهای تسهیلات دهنده و اداره ثبت ورامین طرح شکایت نموده است (صص ۸۳ الی ۸۵ ج ۱).

پ) ف. ر (ر) فرزند ی: وی خواهرزاده آقای ی. ب و عضو هیات مدیره شرکت ز. ب می باشد. حسب اظهارات ایشان، آقای ب با استفاده از مدارک شرکت ز. ب بدون اطلاع ایشان و دیگر اعضای شرکت در بانک پاسارگاد شعبه ... وام دریافت کرده و مدعی است که هیچ یک از اعضای شرکت از افتتاح حساب و درخواست وام و دریافت آن اطلاعی نداشته اند. ضمن آن که با متهم مزبور هیچ شراکتی نداشته است منتها در یک مرحله در سال ۸۰ به توصیه متهم در دفترخانه شماره ... ورامین حاضر شده و یک سری اسناد و مدارک را که متهم عنوان داشته بود جهت دریافت وام از بانک صنعت و معدن نیاز دارد امضا نموده است. بعداً متوجه شد که نام وی در شرکت ک. و ثبت شده است. وفق اظهارات مشارالیه‌ها وی هیچ تسهیلاتی را با مشارکت متهم دریافت نداشته و در هیچ یک از بانکهای پاسارگاد شعبه ... و تجارت ... جهت افتتاح حساب یا دریافت وام حاضر نشده است. نامبرده از آقای ی. ب و کارکنان خاطی بانکهای تسهیلات دهنده که بدون حضور ایشان افتتاح حساب نموده و وام پرداخت کرده‌اند طرح شکایت کرده است (صص ۸۶ الی ۸۸ ج ۱).

ت) پ. ف فرزند ت: فرد اخیر خواهر م. ف و از اعضای هیات مدیره شرکت ز. ب می باشد که ابراز داشته است به درخواست برادرش جهت تکمیل اعضای این شرکت به عضویت آن درآمده و مداخله‌ای در اداره امورات آن ندارد. مشارالیه‌ها در خصوص ی. ب نیز عنوان داشته است نامبرده از اقوام همسر برادرش می باشد و هیچ گونه شرکتی با ایشان نداشته و هیچگونه وام بانکی با او دریافت نکرده است. همچنین مراجعه‌ای به بانکها جهت دریافت وام به نام شرکت ز. ب نداشته و اطلاعی از این موضوع ندارد. وی از آقای ی. ب و کارکنان متخلف بانکها و اداره ثبت ورامین بر فرض سوء استفاده از اسناد هویتی و جعل امضای خود اعلام شکایت نموده (صص ۸۹ و ۹۰ از ج ۱) و شکواییه‌ای نیز در همین خصوص بتاريخ ۴ / ۱۱ / ۹۱ تقدیم کرده است (ص ۲۲۰۶ ج ۱۵).

ث) ج. ح فرزند م: نامبرده خود را کارگر دامداری در یکی از شرکتهای مجموعه (ن. ل) معرفی نموده که در شرکت دیگر مجموعه یعنی و. پ. ق به عضویت هیات مدیره درآمده و اظهار داشته است هیچگونه وام و تسهیلاتی از بابت این شرکت دریافت

نکرده و مراجعه ای به بانک نیز نداشته ولی از آقایان س و ص (مدیران امور مالی مجموعه) شنیده‌اند که آقای ی. ب با سوءاستفاده از اوارق هویتی ایشان و جعل امضای وی و همسرش خانم س. م به نام شرکت فوق از شعبه ... بانک پاسارگاد وام گرفته که از این موضوع بی اطلاع است. لذا از نامبرده و کارکنان متخلف بانک و اداره ثبت اسناد ورامین شکایت دارد (صص ۹۱ و ۹۲ ج ۱).

ج) آقای الف. ح فرزند م نیز به شرح صفحات ۹۳ و ۹۴ از جلد ۱ پرونده، اظهارات مشابهی با برادر خود ج. ح ابراز داشته است.

چ) م. ر فرزند ح: ایشان خواهرزاده آقای ی. ب می‌باشد و در پاسخ به این سوال که آیا مشارالیه به نام شما شرکتی به ثبت رسانده و تسهیلات بانکی اخذ نموده است یا خیر، چنین ابراز داده است که: "بله. در تاریخ خردادماه سال ۱۳۸۸ به توسط آقای س حسابدار شرکتهای آقای ب اطلاع پیدا کردم که اسم بنده در شرکت ع. س در ثبت شرکتهای ورامین ثبت شده و از بانک پاسارگاد شعبه ... تهران اقدام و اخذ وام کرده‌اند که موارد مذکور کلاً بدون اطلاع بنده بوده و من در هیچ اداره و بانک مربوطه حضور نداشتم و هیچ امضایی را انجام ندادم". وی همچنین در حالی که تعداد قابل توجهی از تسهیلات اخذشده به نام شرکتهای گروه ب با ارایه پیش فاکتورهای فروش مواد اولیه دامداری منتسب به وی دریافت شده‌اند راجع به این پیش فاکتورها بیان کرده است که در مورد این موضوع نیز توسط آقای س مطلع شده و هیچ‌گونه اطلاعی از این فاکتورها در کلیه مراحل صدور و ارایه به بانک نداشته است و در این خصوص نیز طرح شکایت کرده است و از آقای ی. ب که به زعم وی عامل اصلی این اتفاقات می‌باشد ایضاً کارمندان متخلف اداره ثبت شرکتها و بانکهای مربوطه شکایت دارد (صص ۹۵ و ۹۶ از ج ۱).

ح) الف. س فرزند ب: نامبرده خود را مسئول امور مالی دفتر مرکزی شرکتهای گروه ی. ب معرفی نموده و بشرح صفحات ۹۹ الی ۱۰۸ از جلد ۱ اظهار داشته است: پس از اخراج از بانک تجارت به علت سهل انگاری در انجام وظایف خود به عنوان مدیر شعبه از سال ۱۳۸۰ به عنوان کارمند آقای ب در مجموعه ایشان مشغول به کار شده است. وی در شرکتهای ع. ش، الف. ر. ن و ک. و به ترتیب به عنوان مدیرعامل، رییس هیات مدیره و عضو هیات مدیره عضویت خود را تایید نموده و بیان داشته است که شرکتهای مزبور از بانکهای مختلف تسهیلات متعددی را دریافت کرده‌اند. با این‌همه، در خصوص ثبت و تاسیس این شرکتها و اخذ تسهیلات بانکی آنها چنین اظهار نموده است که جهت ثبت آنها حتی یک بار هم به اداره ثبت ورامین مراجعه نکرده و حدود ۹۰٪ فرمهای بانکی که

توسط آقای ی. ب و خود وی از بانکها گرفته می‌شد به همراه وثایق (اکثراً چک و سفته) توسط او (آقای س) تکمیل می‌گردید. نامبرده در پاسخ به سوالی راجع به اصالت یا جعلی بودن امضاهای منتسب به خود در فرایند اخذ تسهیلات شرکتهای فوق ابراز داشته است: حدود ۵ تا ۱۰٪ از امضاهای او توسط خود وی انجام شده و مابقی امضاها بتوسط آقای ی. ب و از طرف او انجام شده‌اند. آقای س در خصوص امضای اسناد تسهیلات اخذشده شرکتهای گروه نیز بیان می‌کند که اسناد بانکی، چک، سفته و فرمهای قرارداد بانکها را فقط خود آقای ب امضا می‌کرد و وی اشخاص دیگری را رویت نکرده که امضا کنند. وفق اظهارات وی آقای ب اکثراً در دفتر مرکزی مجموعه در تهران و در حضور وی امضا می‌کرد و بعضی از اسناد و مدارک بانکی را به عنوان این که مدیران شرکت وام‌گیرنده در ورامین هستند از او می‌گرفت و از دفتر بیرون می‌برد و صبح فردا با همان امضاهای خود به دفتر تحویل می‌داد. مشارالیه در بخش دیگری از اظهاراتش ضمن رد تبانی خود با همکاران سابقش (کارمندان بانکهای تسهیلات دهنده) بیان می‌دارد که آقای ی. ب از مدارک کلیه کارکنان مجموعه و بستگان خود که نزد وی بوده سوء استفاده کرده و بدون اطلاع آنان، امضای آنها را جعل و تسهیلات دریافت می‌نمود. اگرچه از برخی وکالت کاری دارد ولی از آن استفاده درست ننموده و بجای آنها امضا می‌کرد. ایشان همچنین به عنوان مدیر مالی مجموعه شرکتهای وابسته به آقای ی. ب بیان می‌دارد متهم اخیر در شهرستان ورامین و تالش حدود ۱۸ شرکت به ثبت رسانده که از این میان تنها تعداد ۵ شرکت فعال هستند (در زمان ارایه توضیحات یعنی ۲۱/۴/۹۰) و مابقی فعالیت آنچنانی ندارند.

۶- وفق صورتجلسه تنظیمی مامورین انتظامی در بازرسی از دفتر مرکزی مجموعه وابسته به متهم فوق واقع در تهران، ... که در معیت آقای الف. س مدیر حسابداری و امور مالی مجموعه صورت گرفت (بشرح صص ۱۰۹ الی ۱۱۴ از ج ۱) اسناد و مدارکی متعلق به شرکتهای صدرالذکر اعم از اسناد مالکیت، دسته چکها، سربرگها، اساسنامه و همچنین اصل امهار این شرکتهای یافت گردید که دلالت بر وابستگی و هم‌گروه بودن آنها و وحدت شخص یا اشخاص ذینفع در شرکتهای مزبور دارد. علاوه بر این، در گزارش یادشده به یک جلد زونکن زردرنگ با اتیکت "نمونه امضا" حاوی نمونه امضای اعضای هیات مدیره این شرکتهای اشاره شده است که در محل فوق کشف گردید. ایضاً در میان امهار مکشوفه، دو فقره مهر دیگر به نام ح. ب و فروشنده‌گی دام، بذر و علوفه م. ر نیز ملاحظه می‌گردد که اولاً خانم ب در شرکتهای متعددی بشرحی که در ادامه خواهد آمد

نام وی به عنوان عضو هیات مدیره ثبت شده است و ثانیاً مهر اخیر نیز در پیش فاکتورهای ارائه شده به بانکهای پرداخت کننده تسهیلات فروش اقساطی مواد اولیه به شرکتهای فوق مورد استفاده قرار گرفته شده و در گزارشهای ادارات بازرسی بانکهای مزبور به این پیش فاکتورها و فروشندگی م. ر اشاره گردیده است. همان گونه که ذکر شد آقای م. ر طی اظهاراتی در مرجع انتظامی، صدور و انتساب این پیش فاکتورها به خود را رد کرده و مدعی جعلی بودن آنها شده است. لازم به ذکر است که حسب صورتجلسه مورخ ۱۱/۲/۹۱ مرجع انتظامی (ص ۹۰۱ ج ۷) یک زونکن مشکی رنگ نیز حاوی تصاویر کارت افتتاح حساب بانکهای عامل و نمونه امضات مجعول مورد استفاده متهم از سوی مدیران امور مالی و حسابداری مجموعه تحویل گردیده است.

۷- وفق اوراق ۱۵۶ و ۱۵۷ از جلد ۲ پرونده و پیوستهای آن، آقای ک. ط به وکالت از د. ق شکایتی را دایر بر جعل و سوء استفاده از سند مجعول مطرح نموده و مفاداً چنین توضیح داده است که موکل وی از سال ۱۳۸۴ به عنوان کارپرداز در شرکت ع. ش شروع بکار کرد که مدیریت این شرکت و شرکتهای زیر مجموعه آن برعهده مشتکی عنه بود. آقای ی. ب در تاریخ ۱۷/۲/۸۶ اقدام به تغییراتی در شرکت خوراک دام و طیور ع. س نموده و بدون علم و اطلاع شاکی، ایشان را به عنوان رئیس مدیره شرکت مذکور معرفی و امضای وی را جعل می نماید. متعاقباً در تاریخ ۱۶/۸/۸۷ به نام شرکت فوق مبادرت به اخذ مبلغ سه میلیارد و سیصد و هفتاد میلیون ریال از بانک پاسارگاد شعبه ... تهران با جعل امضای شاکی می نماید. با توجه به این که موکل نامبرده از ابتدای سال ۱۳۸۷ به عنوان حسابدار شرکت ع. ش با مدیریت آقای ی. ب مشغول به کار بود مشتکی عنه به وی مراجعه و طی سند دستور صدور چک به شماره ۲۲۶۳ مورخ ۱۶/۸/۸۷ خواستار صدور یک فقره چک بعنوان امانت در وجه بانک پاسارگاد به شماره چک ... بدون قید تاریخ به مبلغ سه میلیارد و سیصد و هفتاد میلیون ریال از جاری ... می شود و شاکی بدون اطلاع از عضویت خود در شرکت خوراک دام و طیور ع. س و اخذ تسهیلات توسط مشتکی عنه چک را در اختیار آقای س قرار می دهد. النهایه شاکی متعاقب ارسال اخطاریه ای از سوی بانک پاسارگاد به شرکت ع. ش و اطلاع رسانی آقایان الف. س و م. م متوجه می شود که آقای ی. ب به نام ایشان مبالغ فوق را دریافت داشته در حالی که چک فوق الذکر و سفته هایی به ارزش ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون ریال نیز با جعل امضای وی به بانک تحویل داده شده اند. شکایت مزبور به دادسرای عمومی و انقلاب ورامین تقدیم و در تاریخ ۱/۶/۸۹ موضوع به شعبه

محترم چهارم بازپرسی آن دادسرا ارجاع گردیده است. لازم به ذکر است که مطابق با بند ۳ صورتجلسه مورخ ۱۲/۲/۸۶ مجمع عمومی فوق العاده شرکت خوراک دام و طیور ع. س (سهامی خاص) به شماره ثبت ... که در روزنامه رسمی به شماره ... ۱۷/۲/۸۶ منتشر و آگهی مربوطه پیوست شکایت شده، آقای د. ق به عنوان رییس هیات مدیره و خانم ح. ب به عنوان نایب رییس و آقای ح. ج به عنوان مدیرعامل شرکت فوق به مدت ۲ سال انتخاب گردیده‌اند و کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور با امضای مدیرعامل به همراه مهر شرکت معتبر می‌باشند. علاوه بر این، بند ۲ صورتجلسه مورخ ۱۰/۱/۸۵ هیات مدیره شرکت تعاونی الف. د. تالش به شماره ثبت ... که در روزنامه رسمی به شماره ... - ۵/۱۲/۸۵ آگهی گردیده (ص ۱۶۴ ج ۲) متضمن انتخاب آقای د. ق به عنوان رییس هیات مدیره و خانم ح. ب به عنوان نایب رییس می‌باشد و آقای ح. ج نیز به عنوان مدیرعامل شرکت فوق نیز به مدت ۲ سال انتخاب گردیده است. همچنین، وکیل شاکی نسبت به دو برگ منتسب به موکل خود و ممضی به امضای وی که رونوشت آنها بشرح صفحات ۱۶۶ و ۱۶۷ ضمیمه پرونده می‌باشد و دلالت بر خروج ایشان از شرکت الف. د. تالش و واگذاری سهم شرکت خود دارند ادعای جعل نموده است. نتیجه استعلام از بانک پاسارگاد شعبه ... تهران مبین دریافت تسهیلاتی از نوع مشارکت مدنی در امر مواد اولیه به مبلغ سه میلیارد ریال به شماره ... در تاریخ ۱۸/۸/۸۷ به نام شرکت خوراک دام و طیور ع. س می‌باشد که قرارداد مربوطه (ص ۱۸۷) حسب الظاهر به امضای مدیرعامل این شرکت آقای ح. ج رسیده است. ضمن آن که رونوشت شناسنامه فرد اخیر، خانم ب و شاکی به عنوان مدیر و اعضای هیات مدیره شرکت مزبور به عنوان مدارک وام به شعبه فوق ارائه شده‌اند. مشتکی عنه پس از احضار از ناحیه بازپرسی و حضور در آن شعبه در خصوص شکواییه شاکی بشرح ص ۲۲۲ ضمن رد آن چنین بیان داشته است که: "امضا وی را جعل نکرده‌ام. نامبرده به عنوان سهامدار صوری معرفی شده چون می‌خواستیم شرکت را به ثبت برسانیم باید عضو معرفی می‌کردیم. هر شرکت چهار نفر عضو نیاز دارد و حدود ۶۵ نفر عضو نیاز داشتیم و تکرار افراد مخالف قانون است [زیرا] یک فرد نمی‌تواند در چند شرکت عضو باشد. به خاطر همین چندین نفر را به عنوان عضو صوری انتخاب کردیم که یکی از آنها شاکی می‌باشد". حسب تصمیم بازپرسی موضوع به کارشناس رسمی تشخیص اصالت خط و امضا ارجاع که کارشناس منتخب بشرح مندرج در صفحات ۳۴۳ و ۳۴۴ از ج ۳ پرونده در نظریه خویش چنین آورده است: امضائات مورد ادعا و انتسابی به آقای د. ق

در صورتجلسه مورخ ۸۶/۲/۱۳ صفحات ۵۴ و ۵۵، دو برگ لیست سهامداران صفحات ۸۱ و ۸۰، سه برگ صورتجلسه مورخ ۸۶/۱۱/۴، ۸۶/۱۱/۶ و ۸۶/۱۱/۶ صفحات ۸۲، ۸۳ و ۸۴) و پرونده ثبتی شرکت تعاونی گاو شیری الف. د. تالش به شماره ۱۶۴ حاوی امضات مورد ادعا در لیست اعضا مورخ ۸۵/۱۲/۵ صفحه ۳۵۸، صورتجلسه صفحات ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۲، برگ تسویه حساب در صفحه ۳۹۵، یک برگ نامه در صفحه ۳۹۶، یک برگ در صفحه ۴۰۱، دو برگ صورتجلسه مورخ ۸۶/۲/۱ در صفحات ۴۰۷ و ۴۰۸) مورد ملاحظه و بررسی‌های فنی قرار گرفت نتیجه بشرح ذیل تقدیم حضور می‌گردد: کلیه امضات و خطوط مورد ادعا انتسابی به آقای د. ق در صفحات مشخص شده در پرونده‌های ثبتی فوق الذکر به شماره ۱۴۶۲ و ۱۶۴ در مقایسه با نمونه امضات و خطوط استکتابی و مسلم الصدور نامبرده از حیث میزان توانایی، تسلط تحریری، شکل قالب، پرتاب حرکت قلم، شیب و زاویه و سایر نکات دارای اختلافات اساسی بوده و با یکدیگر مطابقت ندارند (منفی).

۸- متعاقب وصول نظریه مزبور، متهم به اتهامات جعل و استفاده از سند معمول احضار که به عدم علت حضور، برگ جلب ایشان از طریق نیابت قضایی صادر می‌گردد. مشارالیه در تاریخ ۱۰ / ۱ / ۸۹ پس از حضور در دادگاه بخش جوادآباد ورامین و تفهیم اتهامات فوق در دفاع از خود ابراز داشته است: "اینجانب ی. ب هیچ‌گونه اتهامی را قبول ندارم و هیچ‌گونه سندی در این ارتباط جعل ننموده‌ام ... چندین شرکت در شهرستان ورامین و تالش زیر نظر ما مشغول به فعالیت دامپروری و کارخانجات شیر پاستوریزه و خوراک دام می‌باشد که جهت اداره امور آن شرکتها می‌بایست از وجود چندین نفر جهت تشکیل هیات مدیره استفاده می‌کردیم که در این خصوص از نام آقای د. ق به رضایت خود ایشان به لحاظ پاکدامنی‌هایی که از خود در مجموعه به نمایش گذاشته بود استفاده و ایشان را صوری در شرکت سهامدار نموده‌ایم و با نظر و حضور خود ایشان که کارمند دفتر ما بوده اقدام به دریافت وام کرده و اینجانب فقط به عنوان ضامن وام ظهر کلیه سفته‌ها را امضا نمودم ... به لحاظ مسائل اقتصادی مدتی وام به تاخیر افتاده و به مجرد این که اوضاع اقتصادی ساماندهی گردد کلیه اقساط وام به بانک پرداخت خواهد شد" (صص ۳۷۷ و ۳۷۸ ج ۳). نامبرده در همین تاریخ با صدور قرار قبولی وثیقه آزاد می‌گردد. ۹- حسب برگ ۱۹۰ از جلد ۲ پرونده نیز خانم ط. ش (همسر د. ق) شکایتی را علیه آقایان ی. ب و ع. ر دایر بر مشارکت در تهدید به مرگ، مزاحمت و توهین مطرح نموده بدین توضیح که مدعی است به علت طرح شکایت همسر او از مشتکی عنه ردیف اول

بابت جعل امضا، مشارالیه به همراه برادر همسر خود (مشتکی عنہ ردیف دوم) در حالی که آقای ق حضور نداشت به درب منزل آنها مراجعه کرده و اقدام به فحاشی و تهدید نموده اند تا همسرش دست از شکایت خود بردارد. این شکواییه هم در تاریخ ۱۶/۶/۸۹ به شعبه محترم چهارم بازپرسی دادسرای شهرستان ورامین ارجاع و ضمیمه پرونده قبلی شده است.

۱۰- آقای م. ر نیز با طرح شکواییه‌ای (ج ۳ ص ۳۵۷) علیه آقای ی. ب دایر بر جعل، استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری چنین توضیح داده است که مشتکی عنہ به نام وی و در قالب شرکتی به نام شرکت ع. س که در اداره ثبت ورامین به ثبت رسانده از بانک پاسارگاد شعبه ... تهران وامی به مبلغ ۳۷۰ میلیون تومان دریافت و سفته‌هایی را جهت ضمانت به نام او امضا نموده است که جعلی می‌باشند. شکواییه مزبور در تاریخ ۷/۱۰/۸۹ به شعبه محترم چهارم بازپرسی دادسرای شهرستان ورامین ارجاع و ضمیمه سابقه قبلی شده است. لازم به ذکر است که شاکی فوق شکواییه‌ای دیگری نیز با همین مضمون بشرح صص ۸۳۶ و ۸۳۷ از جلد ۶ مطرح نموده و در جای دیگری نیز پیش فاکتورهای خرید مواد اولیه دامپروری که به نام و منتسب به او صادر و در موارد متعددی به بانکهای عامل جهت دریافت وام ارایه گردیده‌اند جعلی اعلام نموده است (صص ۵۵۶ ج ۴ و ۶۶۱ ج ۵). همچنین، آقای م. ف نیز با پیوست نمودن رونوشت آگهی‌های روزنامه رسمی مربوط به تغییرات در شرکت‌های ع. س به شماره ثبت ...، ن. ل به شماره ثبت ...، ع. ش به شماره ثبت ...، ز. ب به شماره ثبت ... و د. د به شماره ثبت ... که حکایت از عضویت ایشان در این شرکتها با سمت عضو هیات مدیره، مدیر عامل یا رئیس هیات مدیره دارند طی شکواییه‌ای علیه آقای ی. ب دایر بر جعل و استفاده از سند مجعول مدعی است که وی هیچ گونه دخالت و تصرفی در امور این شرکتها نداشته و در حالی که هدایت و محوریت شرکت‌های ذکر شده به عهده مشتکی عنہ بوده ایشان با مراجعه به بانکهای مختلف و ارائه اسناد و مدارک مجعول بدون حضور و اطلاع او، از بانکهای مزبور وامهای کلان و دسته چک دریافت نموده است و عملاً ایشان را به بانکهای مزبور بدهکار کرده و با بهانه‌های واهی از پرداخت اقساط و اصل و فرع وامهای خودداری می‌کند تا جایی که بدهی‌ها به مطالبات معوق مبدل شده و بانکها نیز جهت وصول مطالبات خود ناچار به اقدامات حقوقی و قضایی شده‌اند. شکواییه مزبور در تاریخ ۱۲/۱۰/۸۹ مجدداً به شعبه محترم چهارم بازپرسی دادسرای شهرستان ورامین ارجاع و ضمیمه سوابق قبلی شده است. شاکی شکواییه‌ای دیگری نیز با همین مضمون

بشرح صص ۸۳۸ تا ۸۴۰ از جلد ۶ مطرح نموده است. به همین ترتیب، خانم ف. ر نیز با تقدیم شکواییه مشابهی علیه متهم دایر بر جعل و استفاده از سند مجعول بیان داشته است آقای ی. ب با سوءاستفاده از اسناد و مدارک مجعول بدون حضور و اطلاع وی از بانک پاسارگاد شعبه ... کد ... به نام شرکت ز. ب مبادرت به اخذ وام کلان نموده که معوق شده است. پس از چندین بار مراجعه به ایشان و طرح موضوع، مشتکی عنه اقرار صریح نموده که بدهی مزبور مربوط به شخص خود ایشان می باشد و وی (شاکیه) هیچ گونه بدهی به بانک ندارد. شکواییه اخیر نیز در تاریخ ۱۲/۱۰/۸۹ به شعبه محترم چهارم بازپرسی دادسرای شهرستان ورامین ارجاع و ضمیمه سوابق قبلی شده است. شاکیه شکواییه‌ای دیگری نیز با همین مضمون بشرح صص ۸۴۲ از جلد ۶ مطرح نموده است. متعاقب شکایات صدرالذکر شعبه محترم فوق جلسه مواجهه حضوری میان طرفین به تاریخ ۱۸/۱۱/۸۹ برگزار که متهم مجدداً تأکید می کند که «شکات، شرکای صوری ما بوده اند. تمام بدهی بانک‌ها را خودمان باید بدهیم. نامبردگان از ترس این که نکند روزی بانک به سراغ آنها بیاید از من شکایت کرده اند» (ص ۴۲۰ ج ۳). استعلامهای صورت گرفته از شعب بانکهای ملت، پاسارگاد، ملی، سرمایه، کشاورزی و تجارت بشرح صفحات ۴۳۳ الی ۴۴۷ از جلد ۳ حاکی از آن است که شکات به مدیریت از شرکتهای صدرالاشاره تسهیلاتی را از این بانکها دریافت کرده که معوق شده‌اند. ضمن آن که در برخی از موارد اسناد و تضمینات مربوطه ممضی به امضای آنان است. بر همین مبنا، بازپرس محترم وقت شعبه مجدداً با صدور قرار کارشناسی موضوعات مطروحه را جهت بررسی فنی به هیات ۳ نفره کارشناسان خط، امضا و اثر انگشت ارجاع می نمایند.

۱۱- در این اثنا، آقایان الف و ج شهرتین ح هر دو فرزند م با تقدیم شکایتی مشابه شکات قبلی علیه آقای ی. ب دایر بر جعل، استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری اعلام کرده‌اند که مشتکی عنه در قالب شرکتی به نام و. پ. ق با جعل امضای آنان بر اسناد و تضمینات مربوطه از بانک پاسارگاد وامی به ارزش ۳۰۰ میلیون تومان دریافت کرده است (ج ۴ ص ۴۵۴). شکواییه مزبور در تاریخ ۳۰/۱/۹۰ به شعبه محترم چهارم بازپرسی دادسرای شهرستان ورامین ارجاع و ضمیمه سوابق قبلی شده است. لازم به ذکر است که شکات اخیر شکواییه‌های دیگری نیز با همین مضمون بشرح صص ۶۷۱ و ۸۴۵ تا ۸۵۰ از جلد‌های ۵ و ۶ مطرح نموده‌اند. همچنین، خانمها ف. ت و س. م که به ترتیب همسر الف و ج. ح بوده و به عنوان سایر اعضای هیات مدیره به نام آنان شرکت و. پ. ق به ثبت رسیده است بشرح صفحات ۸۵۱ الی ۸۵۵ از جلد ۶ شکایت

مشابهی را علیه متهم یادشده مطرح کرده‌اند (نام ایشان در شکایت مورخ ۳۰ / ۱ / ۹۰ آقایان ح (ص ۴۵۴) نیز ملاحظه می‌شود ولی شکواییه به امضای مشارالیهما نرسیده است). استعلام صورت گرفته از شعبه ... تهران بانک پاسارگاد موید اخذ تسهیلات مشارکت مدنی در امر تولیدی کشاورزی به مبلغ سه میلیارد ریال توسط شرکت اخیرالذکر به مدیریت شکات فوق است که اسناد مربوطه ممضی به امضای آقایان ح و خانم ت و ممه‌ور به مهر شرکت گردیده‌اند (صص ۵۵۰ الی ۵۵۲ از ج ۴).

۱۲- مفاد رونوشت سه فقره سند عادی که در صفحات ۴۶۵ الی ۴۶۷ جلد ۴ پرونده منعکس و از سوی برخی شکات به هیات کارشناسی ارایه گردیده و منضم نظریه این هیات می‌باشند با عنوان "صورتجلسه اقرارنامه" به تاریخ تنظیم ۳۰ / ۴ / ۸۸ حاکی آن است که اولاً امضاکنندگان این اسناد به هم‌گروه و به هم پیوسته بودن شرکتهای برشمرده در صدر این گزارش (شرکتهای دریافت کننده تسهیلات) و به عبارت دیگر، وحدت شخص یا اشخاص ذی نفع در آنها و صوری بودن اسامی افرادی که به عنوان سهامدار، شریک و اعضای هیات مدیره یا مدیرعامل آنها به ادارات ثبت اسناد معرفی شده‌اند اقرار دارند. این افراد عمدتاً از کارکنان مجموعه یا آشنایان آقای ی. ب می‌باشند که در این پرونده از وی طرح شکایت نموده‌اند و متهم از آنان به شرکای صوری و یا در موارد دیگری به زعم خود به شرکای قانونی و غیرشرعی تعبیر می‌کند. در همین ارتباط وکیل وقت متهم نیز با تقدیم لایحه‌ای (۱۳۶۹ ج ۱۰) مالکین و سهامداران واقعی برخی شرکتهای گروه ب را به شرح فهرستی که در پیوست شماره (۳) این تصمیم منعکس است اعلام نموده که دلالت بر خلاف واقع بودن اسامی سهامداران، موسسین یا مدیران این شرکتها به اداره ثبت می‌باشد. ثانیاً در اسناد مزبور تکلیف پرداخت دیون بانکی برعهده مالکین یا شرکای حقیقی مجموعه گذاشته شده است که متهم علاوه بر خود، آنها را تحت عنوان شرکای شرعی آقایان م. ش و م. ح معرفی می‌کند. در یکی از اقرارنامه‌های مزبور که راجع به احد از شکات پرونده آقای م. ف تنظیم گردیده آمده است: "چون در جهت گشایش کارها و رفع نیازمندیهای ضروری و تامین سرمایه در گردش شرکتهای هم‌گروه مبادرت به اخذ تسهیلات از سیستم بانکی بشرح زیر شده است لذا بدین وسیله گواهی و تائید می‌شود که تسهیلات اخذ شده از سوی شرکت با مدیریت و مالکیت که به نام آقای م. ف از بانک بشرح توضیحات ذیل شعبه بمبلغ اصل ریال دریافت شده و در تاریخ سررسید آن می‌باشد با کلیه مبالغ اصل به علاوه سود و سود پس از سررسید و خسارت تاخیر

تادیه ۶٪ و کلیه حقوقی قانونی متعلقه به آن به هر مبلغی که نهایتاً در روز تسویه حساب قطعی و استهلاك دین منتهی شود، بازپرداخت کل مبالغ موصوف به عهده مالکان و صاحبان اصلی شرکت آقایان بوده و می‌باشد و هیچگونه ارتباطی به شرکت ز. ب و آقای م. ف بدهی مزبور نداشته و ندارد و بموجب مفاد این صورتجلسه اقرارنامه به هیچ وجه من الوجوه، مسئولیتی متوجه آقای م. ف در هیچ زمینه ای اعم از حقوقی، شرعی، وجدانی و اخلاقی نبوده و نیست و نخواهد بود اعم از دیون مستقیم یا غیر مستقیم". راجع به تسهیلات اخذ شده به نام خانمها پ. ف و ف. ر (ر) و آقای الف. س (۳۴۸۱ ج ۲۳) نیز اسناد مشابهی تنظیم شده است.

۱۳- در نظریه هیات کارشناسی و نظریه تکمیلی آن بشرح صفحات ۵۴۶، ۵۴۷، ۶۰۰ و ۶۰۱ جلد‌های ۴ و ۵ پرونده در خصوص اصالت یا جعلی بودن امضات منتسب به شکات در فرایند اخذ تسهیلات بانکی و در فرایند ثبت و مدیریت شرکتهایی که نام آنها به عنوان مدیرعامل یا عضو هیات مدیره این شرکتها وارد گردیده، آمده است:

الف) امضات منتسب به آقای د. ق در برگ ۷۷ پرونده دام و طیور ع. س و برگ دوم تعهدنامه شرکتها در بانک پاسارگاد شعبه ... مورخ ۸۷/۸/۱۸ مربوط به شرکت خوراک دام و طیور ع. س و برگ صورت ریز سفته‌ها مربوط به بانک فوق الذکر (با برگ شماری تصاویر ۳۸۱ و ۳۸۲ پرونده بازپرسی) با امضات استکتایی نامبرده مطابقت ندارد (منفی). همچنین، امضات منتسب به مشارالیه در صورتجلسه مورخ ۶/۱۱/۸۶ (برگ ۸۴ پرونده)، صورتجلسه مورخ ۶/۱۱/۸۶ (برگ ۸۳ پرونده)، صورتجلسه مورخ ۴/۱۱/۸۶ (برگ ۸۲ پرونده)، دو برگ لیست سهامداران حاضر در مجمع عمومی (برگهای ۸۱ و ۸۰ پرونده) مربوط به پرونده شرکت خوراک دام و طیور ع. س به شماره ثبت ... با امضات استکتایی و متعارف نامبرده از جهت فنی از قبیل سرعت و صراحت فشار و توان قلم دارای اختلافات اساسی بوده و مطابقت ندارند (منفی). ایضاً امضات منتسب به نامبرده در ذیل یک برگ واگذارنامه سهام مربوط به ایشان (برگ چهارصد و یک)، یک برگ تسویه حساب به تاریخ ۲۰/۶/۸۶ (برگ ۳۹۵ پرونده) مربوط به پرونده ثبتی شرکت تعاونی گاو شیری الف. د تالش با امضات نامبرده دارای اختلافات فنی بوده و توسط وی تحریر نگردیده است (منفی) و لیکن سایر امضات منتسب به نامبرده در پرونده ثبتی فوق با امضات وی دارای تشابهات اساسی و فنی بوده و مطابقت دارد (مثبت). به علاوه، امضات منتسب به ایشان مندرج در ذیل یک برگ صورتجلسه هیات مدیره به تاریخ ۱۳/۲/۸۶ (برگ ۵۴ پرونده) و یک برگ لیست سهامداران (برگ ۵۵

پرونده) مربوط به شرکت خوراک دام و طیور ع. س به شماره ثبت ... با امضائات استکتایی و متعارف نامبرده دارای تشابهات اساسی و فنی از جهت شکل و قالب و زوایا خصوصاً از جهت نحوه تحریر کلمه ق داشته و مطابقت دارند (مثبت).

ب) امضائات منتسب به آقای م. ر در اوراق بانک پاسارگاد شعبه ... که در بند الف همین نظریه به آنها اشاره شده و تصاویر آنها که در اوراق برگ شماری ۳۸۱ و ۳۸۲ پرونده آن بازپرس محترم موجود می‌باشد و اصول اوراق با برگ شماری ۸۰-۸۱-۸۴ مربوط به پرونده دام طیور ع. س و اصول سه برگ فاکتور فروش (به عنوان فروشنده) دام و علوفه و بذر م. ر) به شماره های ۵/۸۰۳۲/الف/۱۱۰ مورخ ۶/۹/۸۵ و ۴۵۳/۱۸/س/۱۱۰ مورخ ۶/۷/۸۵ و ۳۱۵/۲۲۰/مورخ ۳۰/۸/۸۱ که تصاویر آنها با برگ شماری ۴۲۳-۴۲۷ و ۴۳۰ در پرونده آن بازپرس محترم ضمیمه می‌باشد با امضائات استکتایی نامبرده دارای اختلافات اساسی و فنی بوده و مطابقت ندارد (منفی).

ج) امضائات منتسب به خانم ف. ر در برگ صفحه دوم تعهدنامه شرکتها در بانک پاسارگاد شعبه ... مورخ ۸/۵/۸۷ با برگ شماری ۴۴۴ در ظهر تصویر مدرک فوق در پرونده بازپرسی و اصول اوراق با برگ شماری به شماره های ۳۵۸-۳۶۷-۳۶۹-۳۷۳-۳۹۱-۳۹۳ و ۴۰۷ در پرونده ثبتی شرکت تعاونی الف. د تالش دارای اختلافات اساسی با امضائات استکتایی خانم ف. ر مشاهده می‌شود و با یکدیگر مطابقت ندارند (منفی).

د) هیچکدام از امضائات مندرج در دو پرونده ثبتی شرکت تعاونی گاو شیری الف. د تالش و پرونده شرکت خوراک دام طیور ع. س و اسناد و سفته‌های مربوط به بانکهای ذکر شده در نظریه با امضائات آقایان الف و ج. ح فرزند و خانمها ف. ت و س. م مطابقت ندارند (منفی).

د) امضائات منتسب به خانم پ. ف در ذیل یک برگ تعهدنامه شرکت کشت و صنعت ز. ب مربوط به بانک پاسارگاد و ظهر سفته‌های مربوطه که کپی آنها پیوست است با امضائات نامبرده دارای اختلافات اساسی و فنی بوده و توسط نامبرده صادر نگردیده است (منفی).

ه) امضائات منتسب به آقای م. ف در ذیل اسناد تعهدآور مربوط به بانکهای تجارت شعب ... و ... و بانک ملی شعبه ... و بانک پاسارگاد شعبه ... و سفته‌های مربوط به امضائات نامبرده خصوصاً در پرونده‌های ثبتی شرکت تعاونی گاو شیری الف. د تالش و شرکت خوراک دام طیور ع. س دارای تشابهات فنی بوده و مطابقت دارند (مثبت).

۱۴- به تاریخ ۵/۵/۹۰ بازپرس محترم شعبه چهارم دادسرای ورامین ضمن اعلام ختم تحقیقات، در خصوص اتهامات آقای ی. ب دایر بر جعل و استفاده از سند مجعول راجع به امضات منتسب به خانمها و آقایان د. ق، پ. ف، م. ر، ف. ر، الف و ج شهرتین ح، ف. ت و س. م حسب نظریات کارشناسی صدرالاشاره قرار مجرمیت (جلب به دادرسی) و در خصوص شکایت آقای م. ف علیه متهم مزبور دایر بر عناوین اتهامی فوق و شکایت خانم ط. ش دایر بر فحاشی و تهدید به قتل علیه متهم یادشده و آقای ع. ر به لحاظ فقد ادله اثباتی قرار منع تعقیب صادر می‌نمایند (صص ۶۰۶ الی ۶۰۸ ج ۵). دادیار محترم اظهارنظر در ظهر برگه ۶۰۸ پرونده، با قرار منع تعقیب راجع به ع. ر موافقت نموده ولی در خصوص سایر موارد عقیده بر توجه اتهام کلاهبرداری از بانکهای تسهیلات دهنده به متهم و صدور قرار عدم صلاحیت به لحاظ مهمتر بودن اتهام اخیر دارند. النهایه شعبه محترم وقت ۱۰۲ دادگاه عمومی جزایی ورامین با تایید نظر دادیار محترم حل اختلاف می‌نماید و متعاقب صدور قرار عدم صلاحیت مورخ ۷/۶/۹۰ بازپرس محترم فوق، پرونده متشکله به دادسرای ناحیه ۲۲ تهران و این شعبه ارجاع که ضمیمه پرونده حاضر می‌گردد.

۱۵- پس از این، آقای م. م فرزند الف با وکالت بعدی آقایان م. الف و م. ب شکواییه‌ای را در تاریخ ۳۰/۹/۹۰ (ج ۵ صص ۶۲۸ و ۶۵۳) علیه آقای ی. ب دایر بر جعل، استفاده از سند مجعول، تحصیل مال از طریق نامشروع و کلاهبرداری مطرح و خاطرنشان می‌سازد: مشتکی عنه مدیر ارشد دفتر مرکزی تهران از مجتمع‌های کارخانجات و دامداری‌های صنعتی شیری و پرواری بوده و بنده هم در قالب مدیر ارشد مالی مجموعه‌ها و حسابرس تمام مجموعه‌ها و مدیر امور حقوقی بودم که از سال ۱۳۸۳ مشغول بکار شدم. نظر به این که اطلاع یافتم نامبرده با جعل مکرر صدها فقره بلکه بیشتر امضای جعلی برایم تدوین کرده و خود شخصاً آن امضاها را بر روی اسناد تجارتي می‌زده و به تبع آن با مراجعه به بانکهای مختلف تهران در قالب تسهیلات زودبازده مبالغ قابل توجهی دریافت نموده است که چون در بازپرداخت دیون خود در سررسید مقرر قصور کرده، بانکهای ذینفع نیز بالطبع در جهت استیفای حقوق خود متوسل به مجاری قانونی و قضایی شده اند که پس از صدور اخطاریه‌ها اینجانب به موضوع اشراف کامل یافتم. نامبرده به شرح صفحات ۱۴۷۵ و ۲۲۶۸ از جلدهای ۱۰ و ۱۶ نیز شکایات مشابهی مطرح کرده است. به همین ترتیب، آقای الف. س فرزند ب با وکالت بعدی آقایان م. الف و م. ب نیز با معرفی خود به عنوان مدیر مالی و مسئول حسابداری دیگر

مجموعه و آقای ی. ب به عنوان مدیر ارشد دفتر مرکزی مجتمع‌های دامداری و کارخانجات شیر پاستوریزه و کارخانه خوراک دام بابت جعل امضای خود به کرات توسط فرد اخیر و دریافت تسهیلات بانکی متعدد بشرح صفحات ۶۳۲ و ۶۴۸ و ۱۴۷۱ از جلد‌های ۵ و ۱۰ شکایات مشابهی را علیه متهم دایر بر جعل، سوء استفاده از سند مجعول، کلاهبرداری و تحصیل مال از طریق نامشروع مطرح کرده است. خانم ح. ب فرزند ی نیز به عنوان منشی متهم اخیرالذکر با وکالت بعدی آقایان م. الف و م. ب بشرح صفحات ۶۷۱ تا ۶۷۴، ۲۱۰۶، ۸۳۰ تا ۸۳۵، ۱۴۷۳ و ۲۲۶۸ از جلد‌های ۵، ۶، ۱۰، ۱۵ و ۱۶ علیه مشارالیه شکایات مشابهی تقدیم کرده است. این شکواییه‌ها به لحاظ وحدت موضوع و متهم ضمیمه پرونده حاضر گردیده‌اند.

۱۶- شرکای آقای ی. ب یعنی آقایان ۱- م. ح فرزند ع و ۲- م. ش فرزند م با وکالت بعدی آقایان م. الف و م. ب نیز شکایاتی علیه مشارالیه طرح کرده‌اند. بدین توضیح که ردیف اول اظهار داشته است حدود ۱۳ سال با متهم شریک بوده و به همراه او چهار شرکت الف. د تالش، پ. ل، ن. ل و ر. پ را تاسیس نموده (در جای دیگر شرکت م. س را نیز افزوده است (۳۴۲۳ ج ۲۳)) اما ایشان با سوء استفاده از مدارک و جعل امضای او مبادرت به اخذ دسته چک و تسهیلات بانکی نموده است لذا از ایشان بابت جعل و سوء استفاده از اسناد مجعول، کلاهبرداری و تحصیل مال از طریق نامشروع شکایت دارد (صص ۶۳۴ و ۶۵۱ و ۱۴۶۷ ج ۵ و ۱۰). ردیف دوم نیز با شکایت مشابهی بیان داشته است با متهم در چهار شرکت ر. ن، ع. س، ع. ش و م. س شریک بوده اما ایشان در موارد متعددی بدون اطلاع وی مبادرت به جعل امضای چک‌های شرکت و اسناد تعهدآور بانکی نموده و ضمن استفاده از آنها موجب بدهکاری وی به بانکها شده است (صص ۶۳۰ و ۶۵۲ و ۱۴۶۹ ج ۵ و ۱۰).

۱۷- شکات اخیرالذکر بجز موارد فوق، شکایات دیگری با نیز طرح موضوعات متفاوتی تقدیم کرده‌اند. بدین ترتیب که: ۱- خانم ح. ب به همراه آقای ک. پ بتاريخ ۱۹/۱/۹۲ شکایتی علیه آقایان ی و ص شهرتین ب و م. ح دایر بر انتقال مال غیر (۱۰ و ۸ هزار متر مربع از اموال شرکت تعاونی الف. د تالش) و استفاده از اموال شرکت مزبور به سود خود از طریق اعطای وکالتنامه بلاعزل به آقای ر. ر مطرح نموده‌اند (ج ۱۸ صص ۲۵۵۷). ۲- آقای م. ح شکایتی را دایر انتقال مال غیر (یک دستگاه آپارتمان واقع در مینی سیتی تهران) علیه آقای ی. ب مطرح نموده است (ج ۱۲ صص ۱۶۹۲ و ۱۶۹۳). متهم ضمن رد شکایت اخیر ابراز داشته این ملک متعلق به خود او بوده است (۱۶۹۷)

ج ۱۲). ۳- م. ش نیز به عنوان یکی دیگر از شرکای متهم شکایات متعددی را با موضوعات متفاوت علیه وی طرح کرده که جداگانه مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

۱۸- تحقیقات دیگری که در مرجع انتظامی از برخی شکات فوق به عمل آمده اهم اظهارات نامبردگان با رعایت اختصار بدین شرح است: ۱) م. ر: ایشان عنوان داشته با شخص آقای ی. ب شرکتی به ثبت نرسانده و چنانچه شرکتی به نام او توسط فرد اخیر به ثبت رسیده باشد از آن بی اطلاع است. البته، شرکت ج. گ. س توسط مشارالیه و آقای ق. ب (برادر متهم) تاسیس شد که در سال ۱۳۸۳ از آن استعفا داده و کلیه سهام خود را به آقای ع. ز واگذار نمود. منتها در شرکتهای م. س و ع. س هیچ نقشی نداشته و چنانچه در این شرکتها از نام وی استفاده شده بدون علم و اطلاع او بوده است. ضمن آن که هیچ اطلاعی از صدور فاکتورهای خرید و فروش که به نام ایشان صادر شده ندارد و کلیه امضاهای موجود در فاکتورها توسط آقای ی. ب یا عوامل وی صورت گرفته است (صص ۶۶۰ و ۶۶۱ ج ۵). ۲- م. ف: مشارالیه بجز شرکت ز. ب که خود را مالک آن می داند مدعی است که در جریان استفاده از نام خود در شرکتهای الف. ر. ن (عضو هیات مدیره)، ع. ش (رئیس هیات مدیره)، ن. ل (مدیرعامل) و پ. ل (بازرس) نبوده و به اداره ثبت شرکتها نیز مراجعه نداشته و بعداً در عمل انجام شده قرار گرفته و متوجه شد آقای ی. ب از نام وی در این شرکتها استفاده کرده است. بر همین اساس، در چندین نوبت بابت گرفتن یارانه جهت شرکتهای ع. ش و ن. ل از او امضا اخذ شده ولی در هیچ از یک بانکهایی که به نام شرکتهای فوق تسهیلات اخذ شده جهت افتتاح حساب یا اخذ وام مراجعه نکرده است (صص ۶۶۲ و ۶۶۳ ج ۵). ۳- ح. ب: وفق اظهارات وی، مشارالیهها به عنوان تاپیست و منشی به مدت ۳ الی ۴ سال نزد آقای ب مشغول به کار بود و شرکتی را با ایشان به ثبت نرسانده و فعالیت تجاری با وی نداشته است. جهت استخدام تصویر مدارک شناسایی خود را به ایشان داده بود که بعداً و پس از جدایی از شرکت متوجه شد که از اوارق هویتی وی سوء استفاده و اقدام به ثبت شرکت نموده و از طریق همان اسناد و جعل امضا تسهیلات بانکی اخذ کرده است. مشارالیهها همچنین ابراز داشته آقای ب وی را به عنوان مدیر بازرگانی به دو بانک تجارت (شعب ... و ...) معرفی کرد که در شعبه نخست به نام خود حساب جاری افتتاح و دسته چک دریافت کرد و دسته چک تحویل آقای ب شد. در شعبه ... نیز حساب پس انداز باز شد که ظاهراً به این حساب وجوهی واریز و به حساب سایر شرکتها منتقل می کردند. وی به عنوان منشی کارهای بانکی را نیز انجام می دادند و نقل و انتقال وجوه نیز توسط حسابداری

تعیین می‌شد. ضمن آن که از طریق آقای س مطلع شد که به نام وی و با جعل امضای او آقای ب از شعب مختلفی وام دریافت کرده و برای مشارالیهها و سایر اعضای شرکتهایی که به نام آنها به ثبت رسانده بدهی ایجاد است (صص ۶۷۲ الی ۶۷۴ ج ۵). ۴- م. ح: نامبرده اظهار داشته جهت ۴ شرکت ر. پ، پ. ل، ن. ل و الف. د تالش که با آقای ب شراکت داشته به بانکهای کشاورزی شعبه ...، سپه تهران، ملی شعبه ... و ملت تالش مراجعه و فرمهای مربوطه را امضا کرده و در جریان اخذ وام بوده است. هرچند به لحاظ تقسیم کاری میان خود و متهم از نحوه هزینه کرد آنها بی اطلاع است اما بجز شرکتهای فوق در جریان ثبت شرکتهای دیگری به نام خود نبوده و چنانچه از بانکهای دیگری نیز به نام وی تسهیلاتی اخذ شده از آنها بی اطلاع می‌باشد و مراجعه نداشته است (صص ۶۶۶ و ۶۶۷ ج ۵). ۵- م. ش: حسب اظهارات فرد اخیر، شراکت وی با متهم از سال ۱۳۸۱ در قالب شرکت ر. ن که متعلق به خود او بود شروع شد. طی سالهای ۸۱ تا ۸۵ شرکتهای م. س، ع. س و ع. ش نیز با شراکت بالمناصفه تاسیس شد و در شرکت الف. د تالش نیز به میزان ۲۰٪ سهامدار بود. حسب ادعای ایشان، بجز تسهیلات اخذ شده از بانک کشاورزی ورامین در سایر مواردی که به نام شرکتهای مزبور از بانکهای متعدد وام اخذ شده امضای او جعل شده و وی از دریافت این تسهیلات بی اطلاع است (صص ۶۶۸ و ۶۶۹ ج ۵).

۱۹- پس از تحقیقات فوق الذکر، بازپرس محترم وقت این شعبه ضمن تصمیم بر تشدید تأمین ماخوذه، دستور جلب آقای ی. ب را از طریق نیابت قضایی را صادر می‌کند. متهم متعاقب دستگیری خود، در مرجع انتظامی و نزد مقام قضایی پس از تفهیم اتهامات جعل، استفاده از سند مجعول، تحصیل مال از طریق نامشروع و کلاهبرداری در اخذ تسهیلات بانکی، دریافت این تسهیلات توسط خود را پذیرفته اما مبلغ دریافتی را حدود هشت میلیارد تومان و مبلغ پرداختی خود را به نظام بانکی ۱۵ میلیارد تومان اعلام کرده است. ایضاً اظهار داشته این تسهیلات را به نام شرکتهایی که در آنها شریک و یا مشاور بوده دریافت کرده و پس از دریافت نیز به خود این شرکتها منتقل گردیده‌اند. (صص ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۷۰ و ۷۷۵ ج ۶). متهم پس از صدور قرار وثیقه مورخ ۲۹ / ۱ / ۹۱ به مبلغ پنجاه میلیارد تومان و سپس تقلیل آن به مبلغ ۲۵ میلیارد تومان حسب تصمیم مورخ ۳۰ / ۱ / ۹۱ بازپرس محترم وقت این شعبه به لحاظ عجز از تودیع وثیقه بازداشت می‌گردد. النهایه با تخفیف مجدد قرار وثیقه به مبلغ پنج میلیارد تومان متهم در تاریخ ۳۰ / ۷ / ۹۱ متعاقب صدور قرارهای قبولی

وثیقه آزاد می‌گردد (۱۹۱۹ ج ۱۳).

۲۰- در خصوص نحوه مصرف و استفاده از تسهیلات دریافتی آقای م. م به عنوان یکی از مدیران حسابداری مجموعه اظهار داشته است: وجوه حاصله از تسهیلات بدواً به حساب شرکتهای همگروه توزیع می‌گردید و آقای س وجوه را به حسابهای مختلف مورد نظر آقای ب گردش می‌داد که بتوانند با اعمال مانده حسابها نهایتاً از تسهیلات بالایی در سیستم بانکی استفاده کنند. پس از این که عملیات گردش دادن وجوه در حسابها محقق می‌شد برخی بابت بدهی‌های شیرهای خریداری شده در کارخانه ک، برخی بابت خرید علوفه و سایر مایحتاج دامداری‌ها و برخی نیز جهت خرید املاک و مستغلات مورد مصرف قرار می‌گرفت (ص ۸۰۶ ج ۶). نامبرده همچنین در مورد امضای فرمهای افتتاح حساب و تسهیلات بانکی ابراز داشته است: "به هیچ عنوان و تحت هیچ شرایطی حتی یک بار هم در طول ۸ سال کار با آقای ب مشاهده نکردم که شخص ذی‌نفع خودش راساً و شخصاً امضا کند بلکه آقای ب همه امضاهای همه اشخاص را می‌نمود. یک مورد به ایشان اظهار کردم خلاف قانون است پاسخ داد که وکالت دارم" (ص ۸۰۹ ج ۶). نامبرده همچنین، راجع به نحوه اخذ تسهیلات توسط آقای ب نیز افزوده است: ایشان در بدو امر در مراجعه به هر بانکی که مورد نظرش بود حال به چه طریق و شیوه‌ای، زمانی که می‌توانست با استفاده از هر شیوه‌ای رئیس شعبه را تحت الشعاع خود قرار دهد به تبع آن مبادرت به افتتاح حساب جاری برای شرکتهای گوناگون خود می‌نمود که اساس کارش به این صورت بود که یکی از کارمندان را می‌فرستاد به شعبه مربوطه و می‌گفت می‌روی مستقیم پیش رئیس شعبه و خودت را معرفی می‌کنی و می‌گویی از طرف من رفته‌ای. او یک پاکت به تو می‌دهد می‌آوری می‌دهی به آقای س. به آقای س می‌گفت اگر فلان کارمند کارتهای حساب جاری را آورد شما برای شرکتهایی که صورت کرده‌ام مبادرت به افتتاح حساب جاری نمایید به این صورت که تمام مشخصات مورد لزوم مندرجه در کارتها را تکمیل و از روی اسناد و مدارک اداره ثبت شرکتهای برای هر شرکت به‌طور جداگانه و مهر شرکت مربوطه ممهور کن تا من بر روی بقیه کارها اقدام کنم. آقای س یا خودشان شخصاً یا با توسل به سایر همکاران واحد حسابداری و مالی اسناد و مدارک هر شرکت را که اسم آن جزء شرکتهای بود که آقای ب قصد افتتاح حساب جاری برای آنها داشت را جلوی خودش می‌گذاشت و همه موارد خواسته شده در کارت افتتاح حساب را از روی اوراق شرکتهای از جمیع جهات مورد لزوم ثبت و ضبط می‌کرد آنگاه مهر شرکت مربوطه را در جایگاهی

تعیین شده ممه‌ور می‌کرد و بعداً در آخرین مرحله با مداد مشکی روی کارت جایگاه‌هایی که باید امضای دارندگان امضا مجاز آن شرکت قید گردد با مداد اسم آن شخص و اشخاص را می‌نوشت. سپس کارتهای تکمیل شده را به آقای ب می‌داد و آقای ب همه آنها را جمع آوری و به اتاق خودش انتقال می‌داد و سپس مبادرت می‌کرد به امضا همه آنها. البته ناگفته نماند ایشان یک زونکن داشت که نمونه امضاهایی را که می‌خواست برای هر کسی به بانک معرفی کند را چند بار تمرین می‌کرد و بعد همزمان که روی کارت حساب جاری می‌زد یک نسخه از آن را فتوکپی می‌کرد. آقای س یا همکاران امور مالی وی آن را در آن زونکن بایگانی می‌کرد و زمانی که قصد داشتند بنا به هر عنوان از آن حساب جاری چکی صادر کنند یا کاری انجام دهند در اولین قدم آن زونکن را درخواست می‌کرد و با رویت نمونه امضایی که معرفی شده بود نسبت به امضا اقدام می‌کرد. البته این شیوه تخصیص به یک بانک نداشت بلکه یک دهه عملیات بانکی را به همین طریق صورت می‌داده است. اخذ کلیه تسهیلات بانکی نیز از چنین روش و قاعده‌ای مصون نبوده و به موازات عملکردی که در خصوص افتتاح حساب جاری داشت برای اخذ تسهیلات عدیده نیز چنین عمل می‌کرد. تا آن جا که اطلاع دارم و گاه در پاره‌ای اوقات شاهد و ناظر بودم و بعینه رویت کردم کلیه فرمهای تعهدنامه مربوط به اخذ تسهیلات و سایر اسناد و مدارکی را که معمولاً بانکها در قبال پرداخت تسهیلات از مشتریان خود دریافت می‌کنند را خود ایشان در دفتر امضا می‌کرد یعنی کمتر مشاهده شد که بخواهند ارکان شرکت را همراه خود به بانک پرداخت کننده تسهیلات ببرند و اسناد و اوراق تسهیلاتی را در حضور و به صورت قانونی امضا کنند. بلکه حال به چه روش و شیوه‌ای که البته بالاتر دید نمی‌توانست از چارچوب موضعه بیرون باشد پیوسته هنگام اخذ تسهیلات اسناد و مدارکی را که باید بطور قطعی به امضای اشخاص حقیقی و حقوقی می‌رسید همه را خودش شخصاً امضا می‌کرد و مهمتر از همه تمام اسناد تجاری که به عنوان اسناد تعهدآور مالی و اسناد تضمین دریافت تسهیلات نظیر چک و سفته که از سوی شرکت وام‌گیرنده و شرکت ضامن به بانک ایفاد و تودیع می‌شد همه را خود ایشان (آقای ی. ب) امضا می‌کرد. به این نحو که آقای س در راستای افتتاح حساب جاری که قبلاً تشریح گردید به همان شیوه عمل می‌کرد. به موقع اخذ تسهیلات نیز با دلالت و اشاره آقای ی. ب به بانک پرداخت کننده تسهیلات مراجعه می‌کرد و مدارکی که در رابطه با اخذ تسهیلات باید تدوین و تکمیل و امضا می‌شد را اخذ می‌کرد و بعد از این که جاهای خالی را به شرح خواسته شده پر می‌کرد نهایتاً با علامت‌گذاری

به وسیله مداد و ثبت نام امضاکننده همه را در مجموع به آقای ی. ب می سپرد و ایشان هم همه را همان طور که قبلاً عرض شد به همان شکل و شیوه‌ای که لازم داشت امضا می کرد. به نحوی که خود شخص اصلاً اطلاع نداشت و پس از این که کلیه امضاها انجام می شد آنها را مجدداً آقای ب تحویل آقای س می داد تا به بانک مربوطه برساند (صص ۸۱۰ الی ۸۱۳ ج ۶).

۲۱- خانم ح. ب نیز در همین ارتباط اشاره داشته است: تمام مدارک بانکها را آقای ب خودشان به جای اسامی که در آنها بود امضا می کرد و مشارالیهها صرفاً به عنوان کارمند وی جهت انجام امور بانکی به بانکها مراجعه می کرد (۸۳۵ ج ۶). آقای الف. س نیز چنین توضیح داده است که: نحوه گرفتن وامها به این صورت بود که قبلاً آقای ی. ب با سرپرست منطقه هر بانک و رئیس اعتبارات آن بانک و رئیس شعبه آشنا می شد و حتی فرمهای تسهیلات را هم ایشان می گرفت و می آورد در دفتر تهران و می گفت این مبلغ را در آن بنویسید و پس از امضا و مهر شرکت به بانک می برد بعضاً به من دستور می داد که من فرم را بگیرم. ایشان (ی. ب) بعد از آشنایی با مدیران بانکها به من می گفت که برو پیش رئیس شعبه تعداد فلان برگ کارت افتتاح حساب بگیر و بیاورید دفتر تا تکمیل شود و پس از گرفتن کارتها دستور می داد کپی شناسنامه این افراد را که می گویم بردارید و مشخصات کامل آنها را در کارت نمونه امضا بنویسید و سپس به من بدهید تا امضا بگیرم. همچنین فرمهای اخذ تسهیلات را هم اکثراً آقای ی. ب می گرفت و می آورد در دفتر تهران. من و دیگر کارمندان پس از تکمیل به خودش برمی گردانیدیم که پس از امضا به من می داد تا به بانک مربوطه ببرم. امضای تمام کارتهای حساب جاری و اخذ تسهیلات شخصاً توسط آقای ی. ب انجام می گردید چه در حضور کارمندان و چه در غیاب آنها در دفتر خودشان (صص ۸۱۹ و ۸۲۰ ج ۶).

۲۲- همچنین، آقای ی. ب راجع به نحوه اخذ تسهیلات بانکی و نقش آقای س در فرایند دریافت آنها اظهار داشته است: آقای س بانکی اخراجی بود و توسط آقای الف رئیس بانک تجارت به بنده معرفی که بنده عرض کردم ایشان را از قبل می شناسم. ایشان رئیس بانک تجارت ... بود و بعد رابط هماهنگی بین ما شد و آقای س در شرکتهای ما مشغول به کار شدند. در آن موقع ما فقط شرکت ج و ر. پ را تازه افتتاح کرده بودیم و هنوز دفتر هم جهت استقرار نداشتیم. از ورود آقای س به اصطلاح کارها معین و کلاسیک گردید تا قبل از ورود ایشان ما خیلی راحت تر بودیم ولی با ورود آقای س یکی پس از دیگری شرکتهای ما به ثبت رسید و آقای س کلیه مسئولیت بانکی

شرکتها را پذیرفتند که شرکا بنده همگی از آقای س بسیار استقبال کردند و ایشان هم راه کارهای بانکی و وامی را ارائه می دادند. امضای خیلی ها را ایشان تعریف می کرد با این سیاست که این امضا، امضای شما است و در بانک فلان این امضا را شما می زنید با این استدلال که روزی کارمندی رفت کار به زمین گذاشته نشود و ایشان کار را دنبال می کرد ولی کلیه امضاداران نیز سهامدار بودند و کلیه سهامداران نیز مطلع به سهامداری و افتتاح حساب با فلان امضا تعریف شده توسط آقای س بودند و بعضاً نیز امضای شرکت متبوع که زیر نظر آقای ش یا ح یا بنده بود ما امضا می کردیم (صص ۸۸۶ و ۸۸۷ ج ۶). متهم ایضاً در خصوص امضای اسناد بانکی ابراز داشته است: امضای افرادی که وکالت محضری از آنها داشت برای مثال آقایان ش و ح و خانم ر و دیگر افرادی که در پرونده وکالتشان موجود می باشد و بعضاً امضای نیروهایی که حاضر در شرکت بودند (سهامداران) با اطلاع خودشان توسط وی انجام می شد (۸۷۲ ج ۶).

۲۳- خانم پ. ف نیز شکایتی را علیه آقای ی. ب دایر بر جعل امضای خود در فرایند اخذ تسهیلات بانکی به نام شرکت ز. ب مطرح می نماید (ج ۶ ص ۸۴۴ و ج ۱۵ ص ۲۲۰۶). پس از ارجاع موضوع شکایت ایشان و برادرش آقای م. ف و خانم ف. ر به کارشناسی، حسب نظریه کارشناس منتخب: ۱- امضانات منتسب به آقای م. ف و خانمها پ. ف و ف. ر (ر) مندرج در سوابق افتتاح حساب و دریافت تسهیلات وام مربوط به شرکت ز. ب نزد بانکهای تجارت شعبه ... و پاسارگاد شعبه ... (به شرح اوراق اعلامی مورد اشاره در مقدمه نظریه کارشناسی) در مقایسه با امضانات استکتایی ایشان از حیث عادات و ویژگیهای فنی تحریری و ترسیمی، توالی و امتداد خطوط آرایشی، توان و تسلط به قلم و سبک و سیاق نگارشی دارای اختلافات اساسی بوده و مطابقت ندارند (منفی). ۲- امضانات مورد ادعا انتسابی موصوف منتسب به آقای م. ف و خانمها پ. ف و ف. ر مندرج در سوابق بانکی بانکهای تجارت ... و پاسارگاد شعبه ... در مقایسه با خطوط و امضانات استکتایی آقای ی. ب از حیث ویژگی های فنی، توان و تسلط به قلم و انحنا و زوایای خطوط دارای تشابهات فنی بوده و مطابقت دارند (مثبت) (۲۷۱۹ و ۲۷۲۰ ج ۱۹).

۲۴- آقای ع. م فرزند غ با وکالت بعدی آقای م. ع شکایتی را علیه آقای ی. ب دایر بر کلاهبرداری مطرح نموده است با این مضمون که با انعقاد قرارداد مشارکت با متهم و در ازای پرداخت مبالغی ملک خویش را جهت اخذ تسهیلات شرکت پ. ل در رهن بانک تجارت شعبه ... قرار داده است اما متهم نه تنها به وعده های خود عمل نکرد بلکه مجدداً ملک را بدون اجازه در رهن بانک برده است. ضمن آن که در محاکم حقوقی

طرح دعوا شده و نامبرده محکوم به پرداخت سود دوران مشارکت شده است (صص ۹۲۵ تا ۹۳۰ ج ۷ و ۲۰۳۲ و ۲۰۳۳ ج ۱۴). متهم در مقابل اظهار داشته است: به لحاظ این که فرزند آقای م. م کارمند مجموعه گاوداری های ما بودند طی قراردادی مقرر گردید ایشان سند آپارتمان خود را در بانک ترهین کنند. از قبل وام ۵۰٪ به ایشان داده شد و ۵۰٪ بعدی را بنده در گاوداری هزینه و خرید دام انجام دادم. ایشان اصل ۵۰٪ و سود متعلقه را نپرداخته اند و طرف دعوای ایشان شرکت می باشد (ج ۱۴ ص ۲۰۴۰). موضوع شکواییه مذکور جهت بررسی صحت و سقم ترهین مجدد ملک مذکور و جعلیت یا اصالت امضای شاکی به کارشناسی ارجاع گردید که علیرغم ابلاغ مراتب و اعطای فرصت کافی نامبرده اقدامی در جهت فراهم نمودن مقدمات اجرای قرار کارشناسی معمول نداشت (۳۲۲۸ و ۳۲۸۸ ج ۲۲).

۲۵- آقای و. ز فرزند ر نیز به تاریخ ۲۲/۲/۹۱ (ج ۷ صص ۹۳۵ الی ۹۴۰) شکایتی را علیه متهم موصوف و اداره ثبت رضوانشهر دایر بر کلاهبرداری مطرح نموده و اظهار داشته است: وی مدیرعامل شرکت دامپروری کشاورزی ز. تالش می باشد که متهم در اوایل آبان ماه ۱۳۹۰ به محل شرکت که خانوادگی می باشد مراجعه و تقاضای شراکت در آن را می دهد و وی با امضای شراکت نامه ای و دریافت قسمتی از مبلغ مقرر ۵۰٪ از سهام متعلق به خود را واگذار می نماید. اما پس از مدتی متوجه شده است که متهم شرکتی گردشگری و رفاهی تحت عنوان ن. ت. ت. ب در اداره ثبت رضوانشهر با تعدادی اسامی صوری مشتمل بر اعضای خانواده خود و کارگزارانش به ثبت رسانده که در اظهارنامه مربوطه نشانی و کدپستی شرکت مزبور را بدون اجازه همان نشانی و کدپستی شرکت ز. تالش اعلام کرده و با این اقدامات مذکور قصد کلاهبرداری و استفاده غیرقانونی از مزایا و امکانات شرکت اخیر را داشته است.

۲۶- آقای پ. ر فرزند ی نیز در تاریخ ۲۴/۲/۹۱ بشرح صفحات ۹۴۱ تا ۹۴۸ از جلد ۷ شکایتی را علیه ی. ب دایر بر جعل، سوء استفاده از سند مجعول و تحصیل مال از طریق نامشروع مطرح و مدعی است که متهم با جعل امضای او اقدام به ترهین ملک متعلق به وی به شماره پلاک ... فرعی از ... اصلی بخش ۲۸ گیلان (موضوع سند دفترچه مالکیت شماره ... و شماره ثبت ... صفحه ۱۴۴ دفتر املاک جلد ۲۸/۲۶) نزد بانک تجارت شعبه ... و متعاقباً اخذ وام ۱۱ میلیارد ریالی از این بانک نموده که با عدم بازپرداخت آن در سررسید مبلغ بدهی وی تاکنون بالغ بر ۱۴ میلیارد ریال گردیده و وی از طریق اقدامات حقوقی بانک راجع به ملک خود متوجه موضوع گردیده است. وفق

اظهارات این شاکی، وی سابق بر این در تاریخ ۱۸ / ۱۰ / ۸۱ سند این ملک را به مدت ۳ سال در قبال مبلغ ۵۰ میلیون تومان وام ماخوذه توسط متهم در رهن بانک فوق قرار داده بود اما این وام تسویه گردید. منتها متهم با جعل امضای مشارالیه این ملک را مجدداً و بدون اطلاع وی بابت وام دیگری به مبلغ صدرالاشاره در رهن بانک قرار داد. وفق نظریات یک و هیاتهای سه و پنج نفره کارشناسان رسمی دادگستری در زمینه تشخیص اصالت خط و امضا که در پرونده کلاسه ۰۸۶۵-۲۲۶۶۰۰۹۹۸۰۹۹۸۰ نزد شعبه محترم ۶ دادگاه حقوقی تهران ارایه گردیده‌اند امضات منتسب به شاکی مزبور در اوراق مربوط به قرارداد تسهیلات فروش اقساطی مواد اولیه به شماره ۰۰۶۲۶ / ۸۷۳۲ مورخ ۳ / ۶ / ۸۷ فی مابین بانک تجارت شعبه ... و شرکت الف. ر. ن جعلی و فاقد اصالت می باشند. بر همین مبنا، دادگاه محترم دعوای بانک تجارت علیه فرد اخیر را به علت احراز عدم انتساب امضات ادعایی به ایشان حسب دادنامه قطعیت یافته شماره ۴۵۲-۹۳ مورخ ۶ / ۵ / ۹۳ رد کرده است (صص ۳۲۹۰ الی ۳۳۰۳ ج ۲۲ و ۳۳۲۷ الی ۳۳۳۷ از ج ۲۳).

۲۷- ماحصل تحقیقات مرجع انتظامی (مرکز عملیات پلیس آگاهی ناجا) راجع به اقدامات متهم پس از اخذ توضیحات شرکا و کارکنان وی و استعلامهای صورت گرفته از مراجع مختلف نظیر بانکهای عامل و ادارات ثبت شرکتهای وفق گزارش شماره ۴۰۵۳۳۴ مورخ ۳۰ / ۲ / ۹۱ آن است که نامبرده در قالب شرکتهای همگروه با تاسیس تعداد محدودی دامداری، ضمن سوء استفاده از مدارک هویتی بیش از ۴۰ نفر از کارکنان و اطرافیان خود عمدتاً بدون علم و اطلاع آنان، بیش از ۲۸ شرکت صوری و کاغذی ثبت و در ادامه با جعل امضات این افراد و تبانی با برخی کارکنان ثبت شرکتهای و بانکهای عامل مبادرت به اخذ تسهیلات کلان بانکی نموده است که در حال حاضر با احتساب سود و جریمه‌های متعلقه بالغ بر ۴۰۰ میلیارد ریال به شبکه بانکی بدهکار است (صص ۹۴۵ الی ۹۴۶ ج ۷).

۲۸- آقای م. ش علاوه بر شکایت علیه متهم دایر بر جعل امضای خود در فرایند اخذ تسهیلات بانکی شکایات متعدد دیگری نیز طرح کرده است که به تفکیک موارد به قرار ذیلند:
الف) نامبرده به عنوان مدیرعامل شرکت تعاونی الف. ر. ن در تاریخ ۲۲ / ۱۲ / ۹۰ بشرح صفحات ۹۷۳ الی ۹۷۶ از جلد ۷ شکایتی را علیه ۱- ی. ب ۲- رییس وقت اداره ث ... شهرستان ورامین (آقای ض. ق) ۳- مسئولین وقت شعبه ... بانک ملت (آقایان ش، ح، ع و س) و ۴- آقای ح. ر سردفتر وقت دفترخانه شماره ... تهران دایر بر جعل امضا و

سوء استفاده از سند مجعول، کلاهبرداری، تحصیل مال از طریق نامشروع و گزارش خلاف واقع مطرح می‌کند بدین توضیح که مدعی است که نامبرده در شرکت تعاونی الف. ر. ن را که در صنعت دامپروری فعالیت می‌نماید با آقای ی. ب بالمناصفه شریک می‌باشد. ضمن آن که بر اساس صورتجلسه و مصوبات قانونی سمت مدیر عاملی شرکت موصوف را برعهده دارد و به عنوان دارنده امضای مجاز و ثابت کلیه اسناد تعهدآور مالی و تجاری شرکت می‌بایست به امضا وی برسد. شرکت مزبور مالک ملکی به پلاک ثبتی شماره ... فرعی از ... اصلی واقع در بخش ... ورامین می‌باشد که در قبال دریافت تسهیلات بانکی ابتدا در رهن بانک کشاورزی ورامین و مازاد ارزش آن در ترهین بانک ملی شعبه ... تهران قرار گرفت. منتها اخیراً حسب استعلام صورت گرفته از دایره املاک اداره ثبت ورامین به شماره ۱۶۴۴ مورخه ۱۲/۱۲/۱۳۹۰ متوجه شده که ملک مزبور در رهن بانک ملت نیز قرار گرفته و عدم پرداخت مطالبات آن بانک منتهی به صدور اجرائیه گردیده است. حال آن که شرکت بجز به بانک کشاورزی ورامین و بانک ملی شعبه ... تهران در قبال اخذ تسهیلات و ترهین این ملک هیچ‌گونه بدهی دیگری نداشته است و بررسی‌های وی نشان‌دهنده آن است که متشاککی نخست، با تنظیم و تهیه گزارشی خلاف واقع مبنی بر مفقودی سند مالکیت ملک صدرالذکر و با مراجعه به اداره ثبت اسناد و املاک ورامین و مساعدتهای متشاککی ردیف دوم (دایره املاک) موفق به اخذ سند المثنی می‌گردد و ترتیبی می‌دهد تا در صفحه نقل و انتقال سند سابقه ترهین قبلی آن در حق بانک ملی شعبه ... تهران درج نگردد. آقای ب پس از اخذ سند المثنی، در مراجعه به بانک ملت شعبه ... (متشاککی ردیف سوم) متقاضی تسهیلات شده که پس از انجام تشریفات آن نهایتاً موفق به دریافت وجه موصوف با ترهین سند المثنی نزد بانک ملت می‌گردد که بانک مزبور و دفترخانه نیز در اعمال غیرقانونی فرد اخیر تبانی داشته‌اند. چه آن که نماینده بانک و سردفتر اسناد رسمی می‌بایست ضمن احراز هویت صرفاً با حضور نمایندگان قانونی و دارندگان امضای مجاز شرکت برابر آگهی روزنامه رسمی کشور اقدام به تنظیم اسناد نمایند. موضوع بدواً به شعبه محترم سوم دادسرای ناحیه ۷ ارجاع و متعاقباً به لحاظ ارتباط و وحدت متهم اصلی به این شعبه ارسال و ضمیمه پرونده حاضر شده است. تحقیقات و استعلامات صورت گرفته بابت موضوع شکواییه اخیر مبین آن است که:

اولاً ملک یادشده به پلاک ثبتی شماره ... متعلق به شرکت الف. ر. ن سه نوبت حسب اسناد رسمی شماره‌های ۲۸۶۳ مورخ ۱۵/۱۲/۸۵، ۲۸۷۴ مورخ ۲۱/۱۲/۸۵ و

۲۸۸۳ مورخ ۸۵/۱۲/۲۲ تنظیمی در دفترخانه شماره ... تهران (صص ۹۹۰ و ۹۹۱ و ۸۵۰۰۸۵۰/۳ الی ۹۹۸/۶ ج ۷) در ازای دریافت سه فقره تسهیلات به شماره های ۸۵۰۰۸۵۰ مورخ ۸۵/۱۲/۱۷، ۸۵۰۸۷۰ مورخ ۸۵/۱۲/۲۲ و ۸۵۰۸۹۲ مورخ ۸۵/۱۲/۲۳ به ترتیب به مبلغ ۹، ۵ و ۴/۹۸۹ میلیارد ریال (جمعاً ۱۸/۹۸۹ میلیارد ریال) که به فاصله یک هفته پرداخت گردیده اند در رهن بانک ملت (شعبه ...) قرار داده شده است. در تسهیلات نخست، شرکت الف. ر. ن همزمان ذینفع و دریافت کننده تسهیلات و راهن می باشد اما در دو فقره دیگر، به ترتیب شرکت تعاونی دامداری کشاورزی و صنعتی ۲۴۲ ج و شرکت کشاورزی و دامپروری ر. پ ذینفع و دریافت کننده تسهیلات می باشد و راهن شرکت الف. ر. ن بوده است. اسناد رسمی صدرالذکر، از ناحیه شرکتهای ۲۴۲ ج و ر. پ به امضای آقای ی. ب به عنوان مدیر و دارنده حق امضا و از ناحیه شرکت الف. ر. ن به امضای آقای الف. س و خانم ج. ب به ترتیب به عنوان رئیس هیات مدیره و نایب رئیس هیات مدیره با درج مهر شرکت رسیده اند.

ثانیاً حسب آگهی آخرین تغییرات شرکت الف تا پیش از اخذ تسهیلات فوق منتشرشده در روزنامه رسمی شماره ... مورخ ۸۵/۷/۱ بر اساس تصمیمات مجامع عمومی این شرکت، آقایان م. ش، الف. س و خانم ج. ب به ترتیب به عنوان مدیرعامل، رئیس هیات مدیره و نایب رئیس هیات مدیره انتخاب و مقرر گردید کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور با امضای مدیرعامل و رئیس هیات مدیره یا نایب رئیس هیات مدیره به همراه مهر شرکت معتبر می باشد. در آگهی تاسیس شرکت در سال ۷۵ نیز شبیه مقررره اخیر ملاحظه می گردد (صص ۹۶۶ و ۹۶۷ ج ۷). بر این مبنا، جهت اعتبار اسناد یا قراردادهای این شرکت، امضای ثابت مدیرعامل به همراه یکی از دو نفر رئیس هیات مدیره یا نایب او ضروری است. لازم به ذکر است که در اسناد و مستندات مربوط به تسهیلات اعطایی نزد شعبه ... بانک ملت از جمله آگهی های ارایه شده راجع به تغییرات شرکت و کارت افتتاح حساب آن نیز همین مراتب منعکس می باشد (صص ۱۰۱۶ الی ۱۰۲۳ ج ۷). این در حالی است که: (۱) در هیچ یک از اسناد رسمی صدرالاشاره امضای شاکي به عنوان مدیرعامل شرکت راهن دیده نمی شود. (۲) در فراز انتهایی نامه شماره ۲۳۲۹۲ مورخ ۸۵/۱۲/۹ رئیس ثبت اسناد و املاک ورامین ممضی به امضای آقای ض. ق در پاسخ استعلام صورت گرفته از دفترخانه ... تهران راجع به دارندگان امضای مجاز به نمایندگی از شرکت الف. ر. ن آمده است: "کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور با امضای مدیرعامل یا رئیس هیات مدیره و نایب رئیس هیات مدیره به همراه مهر

شرکت معتبر می باشد." همین عبارت در نامه شماره ۲۲۱۴۴ مورخ ۳۰/۳/۸۵ اداره فوق راجع به تغییرات شرکت یادشده درج گردیده است (صص ۹۹۳ و ۹۹۴ ج ۷). مستفاد از عبارت مذکور آن است که قراردادها و اسناد شرکت مزبور با امضای یا مدیرعامل به همراه مهر شرکت و یا رییس هیات مدیره و نایب رییس هیات مدیره به همراه مهر شرکت معتبر می باشد که در تنافی با متن آگهی منتشرشده در روزنامه رسمی می باشد. به هر تقدیر، بر اساس نامه های فوق اسناد رسمی متنازع فیه در دفترخانه ... بدون حضور و امضای مدیرعامل (شاکلی) و با حضور آقای س و خانم ب به همراه مهر شرکت تنظیم گردیدند.

ثالثاً در پاسخ استعلام دفترخانه مزبور راجع به وضعیت پلاک ثبتی ... دو نامه دیگر به شماره های ۲۳۳۶۲ یکی به تاریخ ۱۰/۱۲/۸۵ و دیگری بدون تاریخ به ترتیب منتسب به رییس اداره ثبت اسناد و املاک و رامین و مسئول دفتر بازداشتی این اداره به دفترخانه ارایه که حسب مفاد آنها مالکیت شرکت الف. ر. ن بر این پلاک ثبتی و صدور سند المثنی در خصوص آن تأیید اما اشاره ای به سابقه ترهین قبلی آن نشده و صراحتاً اعلام می گردد سابقه بازداشت در دفتر مربوطه ملاحظه نگردید (صص ۹۹۵ و ۹۹۶ ج ۷).

رابعاً آقای ح. ر سردفتر دفترخانه ... تهران ضمن ارایه رونوشت برابر با اصل مستندات و تشریح نحوه تنظیم اسناد رسمی صدرالذکر اظهار داشته است که کلیه پاسخ استعلامات و مدارک مربوط به شرکت راساً از طریق مدیران شرکت بویژه آقای ی. ب به این دفترخانه تحویل گردیده است (صص ۱۰۰۱ الی ۱۰۰۳ ج ۷). همچنین وفق استعلام صورت گرفته بازپرسی از اداره ثبت اسناد و املاک و رامین، ریاست جدید اداره مذکور اعلام داشته است که سابقه ای از پلاک ثبتی ... در آن اداره به دست نیامده و پرونده ثبتی این پلاک پیش از تصدی وی مفقود شده و از آن اطلاعی ندارد. ضمن آن که در خصوص متقاضی سند المثنی نیز به لحاظ مفقودی سوابق اظهارنظری مقدور نمی باشد. به علاوه، نامه شماره ۲۲۱۴۴ مورخ ۳۰/۳/۸۵ جعلی بوده و اصل این نامه مربوط به نامه شهرداری در خصوص افراز و صدور سند می باشد (صص ۱۰۱۰ و ۱۰۱۱ ج ۷). رونوشت سند المثنی ملک فوق که نزد شعبه ... بانک ملت بوده و سه نوبت ترهین مزبور در آن درج شده موید اظهارات شاکلی مبنی بر عدم درج سابقه ترهین قبلی ملک می باشد. به علاوه، در اسناد مربوط به دو فقره قرارداد تسهیلات دریافتی شرکتهای ر. پ و ۲۴۲ ج از بانک مذکور امضائات منتسب به آقای ش به عنوان مدیرعامل شرکت ر. ن نیز ملاحظه می شود (۱۱۱۰ الی ۱۱۲۲ ج ۸). شایان ذکر است

که حسب نظریه کارشناسی، امضائات منتسب به شاکی از ناحیه شرکت الف. ر. ن در اوراق و سفته‌های مربوط به تسهیلات پرداختی بانک ملت شعبه ... جعلی و فاقد اصالت اعلام گردیده‌اند (صص ۲۴۰۳ الی ۲۴۰۸ ج ۱۷ و ۳۶۲۲ الی ۳۶۲۵ ج ۲۴).

ب) آقای م. ش به همراه آقای م. ح شکایت مشابه دیگری علیه آقای ی. ب و رییس اداره ثبت اسناد و املاک ورامین راجع به پلاک ثبتی ... فرعی از ... اصلی بخش ... ورامین مطرح می‌کنند با این توضیح که مدعی‌اند ملک مزبور حسب دفترچه مالکیت شماره ۶۴۴۸۱۰ الف / ۸۱ در مالکیت شرکت ع. ش بوده و در قبال تسهیلات دریافتی این شرکت در رهن بانک ملی شعبه ... بوده است منتها متهم اقدام به اخذ سند دفترچه مالکیت المثنی به شماره ۲۱۰۲۵۷ الف / ۸۵ بدون درج سابقه ترهین مزبور نموده و ملک یادشده را با دریافت تسهیلات دیگری مجدداً در رهن بانک تجارت شعبه ... قرار داده است (صص ۱۷۲۸ ج ۱۲). موضوع با صدور قرار به کارشناسی ارجاع که حسب نظریه کارشناسی، امضائات منتسب به شاکی در اوراق و سفته‌های مربوط به تسهیلات دریافتی از بانک تجارت شعبه ... به نام شرکت ع. ش جعلی و فاقد اصالت اعلام گردیده‌اند (۳۶۲۲ الی ۳۶۲۵ ج ۲۴).

پ) آقای م. ش شکایت دیگری علیه آقای ی. ب دایر بر خیانت در امانت به تاریخ ۲۰ / ۱ / ۹۱ مطرح می‌کند بدین توضیح که مدعی است نامبرده یک دستگاه آپارتمان متعلق به خود را به پلاک ثبتی شماره ... (واجد سه طبقه) به نشانی تهران ... در اختیار مشتکی عنه به رایگان قرار داده است که به مدت چهار سال علی‌رغم درخواستهای او از تحویل و تخلیه آن خودداری کرده و بدون اذن و اجازه و با ارایه وکالتنامه جعلی طبقات دوم و سوم آن را نیز از طریق بنگاه‌های املاک ... و ... به افراد غیر اجاره داده است (ج ۷ صص ۱۰۳۶ و ۱۰۴۳ و ۱۰۴۴). اظهارات مطلعین تعرفه شده به اسامی الف. س و م. م که خود از شکات و طرفین دیگر پرونده حاضر می‌باشند موید اظهارات شاکی است (صص ۱۰۴۰ و ۱۰۴۱ ج ۷). رونوشت سند مالکیت پلاک مذکور تقدیم و ضمیمه پرونده شده همچنین، تحقیق از مشاورین املاک ... و ... آقایان الف. الف و ر. ن و احد از مستأجرین ملک مزبور د. الف به عنوان مطلعین گویای آن است که آقای ی. ب با جلب اعتماد مشاورین املاک و مستاجرین و در حالی که خود طبقه اول ملک مزبور را در تصرف داشته اقدام به انعقاد دو فقره قرارداد اجاره یک‌ساله بتاریخهای ۲۵ / ۲ و ۲ / ۵ / ۹۰ و واگذاری منافع طبقات دوم و سوم ملک در قبال دریافت به ترتیب مبلغ ۴۵۰ میلیون ریال قرض الحسنه و از قرار اجاره بهای ماهیانه یک میلیون و پانصد هزار

ریال و ۴۰۰ میلیون ریال و از قرار اجاره بهای ماهیانه سه میلیون و پانصد هزار ریال نموده است. متهم همچنین، پس از انعقاد قرارداد اجاره نخست به درخواست مستاجرین و مشاورین مزبور یک برگ وکالتنامه رسمی تنظیمی در دفترخانه ... تهران به شماره ۱۲۹۵۸ و بتاريخ ۲۴/۵/۹۰ ارائه و خود با را وکیل شاکی (مالک ملک) معرفی می‌کند (صص ۱۰۵۹ الی ۱۰۷۲ ج ۸).

ت) بر همین مبنا، با ملاحظه وکالتنامه رسمی فوق آقای م. ش شکایت چهارم خود را از آقای ی. ب دایر بر جعل امضای ذیل این وکالتنامه، استفاده از سند مجعول مزبور و تحصیل مال از طریق نامشروع (انتقال مال غیر) بتاريخ ۵/۲/۹۱ تقدیم می‌نماید (ص ۱۰۷۶ ج ۸). رسیدگی به هر دو موضوع اخیر به شعبه محترم ۱۸ دادسرای ناحیه ۵ محول که پس از انجام تحقیقات اولیه بازپرس محترم اقدام به صدور قرار ارجاع امر به کارشناسی جهت بررسی اصالت یا جعلی بودن امضای وکالتنامه موصوف می‌نمایند. وفق نظریه کارشناسی (ص ۱۰۹۴ ج ۸): "امضات و عبارت (ثبت با سند برابر است) منتسب به آقای م. ش مندرج در سوابق ثبتی سند شماره ۱۲۹۵۸ مورخ ۲۴/۵/۹۰ در دفترخانه ... تهران از جهات عدیده فنی از جمله سرعت و صراحت و استحکام، زوایا و انحنایها، نحوه نگارش حروف و کلمات، نقطه گذاریها، زواید تحریری، تناسب و محل استقرار و ترکیب اجزای خط و امضا، فشار قلم در قسمتهای مختلف و سایر ویژگیها و غرایز فردی و اختصاصی تحریری با خطوط و امضاهای استکتابی و مسلم الصدور نامبرده دارای اختلافات اساسی بوده و مطابقت ندارد (منفی)". علاوه بر این، سردفتر دفترخانه مزبور نیز در پاسخ استعلام بازپرسی اعلام داشته است سند یادشده در زمان سردفتر وقت آن دفترخانه مرحوم ق. الف تنظیم یافته و ایشان اطلاعی در خصوص نحوه تنظیم آن ندارد (ص ۱۰۹۵). پرونده مذکور نیز به لحاظ واحد بودن متهم به این دادسرا ارسال و ضمیمه پرونده حاضر شده است. از همین رو، بازپرس محترم شعبه در خصوص دو شکواییه اخیر آقای ش و نظر به مراتب فوق، اتهامات جدیدی دایر بر جعل امضای شاکی در دفترخانه ... و استفاده از سند مجعول و تحصیل مبلغ ۹۵۰ میلیون ریال در قبال انتقال منافع مال غیر موضوع اجاره‌نامه‌های ۲۵/۲/۹۰ و ۲/۵/۹۰ را به متهم تفهیم می‌نماید. مشارالیه در دفاع مدعی مالکیت مشاعی با شاکی در ملک فوق و پرداخت هزینه ساخت آن می‌گردد و اظهار می‌دارد به دلیل این که بهای گاز مصرفی بسیار زیاد شد از شاکی خواست که به اداره گاز بیاید و یا به او وکالت دهد تا پیگیری دریافت کنتور باشد اما شاکی نیامد و طرح دعوا کرده

است. وی در خصوص دریافت سند المثنی ملک شرکت ر. ن نیز چنین ادعا می کند که سند این ملک با نظر شاکی ترهین بانک ملت و سند المثنی نیز توسط یکی از کارمندان مورد وثوق به نام م دریافت و پس از تسویه وام سند مذکور ابطال و به شاکی داده شده است (۱۱۰۵ الی ۱۱۰۷ ج ۸).

ث) آقای ش از طریق وکیل وقت خود طی شکواییه دیگری که بتاريخ ۱۵ / ۶ / ۹۱ در دادسرای شهرستان تالش علیه آقای ی. ب دایر بر جعل سند و استفاده از سند مجعول طرح گردیده (ج ۱۷ صص ۲۴۹۵ و ۲۴۹۷ و ۲۴۹۸) اعلام داشته است که وی یکی از شرکا در شرکت الف. د تالش می باشد که متهم با جعل امضای وی در برخی صورتجلسات این شرکت وی را از شرکت خارج، سهام وی را به دیگری منتقل و خود را به عنوان مدیرعامل شرکت معرفی و از بانک ملت تالش مبلغ ۴۰۰ میلیون تومان وام اخذ کرده است. حسب نامه بانک ملت شعبه ... (ص ۲۵۰۲) آقای ی. ب به عنوان مدیر شرکت مزبور تسهیلاتی را از آن بانک دریافت و آقای م. ش ضامن سفته تسهیلات نامبرده می باشد. وفق نظریه کارشناسی شش فقره امضای منتسب به شاکی مندرج در اسناد عادی مربوط به شرکت تعاونی الف. د تالش که ضمیمه نظریه یادشده می باشند (از جمله نامه های منتسب به شاکی مبنی بر استعفا و انتقال سهام وی به آقای د. ق در قبال ۱۴۷ میلیون ریال) با امضات استکتابی و مسلم الصدور ایشان از حیث ویژگی های تحریری، خصوصیات فنی و فردی، میزان توانایی تحریری و تسلط به قلم، انحنای و زوایای خاص از حرکت قلم و ایجاد خطوط تزیینی دارای اختلاف بوده و مطابقت ندارد (منفی). لازم به ذکر است که نامه ها و صورتجلسات مذکور و مورد ادعای شاکی مربوط به تاریخهای ۱۰ / ۱۰ / ۸۵ و ۲۹ / ۱۱ / ۸۵ می باشند. ضمن آن که در مورد تسهیلات دریافتی از بانک ملت تالش با توجه به لایحه شاکی مبنی بر این که در بانک مزبور امضایی از وی درج نشده و ادعایی در این خصوص ندارد لذا بررسی کارشناسی صورت پذیرفته است (ج ۱۷ صص ۲۵۱۷ الی ۲۵۳۲).

ج) شاکی فوق همچنین، از طریق وکیل وقت خود در تاریخ ۳ / ۲ / ۹۲ شکایت دیگری علیه آقایان ی. ب و ر. ر در دادسرای تالش دایر بر جعل، کلاهبرداری و انتقال مال غیر و استفاده از اموال شرکت به سود خود مطرح می کند بدین توضیح که مدعی است وی یکی از شرکا در شرکت تعاونی الف. د تالش می باشد که آقای ی. ب به عنوان مدیرعامل شرکت در سال ۱۳۸۴ با تنظیم یک برگ استعفانامه جعلی که با خط و امضای آقای ر. ر تنظیم گردیده پس از خارج نمودن وی از شرکت و جعل صورتجلسه

مجمع عمومی و هیات مدیره (صورتجلسات موضوع نظریه کارشناسی اخیرالذکر) ابتدا ۱۰ هزار مترمربع و سپس ۸ هزار مترمربع از اموال شرکت را به آقای ر. ر (برادر همسرش) انتقال داده است (ج ۱۷ صص ۲۵۴۷ و ۲۵۴۸). پیش از این اشاره گردید که آقای ک. پ و خانم ح. ب نیز از طریق وکیل وقت خود با معرفی خویش به عنوان مدیرعامل و عضو علی البدل هیات مدیره شرکت الف. د تالش بابت انتقال اموال فوق شکایتی را علیه آقایان ص و ی. ب و م. ح مطرح کرده‌اند. این دو شکواییه نیز حسب قرار عدم صلاحیت صادره از شعبه محترم سوم دادیاری دادسرای تالش به این دادسرا ارسال که پس از ارجاع با دستور مورخ ۱۲/۶/۹۲ بازپرس محترم وقت شعبه جهت رسیدگی توأمان ضم پرونده حاضر گردیده‌اند. لازم به ذکر است که آقای ش متعاقباً راجع به شکایت اخیر ابراز داشته است که وکالتنامه آقای ر. ر حسب تصمیم محاکم حقوقی ابطال و کلیه اموال متنازع فیه مربوط به شرکت الف. د تالش عودت گردیده‌اند لذا در حال حاضر ادعایی در این خصوص ندارد (۳۶۹۱ و ۳۶۹۲ ج ۲۵).

چ) مشارالیه به تاریخ ۲/۲/۹۳ شکایت دیگری علیه آقایان ر و ع شهرتین ر هر دو فرزند م و آقای ی. ب دایر بر تخریب و تحریق عمدی یک دستگاه خودروی سمند متعلق به خود به شماره انتظامی ... و توهین و تهدید به قتل مطرح می‌کند. بدین توضیح که مدعی است مشتکی عنهای ردیف اول و دوم علاوه بر تهدید و توهین به وی با معاونت ردیف سوم در یک نوبت در بهمن ماه ۹۲ اقدام به آتش زدن و در نوبت دیگر اقدام به تخریب شیشه و بدنه خودروی وی نموده‌اند (ج ۱۹ صص ۲۸۱۹ و ۲۸۳۵ و ۲۸۳۶). با ارجاع موضوع تحقیقات مقتضی از ناحیه شعبه محترم ۵ بازپرسی دادسرای ناحیه ۶ تهران صورت پذیرفته و النهایه با توجه به وجود سابقه پرونده حاضر راجع به آقای ی. ب حسب تصمیم بازپرسی مزبور پرونده جهت رسیدگی توأمان به این شعبه ارسال گردید. پس از ارجاع شکواییه اخیر دادیار محترم وقت شعبه اول این دادسرا در غیاب بازپرسی به علت عدم کفایت ادله به تاریخ ۲۵/۸/۹۳ قرار منع تعقیب مشتکی عنهم فوق را صادر می‌نمایند (صص ۲۹۳۷ و ۲۹۳۸ ج ۲۰). منتها متعاقب اعتراض شاکی، شعبه محترم ۱۰۶۴ دادگاه عمومی کیفری تهران به موجب تصمیم شماره ۹-۹۴ مورخ ۱۹/۲/۹۴ (صص ۲۹۵۱ و ۲۹۵۲) قرار اخیر را نقض و با صدور قرار جلب به دادرسی متهمین پرونده را جهت تکمیل تحقیقات به بازپرسی عودت می‌دهند. لازم به ذکر است که شاکی فوق حسب صورتجلسه مورخ ۲۰/۱۰/۹۶ نسبت به شکایت مزبور علیه آقایان ر و ع. ر اعلام گذشت نموده است (۳۱۳۴ ج ۲۱).

۲۹- با توجه به این که در این پرونده شکایات متعددی علیه متهم مطرح گردید جلسات مواجهه حضوری میان متهم و شکات به قرار زیر برگزار گردید (۱۱۷۹ الی ۱۱۵۶ ج ۸):

الف) در جلسه مواجهه حضوری میان متهم و خانم ح. ب، شاکیه ضمن تکرار اظهارات قبلی خود مدعی است که در مدت ۳ سالی که نزد متهم مشغول به کار بود دقیقاً نمی‌دانسته در کدامیک از شرکتها عضو شده و نام او و دختر و سایر اعضای خانواده متهم در شرکتها ثبت می‌شد و هنوز هم نمی‌داند. به هیچ عنوان فرمهای تسهیلاتی و افتتاح حساب را امضا نکرده و هیچ مراجعه‌ای نیز به ثبت شرکتها نداشته است. اما به اتفاق حساب متهم چند مورد به دفترخانه‌هایی مراجعه و امضائاتی کرده که نمی‌داند بابت چه موضوعاتی بوده‌اند. آقای ی. ب در پاسخ با اشاره به صوری بودن سهام و شراکت شاکیه در شرکتهایی که نام وی در آنها درج شده است اظهار داشته است: کلیه بدهی‌ها به عهده وی و شرکا بوده و کلیه فرمهای تسهیلاتی و افتتاح حساب ایشان با نظر وی و شرکا توسط او (متهم) امضا گردیده است.

ب) در جلسه مواجهه حضوری میان متهم و آقای م. ف، شاکی مدعی است که تنها برای اخذ وام از شعبه ... بانک تجارت به نام شرکت خود ز. ب مراجعه داشته و اسناد مربوطه را امضا کرده است اما از سایر تسهیلات دریافتی شرکتهایی که نام او در آنها به ثبت رسیده اطلاعی ندارد. آقای ی. ب در پاسخ ضمن پذیرش اظهارات شاکی مزبور محتوای اقرارنامه‌های عادی مورخ ۲۰ / ۴ / ۸۸ را تأیید می‌نماید.

پ) در جلسه مواجهه حضوری میان متهم و آقای م. ش، شاکی ادعاهای قبلی خود را راجع به تسهیلات دریافتی شرکتهایی که نام او در آنها ثبت شده و اوراقی به نام وی راجع به این تسهیلات به امضا رسیده تکرار کرده است. آقای ی. ب در پاسخ ضمن رد اظهارات شاکی مزبور عنوان داشته است: از ایشان وکالت کاری داشته‌ام و تمام تسهیلات بانکی که دریافت کرده‌ام با اطلاع ایشان بوده و کلیه اوراق تسهیلات در قالب رییس یا نایب رییس بنده بعضاً برابر روزنامه‌های رسمی بجای رییس یا نایب رییس با اطلاع خودشان و وکالتی که از آنها داشته‌ام امضا کردم و آقای ش خود شخصاً در کلیه بانکها امضا کرده‌اند و افرادی که بنده بجای آنها با شرایط فوق امضا کردم مانند خانم ح. ب، ک. پ و غیره ... کلیه کارها به سمع و نظر ایشان رسیده.

ت) در جلسه مواجهه حضوری میان متهم و آقایان الف و ج. ح، پس از تکرار مطالب قبلی شکات، متهم در پاسخ با اشاره به این که کلیه بدهی مربوط به شرکت و. پ. ق

به عهده وی و شرکا (آقایان م. ح و م. ش) بوده اظهار داشته است: "در خصوص دریافت وام بنده موضوع را با آقای (م) ح که پدر آقایان می باشد مطرح کردم و اجازه گرفتم و فرمهای افتتاح حساب و برگهای تسهیلات را به آقای ح دادم و نمی دانم چه کسی امضا کرد. سپس به بانک دادیم و از بانک پاسارگاد ... وام گرفتیم و به مصارف شرکتها رساندیم و ضامن آن هم خود هستیم". شکات در مقابل اظهار داشته اند ما هیچ گونه اطلاعی از موضوع نداشتیم و بعد از اطلاع از موضوع توسط آقای ص نزد پدر رفتیم که اظهار بی اطلاعی نمود سپس نزد آقای ی. ب رفتیم که گفتند صرف گاوداری ها شده و پرداخت می کنیم.

ث) در جلسه مواجهه حضوری میان متهم و آقای د. ق، شاکی مطالب قبلی را تکرار کرده و در حالی که نام وی علاوه بر شرکت ع. س در شرکت الف. د تالش نیز ملاحظه می گردد متهم پاسخ داده است: سهم ایشان یک درصد در شرکت ع. س می باشد و بجز شرکت فوق و در بانک پاسارگاد در هیچ جای دیگری وام دریافت نشده است.

ج) در جلسه مواجهه حضوری میان متهم و آقای م. ر، شاکی مطالب قبلی را تکرار و متهم در پاسخ اظهار داشته است: با اطلاع آقای م. ر اقدام به صدور فاکتور صوری جهت اخذ تسهیلات بانکی تحت عنوان خرید علوفه نمودم. برای مثال یکی از فاکتورهای بانک تجارت که خرید علوفه به مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان بود کارشناس بانک الزام به رویت دفتر آقای ر نمود که ایشان به منطقه مراجعه جنب باسکول و داروخانه دفتر واقعی علوفه فروشی حاضر گردید. از موضوع شرکت و ثبت شرکت مطلع بودند و لیکن از دریافت وام از بانک پاسارگاد بی اطلاع بودند و پرداخت کلیه وجوه به عهده اینجانب و شرکا می باشد ضمناً فرم تسهیلات و افتتاح حساب ایشان توسط بنده جعل گردید. در پاسخ شاکی عنوان داشته که از وجود فاکتورها و صدور آنها اطلاعی ندارم و حضور اینجانب در برخی جلسات آنها بوده لیکن در خصوص مورد اشاره شده چیزی به خاطر ندارم. همچنین هیچگونه فرم تسهیلاتی یا فرم ثبت شرکتها و یا فرم افتتاح حساب را امضا نکردم.

چ) در جلسه مواجهه حضوری میان متهم و آقای م. م، متهم اظهار داشته است: در خصوص فرمهای افتتاح حساب و فرمهای تسهیلاتی و ارتباط با مدیران بانکها ایشان (ص) هیچگونه دخل و تصرفی نداشته و امضای آقای ص در قالب تعهدات بانکی در سه شعبه پاسارگاد ...، ملت ... و تجارت ... با اطلاع خود ایشان بنده امضا نمودم. ولی امضات غیر تعهدآور مالی توسط خود ص امضا گردیده است. ایشان در شرکت ک. و مدیرعامل خارج از اعضا و فاقد مسئولیت و امضا تعهدآور مالی بودند و دخترم ن. ب به عنوان رئیس

هیات مدیره بوده که بنده از ایشان وکالت داشتم و به جای او امضا نمودم.

(ح) در جلسه مواجهه حضوری میان متهم و آقای الف. س نیز متهم عنوان داشته است: "... کلیه افتتاح حسابها به عهده آقای س بود که ایشان به بانک مربوطه مراجعه و برای شرکت مورد نظر که اسامی آن در روزنامه ذکر شده بود براساس آن، مفاد فرمهای مربوط به اخذ تسهیلات و یا فرم افتتاح حساب توسط ایشان نوشته می شد و امضا هر شرکت توسط مدیران آن انجام می شد. البته منظور مدیران شرعی می باشد مثل اینجانب و ش و ح که هر یک شرکتهای زیر مجموعه خود را داشتیم و بالطبع امضای مدیران آن را هم تماماً توسط خودمان صورت می گرفت که در این خصوص اقرار نامه ۸۸/۴/۲۰ در صحت اظهارات اینجانب می باشد و مدیران قانونی نیز بعضاً امضا نمودند و مابقی امضاها به عهده ما سه نفر بود که در کلیه تسهیلات بانکی دریافتی که خروجی آن هم معین هست امضا نموده ایم" (ص ۱۱۶۴ ج ۸). متهم در جای دیگری نیز راجع به نقش آقای س اشاره کرده بود: وی کارهای اعتباری و بانکی جهت دریافت وامها را انجام می داد و فرمهای مربوطه توسط وی یا تحت نظارت او تهیه و تنظیم و سپس به بانک ارائه می شد (۸۶۴ الی ۸۷۳ و ۸۹۶ ج ۶). بر این مبنا آنچه که از تحقیقات صدرالذکر و اظهارات اخیر به روشنی هویدا است آن است که متهم در شرکتهای همگروه ثبت شده خود میان دو نوع از مدیران قایل به تفکیک می شده است. بدین ترتیب که در این شرکتهای مدیران (دارندگان حق امضا) به تعبیر وی یا مدیران و سهامداران شرعی و واقعی بودند و یا مدیران (سهامداران) قانونی. دسته نخست که وی آنها را شرکای شرعی و واقعی خطاب می کند عبارتند از: خود وی و آقایان م. ح و م. ش (۸۷۸ و ۸۷۹ ج ۶). در جای دیگری پدر و برادر خود (آقایان ص و ق. ب) و در جای دیگر فرزندان آقای م. ح (ک و ج) را نیز به آنها افزوده است (۸۹۳ ج ۶ و ۳۲۴۹ ج ۲۲). دسته دوم که مشتمل بر کارکنان مجموعه و اقوام و خویشاوندان وی می باشند از نظر ایشان شرعاً شریک محسوب نشده و صرفاً به طور صوری جهت رعایت تشریفات قانونی مربوط به ثبت و اداره شرکتهای نام آنها در این شرکتها وارد و به اداره ثبت شرکتهای معرفی شده اند. متهم در مورد این دسته از افراد که سهامدار صوری و شریک غیرواقعی بودند (۸۷۹ ج ۶) و در سود و زیان شرکت نیز دخیل نبودند (۳۲۴۹ ج ۲۲) خود را بجای آنان محق در امضای اوراق و اسناد مربوطه بویژه در فرایند اخذ تسهیلات بانکی می دانسته است و به همین دلیل به کرات اعلام داشته بدهی های بانکی برعهده شرکای حقیقی می باشد و افراد اخیر وجوهی را از این بابت دریافت نداشته اند. متهم راجع به نحوه

امضای اوراق مربوط به تسهیلات دریافتی بجای دارندگان حق امضای شرکتها نیز اضافه کرده است: "هیچکدام از کارتهای افتتاح حساب و فرمهای تسهیلاتی در محل بانک و با حضور دارندگان امضا تطبیق نشده و حضور نداشتند و تماماً در دفتر تهران یا ورامین انجام می گرفت (دفتر گاوَداریها)". همچنین، در جای دیگری تلویحاً ضمن پذیرش دریافت تسهیلات بیان داشته است که: "از آغاز نیمه سال ۱۳۸۷ طی جلسهای در دفتر ر. ن (که) با حضور آقایان ش، م. ح، ق. ب، س، ص، ف و بنده تشکیل گردید بنده عرض کردم دیگر نمی توانم وام بگیرم و چکهای شما را پاس کنم لذا ... عرض کردم که با فروش کلیه گاوهای شرکتها بدهی بخشی از بانکها را بپردازید که آن بخش شامل حسابهایی که بیگناهان یا سهامداران صوری می باشند از تیررس بانک نیز رهایی یابند که ش مخالفت کرد". وی در خصوص جعل امضای شکات نیز با پذیرش ضمنی آن اظهار می نماید: "صرفاً به لحاظ سرعت در کار شرکت با اطلاع خودشان امضا شده و بعضاً نیز به بنده وکالت محضری داده اند" (صص ۱۱۸۹ و ۱۱۹۰ ج ۸). در مورد نحوه مصرف تسهیلات نیز نامبرده عنوان داشته است: تسهیلات به حساب شرکت وام گیرنده نمی رفت و به حساب آقایان س، ق و خانم ب می رفت و سپس بر اساس نظر آقای س صرف پرداخت چکها یا اقساط تسهیلات می شد. در مقابل آقای الف. س به عنوان مدیر امور مالی و حسابداری مجموعه اظهار داشته است: «کارتهای افتتاح حساب جاری بنا به دستور آقای ی. ب توسط اینجانب از بانکهای مختلف اخذ و با کپی شناسنامه افرادی که به عنوان کارمند (بودند) از جمله خود اینجانب مشخصات افراد درج و در روبروی امضای هر کس با مداد مشخص می شد که جای امضای چه شخصی (می) باشد و تماماً تحویل آقای ی. ب می گردید. ایشان هم با استناد به این که از همه شرکا وکالت نامه دارند به موجب آن کارتها را امضا می کردند. در خصوص فرمهای تسهیلاتی نیز به همین صورت توسط اینجانب تکمیل و جای امضا هر یک از مدیران با مداد مشخص و برای امضا تحویل آقای ی. ب می گردید و ایشان با مطابقت با نمونه امضایی که در دفتر تهران برای بانک تعریف شده بود امضا نموده که بعضاً توسط خودش یا بنده به بانک مزبور جهت اخذ تسهیلات ارائه می گردید". ایشان در خصوص امضات موجود در نمونه کارتهای افتتاح حساب که تصویر آن در دفتری موسوم به دفتر امضات بانکی وجود دارد چنین توضیح می دهد که: "در تمام امضات مندرج در تمام کارتهای بانکها منهای دو شماره حساب شخصی اینجانب که در بانک تجارت ... و تجارت ... افتتاح شد مابقی به امضای آقای ی. ب صورت گرفته با استناد به وکالت نامه های اخذ شده از شرکا

و مدیران». نامبرده راجع به امضای برخی از فرمهای تسهیلاتی توسط خود نیز بیان داشته است: "اینجانب بجز دو یا سه مورد که مربوط به دفترخانه‌ها به نام شرکتهایی که در آن مدیر بودم امضای واقعی خودم را زده ام و مابقی آنها از قبیل چک، سفته و غیره به هیچ عنوان امضای اینجانب نمی‌باشد و آنها را آقای ی. ب امضا نموده است".

خ) در جلسه مواجهه حضوری میان متهم و آقای م. ح، متهم مجدداً ضمن اقرار به صوری بودن فاکتورهای صادره به نام م. ر اظهار داشته است که پس از اخذ چندین فقره تسهیلات بانکی، کلیه امورات بانکی با حضور آقای س صورت گرفت و قرار شد کارهای بانکی به عهده س و ارتباطات برعهده وی باشد. نامبرده همچنین در مورد تسهیلاتی دریافتی شرکتهایی که نام آقای ح در آنها ثبت می‌باشد عنوان کرده که کلیه فرمهای مربوطه توسط س تنظیم و به امضای او و آقای ح رسیده است. در مقابل شاکی اخیر ضمن رد اظهارات متهم اعلام داشته امضای خود را در بانکهای کشاورزی و رامین، ملت تالش، ملی ... و سپه قبول دارد و در سایر موارد مثل بانکهای سرمایه ...، پاسارگاد ...، تجارت ... و ... و ملت ... و ... هیچ‌گونه امضایی نکرده و مراجعه‌ای به این شعب نداشته است. مشارالیه همچنین در مورد وام اخذشده به نام شرکت و. پ. ق که به نام فرزندان وی به ثبت رسیده و متهم مدعی بود با اطلاع وی بوده اظهار داشته هیچ‌گونه اطلاعی از اخذ این تسهیلات نداشته و امضایی نکرده و از نحوه مصرف آن نیز بی‌اطلاع است.

۳۰- از اعضای خانواده متهم نیز راجع به شرکتهایی که به نام آنها به ثبت رسیده و تسهیلات اخذشده تحقیق به عمل آمده که اظهارات آنها بدین شرح است:

الف) ز. ر فرزند م (همسر سابق متهم): نامبرده در خصوص این که در چه شرکتهایی عضو می‌باشد اظهار بی‌اطلاعی نموده و عنوان داشته است بجز بانک ملت به سایر بانکها یا ادارات ثبت مراجعه‌ای نداشته است (۱۱۵۱ و ۱۱۵۲ ج ۸).

ب) ن. ب (دختر متهم): مشارالیه نیز در حالی که نام وی در شرکتهای مختلفی نظیر ک. س. تالش، ن. ل، ک. و و دامداری صنعتی ۲۴۲ ج ملاحظه می‌گردد در خصوص این که در چه شرکتهایی عضو می‌باشد اظهار بی‌اطلاعی نموده و عنوان داشته است بجز بانک تجارت شعبه ... به سایر بانکها یا ادارات ثبت مراجعه‌ای نداشته و فرمهای افتتاح حساب و اوراق تسهیلات توسط آقای س نوشته و توسط پدرش چون از مشارالیها وکالت داشت در غیاب او امضا می‌شد (۱۱۸۱ و ۱۱۸۲ ج ۸).

پ) الف. ب (پسر متهم): ایشان ضمن پذیرش عضویت خود در شرکت ن. ل اظهار داشته به علت نداشتن حق امضا و نرسیدن به سن قانونی در زمان اخذ تسهیلات

مراجعه‌ای به بانکها نداشته است (۱۱۸۳ و ۱۱۸۴ ج ۸).

۳۱- وفق صورتجلسات مورخ ۹۱/۳/۴ مرجع انتظامی در بازدید از شرکتهای همگروه ب که در معیت متهم صورت پذیرفت مشاهدات ضابطین دادگستری حاکی از آن است که: (۱) شرکت ک. و فعال نبوده و به گفته نگهبان آن از تاریخ ۲۸/۱/۹۱ فاقد هرگونه فعالیت اقتصادی بوده است. (۲) در شرکتهای ن. ل، م. س و ۲۴۲ ج هیچ گونه فعالیت اقتصادی مشاهده نگردید. (۳) شرکت ج. پ متعلق به برادر متهم (ق. ب) بوده و در زمان بازدید در اجاره فرد دیگری جهت تهیه کود صنعتی قرار داشت و متهم ابراز داشته است: از این شرکت صرفاً در بخش تسهیلات در گردش استفاده شده و کلیه تسهیلات اخذ شده به نام این شرکت، توسط وی دریافت و کلیه امضات درج شده در ذیل قراردادهای تسهیلاتی شخصاً توسط ایشان انجام شده است. (۴) سایر شرکتهای شامل ر. ن، ع. ش، پ. ل، و. پ، ق، ر. پ و ع. س دارای ابزار و آلات و فعالیت محدودی بوده اند. ضمن این که کلیه شرکتهای در نزدیکی و مجاورت یکدیگر قرار داشتند (صص ۱۱۹۹ الی ۱۲۱۲ ج ۸ و ۹).

۳۲- در ادامه تحقیقات برخی از شکات به اسامی م. ف، ف. ر، د. ق، م. ر (۱۴۳۷ الی ۱۴۴۴ ج ۱۰)، الف. س، م. ح و ح. ب (۱۶۸۸ الی ۱۶۹۴ ج ۱۲) رضایت مشروط خود را نسبت به متهم منوط به تحقق شرایطی از جمله تعیین تکلیف راجع به مطالبات بانکها و پذیرش جعل امضای آنان از سوی ایشان اعلام داشته اند. در مقابل متهم ابراز داشته است: "بنده با اذن خودشان امضا نمودم جهت تسریع امور شرکت و بعضاً خودشان نیز امضا نمودند و وجه وام از بانک مستقیم در گاوداری‌های شرکت متبوع خرج گردید. بدین وسیله در محضر مقام قضایی اقرار و اعتراف می‌نمایم کلیه دیون حاصل از امضای اسناد که اینجانب از طرف شکات در بانک امضاء کرده با اطلاع خودشان و کلیه شرکاء (بوده) و لکن بعضی‌ها با وکالت و بعضی‌ها با اذن شفاهی نیز اقدام گردیده و ماحصل آن نیز طبق اقرارنامه ۲۲/۴/۸۸ اینجانبان ی. ب و م. ش و م. ح متعهد گردیدیم که کلیه وجوه و دیون که در قبال اخذ تسهیلات بانکی از بانکهای موردنظر با شرکتهای موردنظر پرداخت آنها به عهده اینجانبان می‌باشد و کلیه شکات هیچ‌گونه مسئولیتی حقوقی و اخلاقی نداشته (باشند) ... ضمناً نسبت به آقای م. ر با توجه به این که ایشان در مقام علوفه فروشی بوده‌اند نزد بانکها لذا از طرف ایشان امضاء و ایشان هیچ‌گونه مسئولیتی نداشته و بنده و شرکای خود مسئولیت آقای ر را می‌پذیریم" (صص ۱۴۴۶ ج ۱۰). لازم به ذکر است که متعاقباً آقای م. ر به تاریخ ۱۰/۵/۹۱ رضایت رسمی و بی قید و شرط خود را نسبت به متهم ابراز داشته است (۱۸۰۹ ج ۱۳). به‌علاوه وکیل وقت متهم

با پیوست نمودن دو فقره وکالتنامه رسمی به ترتیب به تاریخهای ۲۰/۲/۸۰ و ۱۸/۷/۸۱ مدعی است که خانم ف. ر (ر) و شرکت الف. ر. ن با امضای آقای ش جهت مراجعه به بانکها و اخذ تسهیلات بانکی به نامبرده وکالت داده‌اند (۱۸۰۲ و ۱۸۰۳ و ۱۸۰۴ ج ۱۳ و ۱۷۴۲ ج ۱۲).

۳۳- آقای ح. ح فرزند ع نیز بشرح صفحه ۱۸۲۷ از جلد ۱۳ شکایتی را به تاریخ ۱۲/۷/۹۱ علیه آقای ی. ب دایر بر جعل و استفاده از سند مجعول مطرح و مدعی است که طی سالیان متمادی کارمند مشتکی عنه در مجموعه دامداری‌های ایشان بوده و وی با دسترسی به اسناد سجلی ایشان و با سوء استفاده از آنها و بدون اطلاع وی اقدام به تاسیس شرکتی به نام شرکت ع. س نموده و نامبرده را در سمت مدیرعاملی این شرکت قرار داده است. این امر که با جعل امضای او توأم بوده موجب ایجاد بدهی مالیاتی شده است. شاکی مزبور شکایت دیگری نیز به تاریخ ۱۸/۹/۹۲ با عناوین اتهامی فوق علیه متهم مطرح نموده بدین توضیح که مدعی است مشارالیه با جعل امضای او مبادرت به افتتاح حساب و اخذ تسهیلات از بانک پاسارگاد شعبه ... به نام شرکت ع. س در تاریخ ۱۳/۱۱/۸۶ نموده است (ج ۱۸ ص ۲۶۵۸). پس از ارجاع موضوع شکایت ایشان به کارشناسی، کارشناس منتخب چنین اظهارنظر نموده است که: امضات مورد ادعا منتسب به آقای ح. ح مندرج در ذیل متن و ظهر اوراق و فرمها و گزارشات موجود در سه جلد زونکن سوابق ثبتی شرکت خوراک دام و طیور ع. س، مندرج در ذیل متن و ظهر چک مورد ادعا و مندرج در ذیل متن و ظهر سوابق افتتاح حساب بانک پاسارگاد شعبه ... مربوط به شرکت یادشده در مقایسه با خطوط و امضات استکتایی و مسلم الصدور نامبرده از حیث خصوصیات و ویژگیهای فنی تحریری و ترسیمی، توالی و امتداد خطوط آرایشی، انحنا و زوایای خطوط و شکل و قالب دارای اختلافات فنی اساسی بوده و مطابقت ندارند (منفی) (صص ۲۷۷۸ و ۲۷۷۹ ج ۱۹).

۳۴- به همین ترتیب آقای ک. پ فرزند م نیز در تاریخ ۳/۱۲/۹۲ شکایت مشابهی را علیه آقای ی. ب دایر بر جعل، استفاده از سند مجعول، کلاهبرداری و تحصیل مال از طریق نامشروع مطرح نموده و مدعی است که نامبرده با جعل امضای وی از جمله به نام شرکت ع. ش تسهیلات متعددی را از بانکهای تجارت شعب ... و ... و پاسارگاد شعبه ... دریافت کرده است (ج ۱۸ ص ۲۶۹۳).

۳۵- در خصوص شکایت آقایان س، م، ش و م. ح و خانم ب راجع به ادعای جعل امضا در فرایند اعطای تسهیلات شعبه ... بانک پاسارگاد به شرکتهای ع. س، پ. ل، ر. ن، ر. پ،

ک. و، م. س، ع. ش و الف. د تالش موضوع به کارشناسی ارجاع که نظریه مورخ ۷/ ۵/ ۹۱ کارشناس منتخب حاکی از آن است که (صص ۱۶۷۵ و ۱۶۷۶ ج ۱۲): ۱- امضات مورد ادعا منتسب به خانم ح. ب مندرج در اسناد و مدارک پرونده اعطای وام شرکتهای ر. ن و ک. و. در مقایسه با امضات استکتایی و مسلم الصدور نامبرده دارای اختلافات زیادی بوده و مطابقت ندارد (منفی). ۲- امضات منتسب به آقای الف. س در اسناد وام شرکتهای ک. و، ر. ن و ع. ش در مقایسه با امضات استکتایی و مسلم الصدور نامبرده دارای اختلافات زیادی بوده و مطابقت ندارد (منفی). ۳- امضات منتسب به آقای م. ح در اسناد وام شرکتهای الف. د. تالش، م. س، ر. پ و پ. ل در مقایسه با امضات استکتایی و مسلم الصدور نامبرده دارای اختلافات زیادی بوده و مطابقت ندارد (منفی). ۴- امضات مورد ادعا منتسب به آقای م. ش در اسناد وام شرکتهای ر. ن، ع. ش، م. س در مقایسه با امضات استکتایی و مسلم الصدور نامبرده دارای اختلافات زیادی بوده و مطابقت ندارد (منفی). ۵- امضات منتسب به آقای م. م مندرج در ذیل اسناد وام شرکت ک. و در مقایسه با امضات استکتایی و مسلم الصدور نامبرده دارای اختلافات زیادی بوده و مطابقت ندارد (منفی). نهایتاً در نظریه یادشده آمده است: "نوشته‌جات دستنویس متن اسناد وام شرکتهای یاد شده در مقایسه با خطوط استکتایی آقای الف. س مطابقت دارد (مثبت) که نامبرده خود به این امر معترف می‌باشد".

۳۶- حسب نامه اداره امور شعب شرق تهران بانک ملی ایران و مستندات پیوست آن، امضات متعهدین تسهیلات بانکی اعطایی شعبه ... آن بانک به شرکتهای پ. ل، م. س، ن. ل، ج و ر. ن دارای اصالت بوده و اصالت برخی از آنها از سوی سردفتر اسناد رسمی گواهی شده است (۱۷۴۲ ج ۱۲). منتها آقای م. ش طی لایحه‌ای در خصوص تسهیلات پرداخت شده این بانک ابراز داشته است که وی به عنوان ضامن، منزلش را بابت دو فقره وام دریافتی شرکتهای م. س (به شماره قرارداد ۱۱۸۵ - ۸۵ مورخ ۸/ ۳/ ۸۵) و پ. ل (به شماره قرارداد ۱۱۴۲ - ۸۵ مورخ ۸/ ۳/ ۸۵) در رهن بانک قرار داد که هر دو وام در موعد مقرر تسویه گردید. منتها در حالی که بانک می‌بایست رهن را فک می‌کرد نه تنها این کار را ننموده بلکه مجدداً وامهای دیگری به دو شرکت مزبور در تاریخ ۱۳/ ۳/ ۸۶ یکی به شماره قرارداد ۸۶۰۰۴۱۲۸ به نام شرکت م. س و دیگری به شماره قرارداد ۸۶۰۰۱۳۸۵ به نام شرکت پ. ل بدون اجازه و امضای وی پرداخت کرده و مجدداً از سند مالکیت او به عنوان وثیقه این دو وام استفاده می‌شود. این دو فقره وام نیز توسط شرکتهای موصوف پرداخت و تسویه می‌شود ولی شعبه فوق برای مرتبه سوم دو وام

دیگر یکی تحت قرارداد شماره ۷۱۹۰-۸۶ مورخ ۱۷/۹/۸۶ به نام شرکت م. س و دیگری به شماره قرارداد ۸۶۰۰۷۳۱۸ مورخ ۱۹/۹/۸۶ به نام شرکت پ. ل با همان وثیقه ملکی و بدون اذن و با جعل امضای وی پرداخت می‌کند که این دو فقره اخیر از سوی دریافت‌کنندگان تسهیلات تسویه نشدند. به علاوه، حسب توضیحات نامبرده در پرداخت تسهیلات شعبه ... بانک ملی به شرکت الف. ر. ن. علیرغم آن که وی مدیر عامل این شرکت و صاحب امضای اصلی می‌باشد بدون مراجعه ایشان به بانک طی قراردادهای شماره ۸۵۰۴۵۲۷، ۸۶۰۰۱۱۷۰ و ۸۶۰۰۶۸۴۳ به تاریخهای ۱۷/۵/۸۵، ۳۱/۲/۸۶ و ۱۶/۹/۸۶ تسهیلاتی را به این شرکت پرداخته که فقره آخر در سررسید تسویه نگردیده است. النهایه وی به علت این که بانک ملی نسبت به مزایده گذاشتن منزل او اقدام نموده بود به ناچار ملک مزبور را شخصاً فروخته و بدهی هر سه شرکت را تسویه کرد (۳۷۱۷ و ۳۷۱۸ ج ۲۵).

۳۷- با ارجاع مجدد موضوع شکایت شکات بابت جعل امضای خود در شعب بانکی تسهیلات دهنده به کارشناسی، کارشناس دیگر رشته تشخیص اصالت خط و امضا و اثر انگشت با مراجعه به بانکهای ملی (شعبه ...)، ملت (شعبه ...)، تجارت (شعبه ...) و ... (و پاسارگاد شعبه ... و بررسی کلیه مستندات و اوراق مربوطه، امضانات منتسب به آقایان م. ر. م. ف. الف. س. م. ح. ب. م. م. ش. د. ق و خانم ف. ر را در موارد تعیین شده (مطابق با صفحات مشخص شده در سه جلد زونکن حاوی مستندات مربوط به تسهیلات اخذشده که از مرجع انتظامی واصل (وفق نامه مندرج در ص ۲۰۴۲ ج ۱۴) و پیوست پرونده حاضر شده) فاقد اصالت و جعلی دانسته است. همچنین وفق نظریه کارشناسی مزبور علاوه بر این که خطوط دست نویس مندرج در متن اوراق و کارتکسهای افتتاح حساب در بانکها در موارد مشخص شده با خطوط استکتایی با آقای الف. س دارای تشابهات زیادی بوده و توسط وی تحریر شده‌اند که خود نیز در موارد متعددی بدان معترف می‌باشد (از جمله ص ۲۴۰۲ ج ۱۷)، امضانات شبیه سازی شده منتسب به آقای م. ر توسط آقای ی. ب و الف. س و امضانات شبیه سازی شده منتسب به آقایان م. ف و الف. س و خانم ح. ب توسط آقای ی. ب تحریر و صادر شده‌اند و در مورد سایرین تشخیص این که توسط چه کسی صادر شده‌اند میسر نمی‌باشد (صص ۲۴۰۳ الی ۲۴۰۸ ج ۱۷).

۳۸- پس از آزادی متهم و وصول نظریه کارشناسی صدرالذکر و نظریه تکمیلی آن و اخذ اظهارات طرفین بشرح صفحات ۲۴۲۹ الی ۲۴۴۷ از جلد ۱۷، مجدداً حسب صورتجلسه مورخ ۲۳/۴/۹۲ اتهامات جعل، استفاده از اسناد مجعول در فرایند اخذ

تسهیلات، تحصیل مال از طریق نامشروع و پرداخت رشوه به مبلغ ۱۰ میلیارد ریال از ناحیه بازپرس محترم وقت شعبه به متهم تفهیم می‌گردد که در پاسخ راجع به اتهامات جعل و استفاده از سند مجعول، این نوبت میان امضائات موثر و غیر موثر (!) شکات قایل به تمایز شده و اظهار می‌دارد: با اذن و وکالت از شرکای واقعی و صوری در طول حدود ۲۰ سال این اتفاق می‌افتاد و همگی نیز اذن به این کار را در نامه‌های غیر اثرگذار داده بودند ولی امضاهای موثر به عهده اینجانب نبوده است. زمانی که جعل توسط بنده بدون اذن اتفاق نیفتاده استفاده از سند مجعول نیز بی‌پایه و اساس است (۲۴۴۸ و ۲۴۴۹ ج ۱۷).

۳۹- حسب برگ ۳۱۰۶ جلد ۲۱ پرونده نیز آقایان ۱- ع. ز فرزند س ۲- ق. ب فرزند ص و خانمها ۳- الف. ب فرزند م ۴- ز و ۵- س شهرتین ب هر دو فرزند ق به تاریخ ۱۶ / ۱۰ / ۹۶ شکایتی را علیه آقای ی. ب و مدیریت شعب ... و ... بانک تجارت و شعبه ... بانک پاسارگاد مطرح می‌کنند بدین توضیح که مدعی‌اند نامبردگان از آشنایان نزدیک مشتکی عنه ردیف اول می‌باشند و وی با استفاده از مدارک هویتی و جعل امضای آنان و بدون اطلاع ایشان به نام شرکتهای ج. گ. س و ج. پ تسهیلات بانکی دریافت دریافت و آنان را به نظام بانکی مدیون نموده است. حسب برگ مندرج در صفحه ۳۵۴۳ شکات مذکور اصالت امضائات منتسب به خود را در اداره ثبت شرکتهای ورامین راجع به ثبت و تاسیس دو شرکت ج. گ. س و ر. پ و همچنین دریافت تسهیلات بانکی از بانک ملت ورامین را پذیرفته اما امضائات منتسب به خود را در بانکهای پاسارگاد شعبه ... و تجارت شعبه ... تهران را جعلی اعلام نموده‌اند. پس از ارجاع موضوع شکواییه نامبردگان به کارشناسی وفق نظریه کارشناس منتخب، در بانک تجارت شعبه ... و در اسناد مربوط به تسهیلات دریافتی به نام شرکت ر. پ امضایی منتسب به شکات ملاحظه نگردید. اما در مورد تسهیلات دریافتی مورخ ۳ / ۲ / ۸۷ شرکت ج. گ. س از بانک پاسارگاد شعبه ...، تعهدنامه و سفته‌های مربوطه بشرح مندرج در نظریه مزبور منتسب به ق. ب، ز. ب و ع. ز با امضائات استکتابی و مسلم الصدور آنها دارای اختلافات اساسی بوده و فاقد اصالت می‌باشند (۳۵۴۴ الی ۳۵۴۸ ج ۲۴). ضمن این که امضائات انتسابی به آقای ق. ب در ظهر ۱۳ فقره سفته به شماره سریالهای ... الی ... سری (ه) و ۸۲ فقره سفته به شماره سریالهای ... الی ... سری (د) که به عنوان تضمین در قبال تسهیلات دریافتی شرکت ع. ش به بانک تجارت شعبه نفت ازایه گردیده‌اند جعلی و فاقد اصالت تشخیص داده شده‌اند (۳۶۲۷ ج ۲۴).

۴۰- با توجه به تحقیقات صورت گرفته در خصوص نقش آقای س در جعل امضای اشخاص و دریافت تسهیلات متعدد بانکی، بازپرسی مشارالیه را احضار و حسب صورتجلسه

مورخ ۲۰ / ۱۰ / ۹۶ اتهامات معاونت در جعل، استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری را به وی تفهیم می‌نماید (۳۱۴۱ ج ۲۱). نامبرده در دفاع بیان داشته است که به عنوان کارمند آقای ب به دستور ایشان فرمها را خود وی یا دیگر همکاران از بانکها می‌گرفته و به دستور ایشان آنها را تکمیل و سپس به او تحویل می‌داده است. آقای ب پس از امضا و درج مهر شرکت مربوطه فرمها را به وی یا دیگر همکاران می‌داد تا به بانک عودت شوند و یا خود به بانک می‌برد. متهم اخیر در مورد زونکن امضاها نیز مفاداً چنین توضیح داده است که: کارتهای نمونه امضای بانکها به دستور آقای ب کپی گرفته و در یک زونکن به همراه کپی اوراق شناسایی کارمندان نزد خود وی نگهداری می‌شد. مشارالیه متعاقب صدور قرار قبولی کفالت در همین تاریخ آزاد گردیده است. لازم به ذکر است متهم مزبور مجدداً بر اظهارات فوق در جلسه مواجهه حضوری با متهم اصلی تأکید نموده و می‌افزاید: آقای ب با هدف اخذ تسهیلات بانکی ترازنامه‌های صوری تهیه و شرکتها را سودده معرفی می‌کرد. همچنین در خصوص شرکتهایی که به نام آنها درخواست وام می‌کردند فقط خودشان در جریان بودند و نمی‌گذاشتند هیچ‌یک از شرکا متوجه شوند و امضای همه شرکتها را خودشان در دفتر تهران انجام می‌دادند (۳۴۱۶ الی ۳۴۱۹ ج ۲۳).

۴۱- شایان ذکر است که پس از آزادی آقای ی. ب در تاریخ ۳۰ / ۷ / ۹۱، بازپرس محترم وقت این شعبه در تاریخ ۶ / ۹ / ۹۲ به لحاظ ضرورت حضور متهم و اخذ توضیح از نامبرده دستور احضار مجدد وی با قید نتیجه عدم حضور جلب را صادر می‌نمایند (۲۶۳۰ ج ۱۸) اما علیرغم صدور احضاریه‌ها و متعاقباً برگهای جلب مکرر مشارالیه متواری و از حضور در شعبه امتناع می‌ورزد. النهایه نامبرده در تاریخ ۲ / ۱۱ / ۹۶ مجدداً دستگیر و اتهامات جعل اسناد (عادی و رسمی)، استفاده از اسناد مجعول و کلاهبرداری از طریق ارایه اسناد مجعول به بانکها و دریافت تسهیلات و همچنین از طریق انتقال منافع مال غیر به وی تفهیم می‌گردد. ایشان در دفاع اظهار می‌دارد: جعل را قبول ندارم بلکه همه با اذن هیأت مدیره بوده است و کلیه افرادی که عضو شرکتها بودند از امضاهای ورود به شرکت و دریافت وام از بانکها مطلع بودند. تنها امضاهای غیرموثر در حضور خودشان و با اذنشان انجام می‌گرفت و در روز دریافت تسهیلات نیز کسانی که طبق روزنامه رسمی دارای امضا موثر بودند حضور داشتند و همگی مطلع بودند. وی مقصود خود از امضاهای موثر را امضاهایی می‌داند که بار مالی داشتند که به ادعای وی برعهده خود فرد بودند و دیگر امضاها که مکاتباتی بودند در حضور خودشان و اگر نبودند با اذن آنها وی انجام می‌داد. با این‌همه، با توجه به نظریات کارشناسی متعدد

راجع به جعل امضای شکات در اوراق مربوط به تسهیلات بانکی با تناقض گویی دیگری اعلام می کند که امضاهای موثر توسط اعضای اصلی شرکت نیز اتفاق می افتاد برای مثال آقای ف بجای افراد زیرمجموعه شرکت خود، آقای ح زیرمجموعه شرکتهای خود و پسرانش و به همین ترتیب آقایان ش، ص و س. متهم در جلسه تحقیقاتی مزبور تلویحاً جعل امضای آقای ش در اوراق مربوط به استعفا و واگذاری سهام او ایضاً جعل امضای فرد اخیر در وکالتنامه رسمی شماره ۱۲۹۵۸ مورخ ۲۴ / ۵ / ۹۰ و متعاقباً اجاره دو طبقه از ساختمان مشارالیه به افراد غیر و همچنین، اخذ سندهای مالکیت المثنی راجع به دو فقره پلاک ثبتی ... و ... به ترتیب متعلق به شرکتهای ر. ن و ع. ش بدون درج سابقه در رهن بودن قبلی آنها و ترهین مجدد آنها در قبال اخذ تسهیلات بانکی را می پذیرد (صص ۳۲۴۴ الی ۳۲۵۶ ج ۲۲). متهم متعاقب صدور قرار تشدید تأمین کیفری و به لحاظ عجز از تودیع وثیقه به زندان معرفی می گردد. مشارالیه طی مدت بیش از ۴ سال متواری بودن خود هیچ اقدامی در جهت تعیین تکلیف تسهیلات دریافتی ننموده است.

۴۲- نهایتاً در جلسه مواجهه حضوری میان متهم فوق و احد از شکات آقای م. ش بتاريخ ۲۱ / ۱۲ / ۹۶ متهم مجدداً با بیان اظهاراتی متناقض با گفته های قبلی خود، هرگونه ایفای نقش در اخذ سند المثنی و ترهین مجدد پلاکهای فوق را انکار نموده و ابراز داشته در شرکتهای ر. ن و ع. ش هیچ سمتی نداشته است (۳۴۱۵ ج ۳).

«قرار دادسرا»

بازپرسی با عنایت به مراتب فوق و نظر به جامع اوراق و محتویات پرونده در خصوص موضوعات و شکایات مختلف مطروحه به تفکیک موارد به شرح ذیل اقدام به صدور قرارهای جلب به دادرسی، منع و موقوفی تعقیب می نماید.

الف) قرار جلب به دادرسی

۱- در خصوص شکایت خانمها و آقایان: ۱- د. ق ۲- م. ف ۳- ف. ر ۴- پ. ف ۵- ج. ح ۶- الف. ح ۷- ف. ت ۸- م. ر ۹- الف. س ۱۰- م. م ۱۱- ح. ح ۱۲- ح. ب ۱۳- ع. ز ۱۴- ق. ب ۱۵- الف. ب ۱۶- س. ب ۱۷- ز. ب ۱۸- م. ح ۱۹- م. ش و ۲۰- پ. ر علیه آقای ی. ب فرزند ص دایر بر اتهامات: ۱- ۶۲ فقره کلاهبرداری از بانکهای: ۱- تجارت (شعب ...، ... و ...) ۲- ملت (شعب ...، ... و ...) ۳- ملی (شعبه ...) و ۴- پاسارگاد (شعبه ...) همگی واقع در تهران از طریق ارائه اسناد مجعول حاوی امضائات فاقد اصالت منتسب به شکات اعم از پیش فاکتورها، فرمهای افتتاح حساب، فرمهای تعهدنامه و قرارداد همچنین، ارائه

تضمینات فاقد اعتبار مشتمل بر اوراق بهادار و تعهدآور (سفته) با امضائات جعلی شکات و ترهین مجدد سه فقره پلاک ثبتی با ارائه نامه جعلی اداره ثبت اسناد و املاک ورامین، جعل امضای اشخاص ذینفع و ارایه دو فقره سند مالکیت المثنی فاقد قید سابقه ترهین قبلی املاک مزبور منتهی به اخذ ۶۲ فقره تسهیلات بانکی جمعاً به ارزش ۷۱۷/۳۰۰/۹۰۴/۱۸۲ ریال (یکصد و هشتاد و دو میلیارد و نهصد و چهار میلیون و سیصد هزار و هفتصد و هفده ریال معادل اصل مبلغ تسهیلات دریافتی بشرح پیوست شماره (۱) این تصمیم) ۲- دو فقره کلاهبرداری از طریق انتقال منافع مال غیر جمعاً به مبلغ ۹۱۰ (نهصد و ده) میلیون ریال و ۳- جعل یک فقره وکالتنامه رسمی به شماره ۱۲۹۵۸ مورخ ۲۴/۵/۹۰ تنظیمی در دفترخانه شماره ... تهران و ۴- استفاده از سند مجعول اخیرالذکر نظر به تحقیقات معموله، نتیجه استعلامات صورت گرفته از بانکهای عامل، گزارشهای مرجع انتظامی، نظریات متعدد کارشناسی، صورتجلسات مواجهه حضوری میان شکات و متهم فوق و با عنایت به این که تسهیلات یادشده به نام ۱۵ شرکت به اسامی: ۱-ع. ش ۲- تعاونی ر. ن ۳- ر. پ ۴- تعاونی ۲۴۲ ج ۵- پ. ل ۶- ن. ل ۷- ک. و ۸- م. س ۹- ع. س ۱۰- ج. پ ۱۱- ج. گ. س ۱۲- ز. ب ۱۳- الف. د. تالش ۱۴- و. و ۱۵- و. دریافت شده‌اند حال آن که:

اول) شرکتهای مزبور همگروه، دارای ذی‌نفع واحد و بجز چند مورد، مابقی صوری و فاقد فعالیت واقعی تولیدی و تجاری در زمینه تسهیلات ماخوذه بوده‌اند به نحوی که آقای الف. س حسابدار و مدیر مالی مجموعه شرکت‌های فوق از میان آنها تنها ۵ شرکت را فعال و بقیه را فاقد فعالیت معرفی کرده است. در بازرسی از شرکتهای یادشده نیز مامورین انتظامی عمدتاً آنها را فاقد فعالیت قابل توجه گزارش کرده است.

دوم) محل معرفی شده جهت فعالیت این شرکتهای جملگی در مجاورت یکدیگر و دفتر مرکزی همه آنها در تهران بوده است. در بازرسی مامورین انتظامی از دفتر مذکور که در اختیار متهم بوده است مهرهای این شرکتهای و اوراق، سربرگها و اسناد مالی آنها یافت گردید که دلالت بر مدیریت یکپارچه و واحد آنها دارد. ضمن آن که آقایان الف. س و م. م وظیفه حسابداری و امور مالی همه شرکتهای مجموعه را برعهده داشتند که تحت نظر متهم به عنوان مدیر ارشد مجموعه انجام وظیفه می‌نمودند که این امر نیز خود حکایت از همگروه و بهم پیوسته بودن شرکتهای فوق بالنتیجه عدم استقلال حقوقی و ذی‌نفع بودن آنها از فعالیتهای یکدیگر دارد.

سوم) متهم در موارد متعددی به حضور این شرکتهای در یک مجموعه واحد از جمله

در اقرارنامه های مورخ ۳۰ / ۴ / ۸۸ و صوری بودن اسامی سهامداران یا اعضای هیات مدیره آنها (بجز خود و آقایان م. ح و م. ش) که اکثراً از شکات او در این پرونده می باشند اذعان و بیان داشته است که صرفاً جهت رعایت تشریفات قانونی تاسیس شرکت های موصوف و تکمیل اعضای آنها از نام و اوراق هویتی این اشخاص استفاده شده و شرکتها به نام ایشان به ثبت رسیده اند و نامبردگان در سود و زیان این شرکتها (بالتیجه در اداره آنها) دخیل نبوده اند. حتی بسیاری از اعضای این شرکتها که عمدتاً از کارکنان مجموعه و آشنایان متهم بوده اند از عضویت خود و این که به عضویت چند شرکت درآمده اند اظهار بی اطلاعی کرده اند. با این وجود ملاحظه می گردد که در برخی تسهیلات ماخوذه نظیر تسهیلات اعطایی به منظور خرید مواد اولیه فاکتورهای صادره به نحو صوری و بدون انجام خرید و فروش واقعی از سایر شرکت های همگروه صادر شده و در بسیاری از موارد نیز تضمینات تسهیلات اعم از ضمانت و ظهرنویسی سفته ها یا وثیقه های ملکی از ناحیه همین شرکتها تامین گردیده اند. به علاوه، صوری بودن عضویت اشخاص مزبور در این شرکتها و تاسیس یا انجام تغییرات شرکتها به نام آنان و بعضاً با امضای جعلی ایضاً عدم استقلال حقوقی و عدم فعالیت عملی آنها مبین صوری، غیر واقعی و اصطلاحاً کاغذی بودن این شرکتها می باشد که تاسیس و ثبت اکثر آنها با انگیزه دریافت تسهیلات متعدد بانکی صورت گرفته است. متهم در مورد یکی از این شرکتها (ج. پ. ر) به صراحت اقرار داشته است که از این شرکت صرفاً جهت تسهیلات در گردش استفاده کرده است. به علاوه، در جریان تحقیقات نیز اشاره کرده است که تا پیش از مشغول به کار شدن آقای الف. س نزد او که کارمند اخراجی بانک تجارت بوده وی تنها دو شرکت ج و ر. پ را تازه افتتاح کرده بود که دفتری هم جهت استقرار آنها در اختیار نداشت.

چهارم) وجود امهار و سربرگ های شرکت های فوق و زونکنی تحت عنوان زونکن امضاها حاوی نمونه امضا های شکات مشروحه فوق در دفتر مرکزی مجموعه همچنین، اظهارات برخی از آنان بویژه آقایان س و م (مدیران امور مالی و حسابداری) و خانم ح. ب (منشی) حاکی از آن است که کل فرایند اخذ تسهیلات یاد شده اعم از ایجاد ارتباط با روسا و معاونین شعب بانک های عامل و تهیه، تنظیم و ارایه مدارک و مستندات مورد نیاز توسط متهم آقای ی. ب طراحی و مدیریت می شده و وجوه ماخوذه نیز طبق هدایت و نظر وی به مصرف می رسیده اند. متهم در جریان تحقیقات به طور ضمنی دریافت این تسهیلات توسط خود را پذیرفته و از جمله در یکی از جلسات مواجهه حضوری اشاره

دارد که: "از آغاز نیمه سال ۱۳۸۷ طی جلسه‌ای در دفتر ر. ن (که) با حضور آقایان ش، م. ح، ق. ب، س، ص، ف و بنده تشکیل گردید بنده عرض کردم دیگر نمی‌توانم وام بگیرم و چکهای شما را پاس کنم". نامبرده اذعان داشته است که در این شرکتها به عنوان شریک و یا مشاور اقدام به اخذ وامهای مذکور به نام آنها نموده است (بندهای ۱۹ و ۲۲ گردشکار).

پنجم) وفق اظهارات مدیران مالی مجموعه آقایان م و س، متهم جهت دریافت این تسهیلات و استفاده از ارقام بالاتر در نظام بانکی از گردشهای صوری تسهیلات دریافتی قبلی در حسابهای شرکتها گروه و ارائه ترازنامه‌های غیرواقعی جهت سودده و انمود کردن این شرکتها بهره برده است (بندهای ۲۰ و ۴۰ گردشکار).

ششم) در خصوص تسهیلات فروش اقساطی مواد اولیه که از جمله شرایط اعطای آنها به متقاضی ارایه فاکتور خرید مواد مورد نیاز می‌باشد متهم پیش فاکتورهایی منتسب به آقای م. ر را به بانکهای عامل ارایه کرده است که اولاً حسب نظریات کارشناسی مندرج در بندهای ۱۳ و ۳۷ گردشکار این تصمیم، امضای منتسب به شاکی مزبور ذیل این پیش فاکتورها جعلی و فاقد اصالت می‌باشد. ثانیاً اصل مهری حاوی عبارت "فروشنده‌گی دام، بذر و علوفه م. ر" در محل دفتر مرکزی مجموعه یافت گردید که مبین ساخت این پیش فاکتورهای صوری و جعلی توسط متهم با استفاده از مهر مزبور و جعل امضای آقای م. ر می‌باشد. ثالثاً متهم خود به جعل امضای شاکی اخیر صراحتاً اقرار نموده است (بندهای ۲۹ و ۳۲ گردشکار).

هفتم) وفق نظریات کارشناسی متعدد به شرح مندرج در بندهای ۷، ۱۳، ۲۳، ۲۶، ۲۸ (شق ب)، ۳۳، ۳۵، ۳۷ و ۳۹ گردشکار این تصمیم که منطبق بر اوضاع و احوال محقق و معلوم قضیه ارزیابی شده و اعتراض موثری نسبت به آنها به عمل نیامده است، اوراق و مستندات مربوط به تسهیلات دریافتی مشتمل بر فرمهای افتتاح حساب، تعهدنامه و قرارداد و اسناد تعهدآور حاوی امضات جعلی و فاقد اصالت شکات مشروحه فوق بوده و نامبردگان اظهار داشته‌اند جهت امضای این اوراق به بانکهای عامل مراجعه نداشته و از دریافت آنها بی‌اطلاع بوده‌اند. حسب اظهارات آقایان م و س که در برخی موارد تلویحاً به تأیید متهم رسیده‌اند فرمها و اوراق مزبور پس از هماهنگی متهم با مدیران شعب بانکهای عامل - مع‌الاسف در سایه نظارت ضعیف مدیران بازرسی و رده‌های بالاتر این بانکها - از آنها دریافت شده و پس از تکمیل توسط آقای س در دفتر مرکزی مجموعه بجای مدیران صاحب امضا در شرکتها ذینفع توسط آقای ی. ب امضا و سپس به شعب

بانکها عودت داده می‌شدند (بندهای ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۹ گردشکار). متهم در جریان تحقیقات در موارد متعددی به جعل امضای شکات در فرایند اخذ این تسهیلات اقرار نموده و از جمله به عدم تکمیل اوراق و اسناد مزبور با حضور افراد ذی‌سمت نزد بانکهای عامل بلکه تکمیل آنها در دفتر مرکزی تهران و در محل گاو‌داری‌ها (ورامین) صراحتاً اذعان داشته است. ایضاً در خصوص شرکت ج. پ نیز که اعضای هیات مدیره آن خانمها الف، ز و س. ب بوده‌اند اقرار به امضای قراردادهای اخذ تسهیلات این شرکت توسط خود نموده است (بند ۳۱ گردشکار). وی علت امضای اوراق بجای شکات را به لحاظ تسریع در انجام امور اعلام کرده است (بند ۳۲). با این حال، در دفاع عنوان داشته است که از جانب شکات یا وکالت در انجام این امر داشته و یا آن که با اذن و اطلاع ایشان و در مواردی نیز با حضور خود آنان امضا کرده است (بند ۲۲). در جای دیگری با بیان اظهارات متناقضی به تعبیر خود میان امضات موثر و غیرموثر قایل به تمایز شده و اعلام کرده است امضات غیرموثر را بجای شکات انجام می‌داده و اسناد دارای بار مالی را خودشان امضا می‌کردند (بندهای ۳۸ و ۴۱). دفاعیات متهم فاقد وجهت قانونی و مردود می‌باشد چرا که اولاً بجز در مورد خانم ف. ر و شرکت الف. ر. ن به مدیرعاملی شاکی ردیف نوزدهم و کالتنامه‌ای از سایر شکات ارایه نکرده است. به علاوه، در فرایند اخذ تسهیلات به نام این دو شخص نیز سعی در شبیه‌سازی امضای آنان نموده و در اسناد مربوطه اشاره‌ای به اقدام خود به وکالت و امضای اوراق از طرف ایشان و درج امضای خود نداشته است. ثانیاً صرف‌نظر از این که جعل از طریق شبیه‌سازی امضای افراد ولو با اذن و اطلاع ایشان و یا در اوراق فاقد بار مالی خلاف قوانین بوده و تحت شرایطی جرم‌انگاری گردیده است وفق نظریات کارشناسی صدرالاشارة امضای شکات به کرات در اسناد و اوراق مربوط به دریافت تسهیلات بانکی و تضمینات و وثایق آنها که یقیناً دارای بار مالی می‌باشند جعل گردیده است. در برخی از نظرات کارشناسی صراحتاً اعلام گردیده که امضای شبیه‌سازی شده منتسب به ایشان توسط متهم انجام گرفته است و در سایر موارد به لحاظ سادگی بیش از حد امضا و فقدان وجه ممیزه بیان داشته‌اند که احراز این که از جانب چه کسی شبیه‌سازی صورت گرفته میسر نمی‌باشد که در موارد اخیر وجود زونکن دارای اتکیت امضاها و حاوی نمونه امضای شکات در دفتر مرکزی تهران و اظهارات آقایان س و م و اقرار بر خود متهم دلالت بر انجام امضاها را جعلی مزبور توسط آقای ی. ب دارد.

هشتم) در خصوص دو فقره پلاک ثبتی به شماره‌های ... و ... متعلق به شرکتهای ع. ش و الف. ر. ن که در قبال تسهیلات دریافتی این دو شرکت در رهن بانک ملی

شعبه ... بوده اند منتها متهم بدو اقدام به اخذ دو فقره سند دفترچه مالکیت المثنی بدون درج سابقه ترهین قبلی املاک مزبور نموده و سپس با جعل نامه شماره ۲۲۱۴۴ مورخ ۳۰/۳/۸۵ اداره ثبت اسناد و املاک ورامین راجع به پلاک اخیر، املاک یادشده را در قبال دریافت چهار فقره تسهیلات مجدداً در رهن بانکهای تجارت شعبه ... و ملت شعبه ... قرار داده است. شایان ذکر است که متهم تلویحاً اخذ اسناد مالکیت المثنی مزبور که حاوی جعل مفادی بوده اند ایضاً آرایه آنها به بانکهای اخیرالذکر و ترهین این املاک در قبال تسهیلات دریافتی (در مورد پلاک ثبتی ... تا سه نوبت) را پذیرفته است (بندهای ۲۸ (شقوق الف و ب) و ۴۱ گردشکار). متهم راجع به پلاک ثبتی شماره ... بخش ۲۸ گیلان متعلق به پ. ر نیز با جعل امضای فرد اخیر ملک وی را در قبال دریافت یک فقره تسهیلات فروش اقساطی مواد اولیه به تاریخ ۳/۶/۸۷ در رهن بانک تجارت شعبه ... قرار داده است (بند ۲۶ گردشکار).

نهم) حسب اظهارات مطلعین و ملاحظه دو فقره اجاره نامه عادی به تاریخهای ۲۵/۲/۹۰ و ۲/۵/۹۰ متهم به ترتیب با دریافت مبلغ ۴۵۰ و ۴۰۰ میلیون ریال از قرار اجاره بهای ماهیانه یک میلیون و پانصد هزار ریال و سه میلیون و پانصد هزار ریال منافع یک ساله طبقات دوم و سوم یک دستگاه واحد آپارتمانی به پلاک ثبتی شماره ... متعلق به شاکی ردیف نوزدهم (م. ش) را بدون اذن مالک به افراد غیر منتقل کرده و ملک را به تصرف آنها داده است. در همین راستا نیز یک فقره وکالتنامه رسمی به شماره ۱۲۹۵۸ مورخ ۲۴/۵/۹۰ به مستأجرین و مشاورین املاک آرایه نموده است که وفق نظریه کارشناسی امضای منتسب به شاکی در ذیل وکالتنامه مذکور جعلی و فاقد اصالت می باشد. متهم ضمن پذیرش ضمنی جعل امضای شاکی، در دفاع مدعی مالکیت مشاعی با شاکی در ملک مزبور شده است (بندهای ۲۸ (شق پ) و ۴۱ گردشکار). دفاعیات نامبرده در این بخش نیز مردود و فاقد وجاهت قانونی است. چه آن که اولاً دلیلی مبنی بر صحت و اثبات ادعای خویش اقامه ننموده و ثانیاً بر فرض صحت این ادعا نیز وفق مقررات قانون مدنی در باب عقد شرکت و اداره اموال مشاعی، تصرف مادی هر یک از شرکا در مال مشاعی منوط به اذن تمامی آنها است و تصرف حقوقی هر یک از ایشان نیز تنها در سهم مشاعی خود مجاز می باشد (مواد ۵۸۱ الی ۵۸۳ قانون مدنی). حال آن که در مانحن فیه مشارالیه منافع کل ملک یادشده را بدون اذن شاکی به مستأجرین منتقل کرده است.

علی هذا نظر به مراتب فوق و توجهاً به استفاده متهم از اوراق و اسناد مجعول و متقلبانه و مبادرت ایشان به اقدامات و وسایل متقلبانه صدرالاشاره در فرایند اخذ

۶۲ فقره تسهیلات بانکی و همچنین، دو فقره انتقال منافع مال غیر و جعل یک فقره سند رسمی و استفاده از آن اتهامات ایشان به شرح پیش گفت محرز و مسلم می‌باشد. علی‌هذا صرف نظر از اعلام گذشت احد از شکات (آقای م. ر) و رضایت مشروط برخی دیگر از شکات که به لحاظ عدم تحقق شرط فاقد اعتبار قانونی می‌باشند با رعایت رأی وحدت رویه شماره ۵۲ مورخ ۱/۱۱/۶۳ مبنی بر واجد جنبه عمومی و غیرقابل گذشت بودن بزه کلاهبرداری با اعلام این که از شکات مشروحه فوق مالی برده نشده و مالباختگان بزه ارتكابی متهم در خصوص اتهام ردیف نخست بانکهای عامل صدرالذکر می‌باشند و راجع به اتهام ردیف دوم نیز از ناحیه منتقل‌الیهما شکایتی واصل نشده است مستنداً به ماده ۱ قوانین تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و مجازات راجع به انتقال مال غیر و مواد ۵۳۳ و ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار جلب به دادرسی نامبرده صادر و اعلام می‌گردد. لازم به ذکر است که در خصوص اتهامات دیگر متهم یادشده دایر بر توهین و تهدید به قتل نسبت به شاکی ردیف نوزدهم (آقای م. ش) و معاونت در تخریب و تحریق عمدی خودروی مشارالیه (بند ۲۸ (شق چ) گردشکار) نظر به این که سابق بر این، شعبه محترم ۱۰۶۴ دادگاه کیفری دو تهران به موجب تصمیم شماره ۹۴-۹۴ مورخ ۱۹/۲/۹۴ با نقض قرار منع تعقیب این شعبه که در غیاب بازپرسی از ناحیه دادیار محترم وقت شعبه اول دادسرا اصدار یافته بود قرار جلب به دادرسی صادر گردیده است همچنین، راجع به اتهامات متهم دایر بر تحصیل مال از طریق نامشروع و استفاده از اسناد مجعول در فرایند اخذ تسهیلات بانکی موضوع شکایت تعدادی از شکات توجهاً به این که در این خصوص، رفتار واحد متهم دارای عناوین مجرمانه متعدد می‌باشد و اتهامات وی با رعایت ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ به شرح صدرالذکر با بزه کلاهبرداری از بانکهای تسهیلات دهنده تطبیق داده شد علی‌هذا بازپرسی با تکلیف دیگری در موارد پیش گفت مواجه نمی‌باشد.

۲- در خصوص اتهام آقای الف. س فرزند ب دایر بر معاونت در ۶۲ فقره کلاهبرداری از بانکهای: ۱- تجارت (شعب ... و ... و ...) ۲- ملت (شعب ... و ... و ...) ۳- ملی (شعبه ...) و ۴- پاسارگاد (شعبه ...) همگی واقع در تهران از طریق مساعدت و تسهیل در ارتكاب بزه از سوی متهم اصلی نظر به تحقیقات معموله، اظهارات آقای م. م، گزارش مرجع انتظامی در بازرسی از دفتر مرکزی مجموعه شرکتهای گروه ب و کشف امهار و زونکنی تحت عنوان نمونه امضاها از دفتر مذکور، نتیجه صورتجلسات مواجهه حضوری میان مباشر بزه

(آقای ی. ب) و متهم فوق و همچنین اقراریه مقرون به صحت مشارالیه و با عنایت به این که متهم کارمند بانک تجارت بوده که پس از اخراج از این بانک (ص ۱۰۸ از ج ۱) از سال ۱۳۸۰ به عنوان حسابدار و مدیر امور مالی نزد متهم اصلی مشغول به کار شده و از اظهارات فرد اخیر، آقایان م (حسابدار و مدیر مالی دیگر مجموعه) و د. ق (صندوقدار) مبنی بر تکمیل اسناد و مدارک مربوط به وامهای بانکی توسط متهم فوق (بند ۲۰ گردشکار و ص ۸۵۸ از ج ۶) ایضاً اقراریه مکرر وی چنین استنباط می شود که مشارالیه پس از برقراری ارتباط از سوی آقای ب با مدیران شعب بانکهای عامل که بعضاً رابط و معرف وی نیز خود متهم صدرالاشاره بوده است، به شعب بانکهای مورد نظر مراجعه و فرمهای افتتاح حساب، تعهدنامه و قرارداد تسهیلات را دریافت (که از جمله در برگ ۲۴۳۸ از جلد ۱۷ بدان متعرف می باشد) و پس از تکمیل و علامت گذاری محل امضای اشخاص، آنها را جهت درج امضای افراد ذی سمت در اختیار متهم اصلی قرار می داد و به همین منظور نیز جهت سهولت جعل امضای شکات در مراتب بعدی، با تهیه رونوشت از اوراق هویتی این افراد و اسناد و مدارک بانکی، زونکنی تحت عنوان نمونه امضاها تهیه کرده و در زمان جعل امضا از سوی متهم اصلی از سوابق یادشده نمونه امضای فرد مورد نظر و اوراق مربوطه را در اختیار وی قرار می داد و سپس با علم و اطلاع از جعل امضای این افراد، اوراق و اسناد مجعول را به بانک مورد نظر به منظور اخذ تسهیلات مورد تقاضا عودت می کرده و جزییات اقدامات وی در بندهای ۵ (شق ح)، ۲۰، ۲۱، ۲۲ و ۲۹ گردشکار این تصمیم تشریح گردیده است علیهذا توجهاً به مراتب فوق بزهدکاری مشارالیه محرز و مسلم می باشد و مستنداً به ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار جلب به دادرسی نامبرده صادر و اعلام می گردد. شایان ذکر است که متهم مزبور در راستای ماده ۱۹۵ قانون مارالذکر در جریان تحقیقات مقدماتی با رعایت صداقت، اقرار و همکاری موثری جهت کشف حقیقت معمول داشته است.

(ب) قرار منع تعقیب

۱- در خصوص شکایت خانمها و آقایان: ۱- ط. ش علیه آقای ی. ب دایر بر تهدید، توهین و مزاحمت ۲ و ۳- ک. پ و ح. ب علیه آقایان ی. ب و م. ح دایر بر مشارکت در کلاهبرداری از طریق انتقال اموال شرکت الف. د. تالش، استفاده از اموال شرکت به سود خود و تحصیل مال از طریق نامشروع ۴- م. ش علیه آقای ی. ب و ر. ر دایر بر مشارکت در کلاهبرداری از طریق انتقال سهام وی و اموال شرکت الف. د. تالش و استفاده از اموال شرکت به سود خود و شکایت دیگر شاکی اخیر علیه آقای ی. ب دایر بر خیانت

در امانت نسبت به طبقه اول یک دستگاه آپارتمان به پلاک ثبتی ... واقع در تهران ۵- م. ح علیه آقای ی. ب دایر بر کلاهبرداری از طریق انتقال مال غیر (ملک واقع در مینی‌سیتی تهران) ۶ و ۷- ع. م و و. ز علیه آقای ی. ب دایر بر کلاهبرداری صرف نظر از اظهارات شاکی ردیف چهارم مبنی بر عودت اموال متنازع‌فیه و اعلام انصراف از شکایت خود نسبت به آقای ر. ر. ر. ایضاً در خصوص اتهام خانم ن. ب و آقای الف. ب هر دو فرزند ی و خانم ز. ر فرزند م دایر بر معاونت در کلاهبرداری و تحصیل مال از طریق نامشروع به لحاظ عدم کفایت ادله مبنی بر وقوع و انتساب بزه‌های معنونه به مشتکی عنهم مستنداً به حاکمیت اصل براءت، ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی و مواد ۴ و ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار منع تعقیب صادر و اعلام می‌نماید. این قرار بر فرض تأیید وفق بند (الف) ماده ۲۷۰ قانون اخیرالذکر از ناحیه شکات خصوصی ظرف ده روز پس از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض نزد محاکم کیفری دو تهران می‌باشد.

۲- در خصوص اتهام آقای ی. ب فرزند ص دایر بر ۱۶ فقره کلاهبرداری از بانکهای: ۱- سپه (شعبه ...) ۲- سرمایه شعبه ... تهران ۳- ملت (شعب تالش و ... ورامین) نسبت به تسهیلات اخذشده به نام شرکتهای ع. ش، ر. پ، ج. گ، س و الف. د. تالش و تسهیلات اخذشده از بانک پاسارگاد شعبه ... تهران به نام شرکت ک. س. تالش و تسهیلات مشارکت مدنی تولیدی تاریخهای ۲۰/۳/۸۶، ۱۷/۶/۸۶، ۱۷/۶/۸۶، ۱۲/۴/۸۶، ۳۰/۷/۸۶، ۴/۲/۸۷ و ۳۰/۷/۸۶ که از شعبه اخیرالذکر دریافت و متعاقباً تسویه گردیده‌اند ایضاً تسهیلات فروش اقساطی مواد اولیه دریافت شده از بانک تجارت شعبه ... تهران به نام شرکت ز. ب به لحاظ عدم کفایت ادله مبنی بر وقوع و انتساب بزه معنونه به متهم مستنداً به حاکمیت اصل براءت، ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی و مواد ۴ و ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار منع تعقیب صادر و اعلام می‌نماید. این قرار بر فرض تأیید وفق بند (الف) ماده ۲۷۰ قانون اخیرالذکر از ناحیه شکات خصوصی ظرف ده روز پس از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض نزد محاکم کیفری دو تهران می‌باشد.

۳- در خصوص اتهام دیگر آقای ی. ب فرزند ص دایر بر رشاء به مبلغ ده میلیارد ریال و مدیران و معاونین وقت بانکهای: ۱- تجارت (شعب ... و ...) ۲- ملت (شعب ... و ...) ۳- ملی (شعبه ...) و ۴- پاسارگاد (شعبه ...) همگی واقع در تهران دایر بر ارتشاء به مبلغ فوق و شکایت خانمها و آقایان ۱- د. ق ۲- م. ف ۳- ف. ر ۴- پ. ف ۵- ج. ح ۶- الف. ح و ۷- م. ر علیه مدیران و معاونین وقت بانکهای یادشده و رئیس وقت اداره ث شهرستان ورامین دایر بر معاونت در کلاهبرداری و تحصیل مال از طریق نامشروع و شکایت ۸- آقای

م. ش علیه مشتکی عنهم ردیف دوم (شعبه ...) و رئیس و معاون اداره املاک وقت اداره ث شهرستان ورامین و آقای ح. ر سردفتر وقت دفترخانه شماره ... تهران دایر بر کلاهبرداری، تحصیل مال از طریق نامشروع و گزارش خلاف واقع به لحاظ عدم کفایت ادله مبنی بر وقوع و انتساب بزه‌های معنونه به ایشان مستنداً به حاکمیت اصل برائت، ماده ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی و مواد ۴ و ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار منع تعقیب صادر و اعلام می‌نماید. این قرار بر فرض تأیید وفق بند (الف) ماده ۲۷۰ قانون اخیرالذکر از ناحیه شکات خصوصی ظرف ده روز پس از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض نزد محاکم کیفری دو تهران می‌باشد.

پ) قرار موقوفی تعقیب

در خصوص شکایت خانمها و آقایان: ۱- د. ق ۲- م. ف ۳- ف. ر ۴- پ. ف ۵- ج. ح ۶- الف. ح ۷- ف. ت ۸- م. ر ۹- الف. س ۱۰- م. م ۱۱- ح. ح ۱۲- ج. ب ۱۳- ع. ز ۱۴- ق. ب ۱۵- الف. ب ۱۶- س. ب ۱۷- ز. ب ۱۸- م. ح ۱۹- م. ش ۲۰- پ. ر ۲۱- ک. پ ۲۲- س. م همگی علیه آقای ی. ب فرزند ص دایر بر جعل امضای نامبردگان در اوراق و اسناد عادی مربوط به ثبت شرکتهای صدرالاشاره و صورتجلسات هیات مدیره و مجامع عمومی آنها بویژه در شرکتهای الف. د. تالش و ع. س و اوراق و اسناد راجع به ۷۸ فقره تسهیلات ماخوذه به نام این شرکتهای در بانکهای عامل (بشرح پیوست شماره ۱ این تصمیم) اعم از فرمهای افتتاح حساب، تعهدنامه و قرارداد، پیش فاکتورها و تضمینات مربوطه (سفته) و همچنین، شکایت شاکی ردیف نوزدهم علیه متهم فوق دایر بر جعل نامه‌های شماره ۲۳۲۹۲ مورخ ۹/۱۲/۸۵ و ۲۲۱۴۴ مورخ ۳۰/۳/۸۵ اداره ث ورامین و شکایت ایشان به همراه شاکی ردیف هجدهم علیه رئیس و کارمندان وقت اداره مزبور دایر بر جعل مفادی از طریق صدور دو فقره سند مالکیت المثنی راجع به پلاکهای ثبتی ... و ... فرعی از ... اصلی بخش ... ورامین بدون درج سابقه ترهین قبلی آنها و اتهام آقای الف. س دایر بر معاونت در جعل اوراق و اسناد مربوط به تسهیلات بانکی ماخوذه و استفاده از اوراق مجعول مذکور و شکایت خانمها و آقایان ۱- د. ق ۲- م. ف ۳- ف. ر ۴- پ. ف ۵- ج. ح ۶- الف. ح و ۷- م. ر علیه مدیران و معاونین وقت بانکهای: ۱- تجارت (شعبه ...، ... و ...) ۲- ملت (شعبه ...، ... و ...) ۳- ملی (شعبه ...) ۴- پاسارگاد (شعبه ...) همگی واقع در تهران و ۵- رییس وقت اداره ث شهرستان ورامین ایضاً اتهام خانم ن. ب و آقای الف. ب هر دو فرزند ی و خانم ز. ر فرزند م دایر بر معاونت در جعل اسناد و اوراق صدرالذکر با رعایت رای وحدت رویه شماره ۶۲۴ مورخ ۱۸/۱/۷۷ هیات عمومی دیوان عالی کشور مبنی بر وجود رابطه تعدد مادی میان بزه جعل از یک سو و بزه‌های استفاده از سند مجعول و

کلاهبرداری از سوی دیگر، صرف نظر از صحت و سقم موضوع شکواییه های واصله نظر به این که حسب تحقیقات معموله بزه های معنونه بر فرض اثبات حداقل سالهای ۱۳۸۴ الی اواخر ۱۳۸۷ و در زمان حاکمیت قوانین سابق آیین دادرسی ... کیفری (مصوب ۷۸) و مجازات اسلامی (مصوب ۷۰) به وقوع پیوسته اند توجهاً به این که بزه جعل حسب تعاریف مندرج در مواد ۱۳ الی ۱۷ قانون اخیرالذکر در زمره جرایم بازدارنده محسوب می گردید و نظریه مشورتی شماره ۷/۲۱۴۰ مورخ ۲۵/۱۰/۱۳۹۱ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نیز موید همین امر است مستنداً به ماده ۱۷۳ (بند ب) از قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۷۸ ناظر بر مواد ۵۳۳ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) با رعایت نظریه شماره ۷/۹۲/۹۲۶ - مورخ ۲۲/۵/۹۲ اداره کل حقوقی قوه قضاییه نظر به ایجاد حق مکتسبه برای متهمین به لحاظ شمول مرور زمان و همچنین، در خصوص شکایت آقای ک. پ و خانم ح. ب علیه آقای ص. ب فرزند م دایر بر مشارکت در کلاهبرداری از طریق انتقال اموال شرکت الف. د. تالش، استفاده از اموال شرکت به سود خود و تحصیل مال از طریق نامشروع توجهاً به فوت مشتکی عنه اخیر صرف نظر از صحت و سقم موضوع مستنداً به بند (الف) ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام می گردد. این قرار بر فرض تأیید وفق بند (الف) ماده ۲۷۰ قانون اخیرالذکر از ناحیه شکات خصوصی ظرف ده روز پس از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض نزد محاکم کیفری دو تهران می باشد. شایان ذکر است که در خصوص شکایت دیگر آقای م. ش علیه آقایان ع و ر. ر دایر بر تخریب و تحریق عمدی خودرو خود و تهدید و توهین موضوع قرار جلب به دادرسی صادره از ناحیه شعبه محترم ۱۰۶۴ دادگاه کیفری دو تهران تحت شماره ۹-۹۴ مورخ ۱۹/۲/۹۴ نظر به اعلام گذشت منجز و بی قید و شرط شاکی نسبت به مشتکی عنهما و با عنایت به این که بزه های موصوف مستنداً به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در زمره جرایم قابل گذشت می باشند علیهذا توجهاً به بند (ب) ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری بازپرسی در این خصوص مواجهه با تکلیف دیگری نمی باشد و تصمیم مقتضی از ناحیه دادگاه محترم اتخاذ خواهد شد.

مقرر است دفتر پرونده به نظر سرپرست محترم دادسرا برسد و در صورت تأیید وفق مقررات اقدام و قرارهای منع و موقوفی تعقیب به طرفین ابلاغ گردد.

بهنام غفاری

بازپرس شعبه دوم دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۲ (اقتصادی) تهران

نسبت به شکایات مطروحه علیه اداره ت شهرستان ورامین و الف. ب و بانک تجارت و بانک ملت و بانک ملی و دفترخانه اسناد رسمی شماره ... به مدیریت سردفتر ح. ر و ر. و ز. و الف. س و م. ح و ص. ب و ع. ر و مدیران و معاونین بانک پاسارگاد شعبه ... و ن. ب و ی. ب مبنی بر تخریب یا ضایع کردن وسائل نقلیه راه آهن و جعل و صدور گزارش خلاف واقع و کلاهبرداری طی شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۳۰۳۰۰۱۳۹ مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۰۸ حکم محکومیت صادر شد.

رأی شعبه ۱۰۶۴ دادگاه کیفری دو

پرونده کلاسه ۸۹۰۹۹۸۲۱۲۶۲۰۰۰۲۵ شعبه ۱۰۶۴ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی امور اقتصادی تهران (۱۰۶۴ جزایی سابق)
تصمیم نهایی شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۳۰۳۰۰۱۳۹

۱. خانم ن. ب فرزند ی متهم، به نشانی تهران
۲. آقای الف. ب فرزند ی متهم، به نشانی تهران
۳. آقای ع. ر متهم، به نشانی تهران
۴. خانم ز. ر فرزند م متهم، به نشانی تهران
۵. مدیران و معاونین بانک پاسارگاد شعبه ... متهم، به نشانی طالقانی
۶. آقای الف. س فرزند ب شاکي و متهم، با وکالت آقای م. ب فرزند ف به نشانی میدان فردوسی و با کفالت خانم م. س فرزند الف به نشانی تهران و با وکالت آقای م. الف فرزند م به نشانی تهران
۷. بانک تجارت متهم، با نمایندگی آقای نماینده حقوقی به نشانی تهران
۸. آقای ی. ب فرزند ص متهم، با وکالت آقای الف. ح فرزند ق به نشانی تهران و با وکالت آقای ف. س فرزند ش به نشانی میدان هفت تیر
۹. دفترخانه اسناد رسمی شماره ... به مدیریت سردفتر ح. ر متهم، به نشانی تهران
۱۰. آقای ص. ب فرزند م متهم، به نشانی ورامین
۱۱. آقای ر. ر متهم، به نشانی تهران
۱۲. بانک ملی متهم، به نشانی میدان امام حسین(ع)
۱۳. بانک ملت متهم، با وکالت آقای ح. ح فرزند م به نشانی دولت آباد
۱۴. آقای م. ح فرزند ع شاکي و متهم، با وکالت آقای م. الف فرزند س به نشانی بندر انزلی
۱۵. اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ورامین متهم، به نشانی ورامین

۱۶. خانم ح. ب فرزند ی شاک، با وکالت آقای م. ب فرزند ف به نشانی میدان فردوسی و با وکالت آقای م. الف فرزند م به نشانی تهران
۱۷. خانم ط. ش فرزند م شاک، به نشانی ورامین
۱۸. آقای م. ش فرزند م شاک، با وکالت آقای م. ب فرزند ف به نشانی میدان فردوسی و با وکالت آقای م. الف فرزند س به نشانی بندر انزلی. و با وکالت آقای م. الف فرزند م به نشانی تهران
۱۹. آقای م. ف فرزند ت شاک، به نشانی ورامین
۲۰. آقای ج. ح فرزند م شاک، به نشانی ورامین
۲۱. خانم ف. ر فرزند ی شاک، با وکالت آقای ح. ت فرزند ع به نشانی قزوین
۲۲. آقای الف. ح فرزند م شاک، به نشانی ورامین
۲۳. آقای د. ق فرزند ح شاک، به نشانی ورامین
۲۴. آقای م. ر فرزند ح شاک، به نشانی ورامین
۲۵. خانم پ. ف فرزند ت شاک، با وکالت آقای ح. ت فرزند ع به نشانی قزوین
۲۶. خانم ف. ت فرزند ح شاک، به نشانی ورامین
۲۷. آقای ق. ب فرزند ص شاک، به نشانی ورامین
۲۸. خانم الف. ب فرزند م شاک، به نشانی ورامین
۲۹. آقای ح. ح فرزند ع شاک، به نشانی ورامین
۳۰. خانم س. ب فرزند ق شاک، به نشانی ورامین
۳۱. آقای ع. ز فرزند س شاک، به نشانی ورامین
۳۲. خانم ز. ب فرزند ق شاک، به نشانی ورامین
۳۳. آقای م. م فرزند الف شاک، با وکالت آقای م. ب فرزند ف به نشانی میدان فردوسی و با وکالت آقای م. الف فرزند م به نشانی تهران میدان فردوسی
- اتهام‌ها:
۱. توهین و تهدید به مرگ
 ۲. اخذ تسهیلات بانکی
 ۳. معاونت در ۶۲ فقره کلاهبرداری از طریق مساعدت و تسهیل در ارتکاب بزه
 ۴. کلاهبرداری
 ۵. معاونت در کلاهبرداری
 ۶. تحصیل مال از طریق نامشروع

۷. استفاده از اسناد مجعول
 ۸. جعل اسناد رسمی و عادی
 ۹. معاونت در تخریب و تحریق عمدی خودرو
 ۱۰. کلاهبرداری از طریق اخذ تسهیلات بانکی با ارائه اسناد مجعول و انتقال مال غیر
 ۱۱. کلاهبرداری از طریق انتقال مال غیر
 ۱۲. جعل
 ۱۳. تهدید و توهین و مزاحمت
 ۱۴. گزارش خلاف واقع
 ۱۵. ۱۶ فقره کلاهبرداری
 ۱۶. جعل امضا
 ۱۷. مشارکت در کلاهبرداری
 ۱۸. ارتشاء
 ۱۹. استفاده از اوراق مجعول
 ۲۰. خیانت در امانت نسبت به یک طبقه آپارتمان
 ۲۱. کلاهبرداری
 ۲۲. استفاده از اموال شرکت به سود خود
- پرونده کلاسه ۸۹۰۹۹۸۲۱۲۶۲۰۰۰۲۵ شعبه ۱۰۶۴ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی امور اقتصادی تهران (۱۰۶۴ جزایی سابق)
- تصمیم نهایی شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۳۰۳۰۰۱۳۹
- شکات: آقایان و خانمها: ۱- د. ق ۲- م. ف ۳- ف. ر ۴- پ. ف ۵- ج. ح ۶- الف. ح ۷- ف. ت ۸- م. ر ۹- الف. س ۱۰- م. م ۱۱- ح. ح ۱۲- ح. ب ۱۳- ع. ز ۱۴- ق. ب ۱۵- الف. ب ۱۶- س. ب ۱۷- ز. ب ۱۸- م. ح ۱۹- م. ش و ۲۰- پ. ر با وکالت آقایان ح. ت برای ردیفهای ۴، ۳ و ۸ و آقایان م. ب و م. الف برای ردیفهای ۲ و ۶ و ۵ و ۱۸ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۹
- متهمان: آقای ی. ب فرزند ص و الف. س فرزند ب
- اتهامها:
۱. جعل در اسناد عادی و استفاده از آن
 ۲. جعل در اسناد رسمی و استفاده از آن
 ۳. کلاهبرداری از طریق انتقال منافع مال غیر

«رأی دادگاه»

در خصوص اتهام: ۱- آقای ی. ب، نام پدر ص، ۴۸ ساله، شماره ملی ...، شغل کشاورز و دامدار، باسواد، اهل و مقیم ورامین، شیعه، ایرانی، فاقد سابقه محکومیت کیفری، معیل، بازداشت به لحاظ عجز از تودیع وثیقه در بازه زمانی ۹۱/۱/۲۹ تا ۹۱/۷/۳۰ و پیرو تشدید قرار تأمین وثیقه از تاریخ ۹۶/۱۱/۳ تاکنون؛ با وکالت آقایان الف. خ و م. س دائر بر:

الف - مشارکت در ۶۲ فقره (قدرمتمیقن) جعل عادی و مباشرت در استفاده از اسناد مجعول موصوف

ب - ۲ فقره کلاهبرداری از طریق انتقال منافع مال غیر نسبت به سه دانگ؛ موضوع دو فقره اجاره نامه عادی به تاریخ‌های ۹۰/۲/۲۵ و ۹۰/۵/۲ به ترتیب با دریافت مبالغ ۴۵۰ ۰۰۰ ۰۰۰ و ۴۰۰ ۰۰۰ ۰۰۰ ریال از قرار اجاره بهای ماهیانه ۱ ۵۰۰ ۰۰۰ ریال و ۳ ۵۰۰ ۰۰۰ ریال منافع یک ساله طبقات دوم و سوم یک دستگاه آپارتمان به پلاک ثبتی شماره ... متعلق به آقای م. ش (از طریق جعل وکالت نامه رسمی و استفاده از سند مجعول)؛

ج - یک فقره جعل در اسناد رسمی موضوع وکالتنامه رسمی به شماره و تاریخ ۱۲۹۵۸-۹۰/۵/۲۴ که از حیث استفاده دارای تعدد معنوی با بزه بند ب می‌باشد؛ در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۷۶ در حوزه قضایی تهران

۲- آقای الف. س، نام پدر ب، متولد ۱۳۲۸، شماره ملی ...، بازنشسته، تحصیلات دیپلم، ایرانی، فاقد سابقه محکومیت کیفری، معیل و دارای ۵ فرزند، مسلمان، شیعه، به نشانی تهران، آزاد به قید کفالت، با وکالت آقایان م. ب و م. الف متهم است به: مشارکت در ۶۲ فقره جعل در اسناد عادی با متهم ردیف یک در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۷۶ حوزه قضایی تهران

موضوع شکایات آقایان و خانم‌ها به اسامی: ۱- د. ق ۲- م. ف ۳- ف. ر ۴- پ. ف ۵- ج. ح ۶- الف. ح ۷- ف. ت ۸- م. ر ۹- الف. س ۱۰- م. م ۱۱- ح. ح ۱۲- ح. ب ۱۳- ع. ز ۱۴- ق. ب ۱۵- الف. ب ۱۶- س. ب ۱۷- ز. ب ۱۸- م. ح ۱۹- م. ش و ۲۰- پ. ر با وکالت آقایان ح. ت برای ردیف‌های ۸، ۳ و ۴ و آقایان م. ب و م. الف برای ردیف‌های ۶، ۵، ۱۸، ۱۰، ۱۲، ۱۹ و ۲، دادگاه با عنایت به مدارک و مستندات آتی مبادرت به صدور احکام مقتضی می‌نماید.

الف - گردشکار

در پرونده حاضر نماینده وقت حفاظت و اطلاعات دادگستری استان تهران در مجتمع قضایی امور اقتصادی، طی مکاتبه شماره ۸۹/ج/۱۴-۸۹/۶/۲۱ خطاب به سرپرست وقت این دادسرا اعلام نموده‌اند: حسب گزارشات مردمی شخصی به نام ی. ب فرزند ص با ترفند و عملیات متقلبانه اقدام به ثبت شرکت‌هایی با مسؤولیت محدود یا خاص در تهران و ورامین نموده و توانسته عده زیادی از کارمندان خود را به عنوان مدیرعامل یا اعضای هیأت مدیره معرفی نماید. در صورتی که خود آنها از موضوع بی‌اطلاع می‌باشند و تمامی امضاهای آنها در برگه‌های شرکت توسط نام‌برده جعل شده و به این شکل وام‌های کلانی را به نام آنها دریافت نموده و سررسید اقساط آنها فرا رسیده است. ... زمانی که (آنها) مطلع شده‌اند که آقای ب به نام آنها وام گرفته است، موضوع را با آقای ب در میان گذاشته و این باعث تهدید آنها از سوی نام‌برده شده است. (ج ۱، ص ۳) متعاقباً از سوی مقام قضایی دادسرا موضوع جهت بررسی به مرکز عملیات ویژه پلیس آگاهی ناجا ارجاع گردید.

بر اساس گزارش این مرکز به شماره و تاریخ ۴۰۵۳۳۴-۹۰/۳/۳۱، بدهی تسهیلاتی آقای ی. ب بالغ بر ۶۰۰ میلیارد ریال بوده است. این در حالی است که در تحقیقات میدانی و نیز بازدیدهای نامحسوس صورت گرفته از محل‌های معرفی شده جهت اجرای طرح‌ها، ارزش کل املاک، دارایی‌ها و مستقالات متهم مزبور کمتر از یک چهارم میزان بدهی وی می‌باشد که نشانگر تبانی گسترده صورت گرفته در ارزیابی‌های به عمل آمده می‌باشد.

در این گزارش آمده است: ... چنین به نظر می‌رسد که نام‌برده با سوء استفاده از مدارک هویتی تعدادی از کارگران زیرمجموعه خود (تا لحظه گزارش ۳۹ نفر) و تبانی با تعدادی از کارکنان سیستم بانکی با هویت‌های معلوم، پس از ثبت شرکت‌های مذکور و جعل برخی از اسناد و مدارک لازم جهت اخذ تسهیلات با همکاری تعدادی از پرسنل مورد اعتماد خود (از جمله متهم ردیف ۲) در محل دفتر مرکزی شرکت اقدام به سند سازی نموده، با اعمال نفوذی که در شعب پرداخت کننده تسهیلات بانک تجارت (شعب ...، ...، ...)، بانک ملی ایران (شعبه ...)، بانک پاسارگاد (شعبه ...)، بانک سپه (شعبه ...) داشته‌اند، اقدام به اخذ تسهیلات با استفاده از سند مجعول نموده‌اند. اخبار واصله حاکی است متهم مذکور مشابه سوء جریانات فوق را در شهرستان تالش نیز انجام داده است. (ج ۱، صص ۶۳-۶۲)

متعاقباً مبادرت به استعلام از شبکه بانکی گردید؛ بانک‌های پاسارگاد، ملت، ملی، تجارت به صورت جداگانه سوابق تسهیلات دریافتی شرکت‌های احصایی را اعلام نموده‌اند.

همچنین شکات متعاقباً مبادرت به طرح دعوی نمودند. با تکمیل پرونده و صدور کیفرخواست پرونده جهت رسیدگی به شعبه ۱۰۶۴ کیفری ۲ تهران محول گردید.

ب - شرح مدعیات شکات:

۱- د. ق

وی کارمند متهم ردیف ۱ (حسابدار شرکت ع. ش) بوده است بدین شرح مورد سوء استفاده قرار گرفته است:

- جعل هویت و امضا وی و قرار دادن نام او در زمره اعضا هیأت مدیره شرکت خوراک دام و طیور ع و شرکت الف. د. تالش

- جعل امضا روی یک فقره چک، چندین فقره سفته و سایر مدارک اخذ وام

- استفاده از اسناد مجعول مذکور برای اخذ وام از بانک پاسارگاد شعبه ... تهران

به ارزش ۳/۳۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

- جعل امضا در سند عادی واگذاری سهام توسط وی به آقای ک. پ و خروج از

شرکت الف. د. تالش

۲- م. ف؛ ۳- پ. ف؛ ۴- ف. ر (ر)

- جعل در اسناد تأسیس شرکت‌های ع و ن و معرفی شاکی ردیف ۲ به عنوان مدیر

و جعل در اسناد تأسیس شرکت الف. د. تالش و ک

- جعل و استفاده از سند مجعول در اسناد اخذ وام از جمله مهر شرکت ز و جعل

امضای نامبردگان در اخذ وام به مبلغ ۱ میلیارد و ۹۶۲ هزار ریال در بانک تجارت شعبه ... و مبلغ ۳ میلیارد ریال از بانک پاسارگاد.

۵- الف. ح ۶- ج. ح ۷- م. ح ۸- ف. ت

- جعل مدارک و امضات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک پاسارگاد

شعبه ... مبلغ ۳/۳۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

- جعل مدارک و امضات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک پاسارگاد

شعبه ... بابت شرکت م مبلغ ۳/۳۳۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال در خصوص ردیف ۷

- جعل مدارک و امضات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک ملی شعبه ...

بابت شرکت م به مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال در خصوص ردیف ۷

- جعل مدارک و امضات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک تجارت شعبه

... بابت شرکت ر به مبالغ متفاوت در سه مرحله در خصوص ردیف ۷

- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک تجارت شعبه ... بابت شرکت م به مبالغ متفاوت در دو مرحله در خصوص ردیف ۷
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک ملت شعبه ... بابت شرکت م به مبالغ متفاوت در دو مرحله در خصوص ردیف ۷
- ۹- شاکی: م. ر فرزند ح (منتهی به رضایت)
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک پاسارگاد شعبه ... مبلغ ۳/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- ۱۰- الف. س
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک پاسارگاد شعبه ... بابت شرکت م مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک پاسارگاد شعبه ... بابت شرکت و مبلغ ۳/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک ملت شعبه ... بابت شرکت و مبلغ ۸/۳۵۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک تجارت شعبه ... بابت شرکت م به مبالغ متفاوت در سه مرحله
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک تجارت شعبه ... بابت شرکت و مبلغ ۱۰/۹۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- ۱۱- آقای م. ش
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک پاسارگاد شعبه ... بابت شرکت م مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک پاسارگاد شعبه ... بابت شرکت م مبلغ ۳/۳۳۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک ملی شعبه ... بابت شرکت م به مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک ملی شعبه ... بابت شرکت پ به مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک تجارت شعبه ... بابت شرکت م به مبالغ متفاوت در سه مرحله

- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک تجارت شعبه ... بابت شرکت م به مبالغ متفاوت در دو مرحله
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک ملت شعبه ... بابت شرکت و به مبالغ متفاوت در دو مرحله
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک ملت شعبه ... بابت شرکت م به مبالغ متفاوت در دو مرحله
- ۱۲- خانم ح. ب
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک پاسارگاد شعبه ... مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک پاسارگاد شعبه ... بابت شرکت و مبلغ ۳/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک ملت شعبه ... بابت شرکت و مبلغ ۸/۳۵۹/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک تجارت شعبه ... بابت شرکت ر به مبالغ متفاوت در سه مرحله
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک تجارت شعبه ... بابت شرکت و مبلغ ۱۰/۹۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- ۱۳- آقای م. م
- جعل مدارک و امضائات و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک پاسارگاد شعبه ... بابت شرکت و مبلغ ۳/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- ۱۴- پ. ر فرزند ی
- جعل امضا و استفاده از آن در خصوص اخذ وام از بانک تجارت شعبه ... به مبلغ ۷ میلیارد ریال
- ۱۵- آقای ح. ح
- جعل امضا منتهی به ثبت غیر قانونی شرکت ع و درج هویت وی به نام مدیرعامل
- جعل اسناد و مدارک بانکی از جمله یک فقره چک و اخذ مبلغ سه میلیارد ریال تسهیلات بانکی از بانک پاسارگاد
- ۱۶- ع. ز ۱۷- ق. ب ۱۸- الف. ب ۱۹- س. ب ۲۰- ز. ب
- جعل اسناد و مدارک بانکی از جمله سفته منتهی به اخذ مبلغ سه میلیارد ریال

تسهیلات بانکی از بانک پاسارگاد شعبه ... و بانک تجارت شعبه ...

ج - مدارک و مستندات

- ۱- کیفرخواست شعبه ۲ بازپرسی دادسرای ناحیه ۲۲ تهران متعاقب تحقیقات جامع
- ۲- تحقیقات پایگاه ۲۸ پلیس آگاهی تهران بزرگ
- ۳- نظریات کارشناسی رسمی دادگستری در خصوص فقرات متعدد جعل از جمله به شرح:
 - در خصوص د. ق
 - حسب نظریه مورخ ۸۹/۹/۲۷ کارشناسی در رشته تشخیص اصالت خط و امضا: کلیه امضات و خطوط مورد ادعای انتسابی به آقای د. ق در صفحات مشخص شده در پرونده‌های ثبتی شماره ۱۶۴۱۴۶۲ در مقایسه با نمونه امضات و خطوط استکتایی و مسلم‌الصدور نامبرده ... دارای اختلافات اساسی بوده، با یکدیگر مطابقت ندارد؛ ...
 - همچنین وفق نظریه هیأت سه نفره کارشناسی:
 - ۱- امضات منتسب به آقای د. ق در صورتجلسه مورخ ۸۶/۱۱/۶ (برگ ۸۴)، صورتجلسه ۸۶/۱۱/۶ (برگ ۸۳)، صورتجلسه مورخ ۸۶/۱۱/۴ (برگ ۸۲) و دو برگ لیست سهامداران حاضر در مجمع عمومی (برگ ۸۰ و ۸۱) مربوط به شرکت خوراک دام و طیور ع به شماره ثبت ... با امضات استکتایی و متعارفی نامبرده ... دارای اختلافات اساسی بوده، مطابقت ندارند. (منفی) ...
 - نظریه هیأت سه نفره کارشناسی در مقام اظهار نظر بدوی و ثانویه (تکمیلی):
 - امضات منتسب به آقای د. ق در برگ ۷۷ پرونده دام و طیور ع و برگ دوم تعهدنامه مورخ ۸۷/۷/۱۸ شرکت‌ها در بانک پاسارگاد - شعبه ... - و برگ صورت ریز سفته‌ها با امضات استکتایی نامبرده مطابقت ندارد.
 - در خصوص الف. ح. ج. ح. م. ح. ف. ت
 - نظریه هیأت سه نفره کارشناسی در مقام اظهار نظر بدوی و ثانویه (تکمیلی):
 - هیچ کدام از امضات مندرج در پرونده ثبت شرکت تعاونی الف. د. تالش و پرونده شرکت خوراک دام و طیور ع و اسناد و سفته‌های مربوط به بانک‌های ذکر شده در نظریه با امضات آقایان الف و ج. ح فرزندان م و خانم‌ها ف. ت و س. م مطابقت ندارند. (منفی)
 - در خصوص م. ر
 - بر اساس نظریه هیأت سه نفره کارشناسی در مقام اظهار نظر بدوی و ثانویه (تکمیلی):
 - امضات منتسب به آقای م. ر در اوراق بانک پاسارگاد - شعبه ... و اصول سه برگ

فاکتور فروش و اصول اوراق ۸۴ و ۸۱ و ۸۰ مربوط به پرونده دام و طیور با امضائات استکتابی نامبرده مطابقت ندارد.

- در خصوص م. ش

بر اساس نظریه کارشناسی شماره ۹۱۰۸۸۶ مورخ ۹۱/۱۱/۲۰:

شش فقره امضای منتسب به آقای م. ش مندرج در اسناد عادی مورد ادعای مربوط به شرکت تعاونی الف. د. تالش، در مقایسه با امضائات استکتابی و مسلم الصدور ایشان در سند مالکیت ... دارای اختلاف بوده و مطابقت ندارد.

- در خصوص آقای ح. ح

- نظریه کارشناس رسمی دادگستری در رشته تشخیص اصالت خط، امضا و اثر انگشت به شماره و تاریخ ۸۹۰۰۲۶-۸۹،۹،۲۳؛ موضوع یک فقره چک به شماره و تاریخ ... - ۸۸/۶/۲۴ عهده بانک پاسارگاد - جاری ... به نام شرکت خوراک دام و طیور ع منتسب به امضائات آقای ح. ح در متن و ظهر چک که حکایت از عدم مطابقت امضائات مزبور با خطوط و امضائات استکتابی آقای ح. ح دارد. (۱۹، ۲۷۷۹)

- در خصوص خانم ف. ر نظر کارشناسی حاکی است: در برگ صفحه دوم تعهدنامه شرکتها در بانک پاسارگاد شعبه ... مورخ ۸/۵/۸۷ با برگ شماری ۴۴۴ در ظهر تصویر مدرک فوق در پرونده بازپرسی و اصول اوراق با برگ شماری به شماره‌های ۳۵۸-۳۶۷-۳۶۹-۳۷۳-۳۹۱-۳۹۳ و ۴۰۷ در پرونده ثبتی شرکت تعاونی الف. د. تالش دارای اختلافات اساسی با امضائات استکتابی خانم ف. ر مشاهده می‌شود و با یکدیگر مطابقت ندارند (منفی).

- در خصوص خانم پ. ف نظر کارشناسی حاکی است در ذیل یک برگ تعهدنامه شرکت کشت و صنعت ز مربوط به بانک پاسارگاد و ظهر سفته‌های مربوطه که کپی آنها پیوست است با امضائات نامبرده دارای اختلافات اساسی و فنی بوده و توسط نامبرده صادر نگردیده است [۱]. (منفی)

۴- شرکت‌های مزبور همگروه، دارای ذی‌نفع واحد و به‌جز چند مورد، مابقی صوری و فاقد فعالیت واقعی تولیدی و تجاری در زمینه تسهیلات مأخوذه بوده‌اند به نحوی که آقای الف. س حسابدار و مدیر مالی مجموعه شرکت‌های فوق از میان آنها تنها ۵ شرکت را فعال و بقیه را فاقد فعالیت معرفی کرده است. در بازرسی از شرکت‌های یادشده نیز مأمورین انتظامی عمدتاً آنها را فاقد فعالیت قابل توجه گزارش کرده است. حتی محل معرفی شده جهت فعالیت این شرکت‌ها جملگی در مجاورت یکدیگر و

دفتر مرکزی همه آنها در تهران (خیابان ...) بوده است. در بازرسی مأمورین انتظامی از دفتر مذکور که در اختیار متهم بوده است مهرهای این شرکتها و اوراق، سربرگها و اسناد مالی آنها یافت گردید که دلالت بر مدیریت یکپارچه و واحد آنها دارد. ضمن آن که آقایان الف. س و م. م وظیفه حسابداری و امور مالی همه شرکتهای مجموعه را برعهده داشتند که تحت نظر متهم به عنوان مدیر ارشد مجموعه انجام وظیفه می نمودند که این امر نیز خود حکایت از همگروه و بهم پیوسته بودن شرکتهای فوق بالنتیجه عدم استقلال حقوقی و ذی نفع بودن آنها از فعالیت های یکدیگر دارد. متهم نیز در موارد متعددی به حضور این شرکتها در یک مجموعه واحد از جمله در اقرارنامه های مورخ ۸۸/۴/۳۰ و صوری بودن اسامی سهامداران یا اعضای هیأت مدیره آنها (به جز خود و آقایان م. ح و م. ش) که اکثراً از شکات او در این پرونده می باشند اذعان و بیان داشته است که صرفاً جهت رعایت تشریفات قانونی تأسیس شرکت های موصوف و تکمیل اعضای آنها از نام و اوراق هویتی این اشخاص استفاده شده و شرکتها به نام ایشان به ثبت رسیده اند و نامبردگان در سود و زیان این شرکتها (بالنتیجه در اداره آنها) دخیل نبوده اند به علاوه، صوری بودن عضویت اشخاص مزبور در این شرکتها و تأسیس یا انجام تغییرات شرکتها به نام آنان و بعضاً با امضاهای جعلی ایضاً عدم استقلال حقوقی و عدم فعالیت عملی آنها مبین صوری، غیرواقعی و اصطلاحاً کاغذی بودن این شرکتها می باشد که تأسیس و ثبت اکثر آنها با انگیزه دریافت تسهیلات متعدد بانکی صورت گرفته است. متهم در مورد یکی از این شرکتها (ج) به صراحت اقرار داشته است که از این شرکت صرفاً جهت تسهیلات در گردش استفاده کرده است. به علاوه، در جریان تحقیقات نیز اشاره کرده است که تا پیش از مشغول به کار شدن آقای الف. س نزد او که کارمند اخراجی بانک تجارت بوده وی تنها دو شرکت ج و ر را تازه افتتاح کرده بود که دفتری هم جهت استقرار آنها در اختیار نداشت.

۵- احراز اقدام متهم ردیف ۱ در اجاره دادن دو طبقه از دستگاه واحد آپارتمانی به پلاک ثبتی شماره ... متعلق به شاکی (م. ش)، حسب اظهارات مطلعین و ملاحظه دو فقره اجاره نامه عادی به تاریخ های ۹۰/۲/۲۵ و ۹۰/۵/۲ که متهم نیز به آن اذعان نموده و برای نیل به این اقدام یک فقره وکالتنامه رسمی به شماره ۱۲۹۵۸ مورخ ۹۰/۵/۲۴ به مستأجرین و مشاورین املاک ارائه نموده است که وفق نظریه کارشناسی امضای منتسب به شاکی در ذیل وکالتنامه مذکور جعلی و فاقد اصالت می باشد. متهم به ترتیب

با دریافت مبلغ ۴۵۰ و ۴۰۰ میلیون ریال از قرار اجاره‌بهای ماهیانه یک میلیون و پانصد هزار ریال و سه میلیون و پانصد هزار ریال منافع یک ساله را بدون اذن مالک به افراد غیر منتقل کرده و ملک را به تصرف آنها داده است. در همین راستا نیز متهم ضمن پذیرش ضمنی جعل امضای شاکی، در دفاع مدعی مالکیت مشاعی با شاکی در ملک مزبور شده است. این ادعا حسب شراکت نامه تقدیمی از سوی متهم محرز است. اما با وصف پذیرش این ادعا از سوی دادگاه وفق مقررات قانون مدنی در باب عقد شرکت و اداره اموال مشاعی، تصرف مادی هر یک از شرکا در مال مشاعی منوط به اذن تمامی آنها است و تصرف حقوقی هر یک از ایشان نیز تنها در سهم مشاعی خود مجاز می‌باشد (مواد ۵۸۱ الی ۵۸۳ قانون مدنی). حال آن که در مانحن‌فیه مشارالیه منافع کل ملک یادشده را بدون اذن شاکی به مستأجرین منتقل کرده است و کلاهبرداری در حدود میزان مازاد بر سهم‌الشرکه محقق می‌باشد.

۶- رد مدعیات متهم ردیف ۲ در خصوص عدم مشارکت در جعل با وصف اذعان به پر نمودن اسناد. زیرا جعل در پرونده حاضر مشتمل بر فرایندی از تهیه اسناد شامل درج امضا و درج مشخصات غیرواقع بوده که متهمین به طور متواتر و در اسناد متعددی در این امور مدخلیت داشته‌اند.

۷- رد دفاعیات متهم

از جمله:

- ادعای وجود رضایت‌نامه احد شکات نزد ثالث: منجز بودن رضایت از جمله شروط تأثیر آن قلمداد می‌گردد. عدم ارائه اصل یا حتی تصویر رضایت‌نامه و انکار وقوع نامشروط رضایت از سوی منتسب الیه رضایت حکایت از غیرقابل پذیرش بودن آن دارد. سپرده شدن رضایت نامه به ثالث خود گواه بر مشروط بودن آن است چرا که در فرض تنجیز به دادگاه یعنی محل استعمال رضایت‌نامه تحویل می‌گردید.

- ادعای مرور زمان: وکیل محترم متهم نسبت به اتهامات موکل با این ادعا که تعقیب سال ۸۹ رخ داده و از این حیث موضوع مشمول مرور زمان است مسموع نیست. زیرا اولاً به حکم بندت ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی مقررات مربوط به مرور زمان عطف بما سبق شده و با مقررات جدید تاریخ آخرین اقدام تعقیبی ملاک شمول مرور زمان می‌باشد. ثانیاً با توجه به عنوان اتخاذی از سوی دادسرا مبنی بر کلاهبرداری اساساً مرور زمان در زمان شروع به تعقیب موضوعیت نداشته است.

۷- سایر قرائن و امارات

د - تعیین کیفر

دادگاه به شرح آتی ضمن احراز بزهکاری متهمین نامبردگان را مستنداً به مواد ۵۳۶، ۵۳۳ و ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر ناظر بر ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری و با لحاظ و تذکر آن که باتوجهبه وقوع جرایم در زمان حکومت مقررات بخش کلیات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و اینکه اعمال مقررات زمان وقوع جرم مساعد به حال متهمین می‌باشد مقررات مذکور از حیث تعدد مورد توجه دادگاه بوده است، به کیفر محکوم می‌نماید:

۱- متهم ی. د

الف - بابت فقرات مشارکت در جعل عادی به تحمل ۶ ماه حبس تعزیری ب - بابت فقرات مباشرت در استفاده از اسناد مجعول به تحمل ۶ ماه حبس تعزیری ج - بابت فقره مباشرت در کلاهبرداری از طریق انتقال منافع مال غیر به تحمل یک سال حبس تعزیری، رد عواید حاصله از جرم به مبلغ ۴۵۵ میلیون ریال (یک دوم مجموع یک سال اجاره و رهن دریافتی با توجه به سهم یک دوم برای متهم در زمان وقوع بزه) و جزای نقدی به همین میزان. **د-** بابت جعل سند رسمی به تحمل ۱ سال حبس تعزیری که مستنداً به مقررات زمان وقوع جرم کلیه مجازات‌ها لازم‌الاجرا و با یکدیگر جمع می‌گردد و به حکم ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ برای جرایم مشابه یک کیفر در نظر گرفته شده است. لازم به توضیح است که دادگاه یکی از عناوین اتهامی متهم مبنی بر کلاهبرداری از طریق اخذ وام از بانک‌ها را با اعمال ماده ۲۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری صحیح قلمداد ننموده و اتهام را با بزه جعل و استفاده از سند مجعول منطبق کرده است. زیرا در کلاهبرداری رکن اصلی، برده شدن مال بزه‌دیده توسط بزهکار است. در پرونده حاضر با اسناد جعلی از بانک وام اخذ شده لذا مال از ید بانک‌ها خارج شده که شکایتی طرح ننموده و مطالبه‌ای ندارند. در خصوص شکات فعلی اقدام متهم موجب ایجاد تعهد ثانویه برای ایشان شده که چون متضمن برده شدن مال نیست مصداق کلاهبرداری نخواهد بود.

۲- متهم الف. س

بابت مشارکت در فقرات جعل به تحمل ۶ ماه حبس تعزیری محکوم می‌گردد. دادگاه با اعمال مقررات ماده ۲۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری اتهام نام‌برده را از معاونت در کلاهبرداری به مشارکت در جعل تغییر داده است. زیرا با توجه به این که اتهام کلاهبرداری در خصوص ردیف ۱ به شرح قبل تبدیل گردید اتهام معاونت در آن موضوعیت نداشته و علاوه بر آن فعل متهم مشارکت در جعل با متهم ردیف یک بوده است. در خصوص سایر

اتهامات متهم ب از جمله تحریق عمدی و تخریب بدل پرونده مفتوح خواهد بود. ضمناً کلیه اسناد مجعول اعم از مرتبط با ثبت شرکت‌ها یا اخذ وام می‌بایست معدوم و کلیه امتیازات ناشی از استفاده از آنها لغو گردد. بدیهی است با رفع مسئولیت از افرادی که امضا ایشان در اسناد تعهدآور ثبتی و بانکی جعل گردیده است، صاحبان واقعی سهام اشخاص حقوقی ذی نفع امتیازات از جمله متهم ردیف یک یا هر فردی که نفع‌برنده تسهیلات قلمداد شود مسئول قلمداد می‌شود که رسیدگی به آن منوط به طرح دعوای مدنی از سوی متعهد لهم خواهد بود. آراء صادره حضوری و ظرف بیست روز قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

علیرضا قاسمی ساغند - رئیس شعبه ۱۰۶۴ کیفری ۲ تهران

نسبت به اتهام تخریب یا ضایع کردن وسائل نقلیه راه‌آهن و تهدید و صدور گزارش خلاف واقع طی شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۳۰۳۰۰۲۲۹ مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۲۵ قرار موقوفی تعقیب صادر شد.

پرونده کلاسه ۸۹۰۹۹۸۲۱۲۶۲۰۰۰۲۵ شعبه ۱۰۶۴ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی امور اقتصادی تهران (۱۰۶۴ جزایی سابق)
تصمیم نهایی شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۳۰۳۰۰۲۲۹

باسمه تعالی

شاکلی: آقای م. ش با وکالت آقایان ب و الف

متهمین: آقایان ی. ب، ر. ر و ع. ر

قرار دادگاه

در خصوص اتهام آقایان ی. ب، ر. ر و ع. ر دائر بر تخریب و تحریق عمدی موضوع شکایت منجر به رضایت آقای م. ش که در جلسه دادرسی رضایت صریح خود را ابراز نموده است، با توجه به رضایت منجز شاکلی، مستنداً به ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اینکه جرایم انتسابی در زمره موارد احصا شده در ماده ۱۰۴ قانون اخیرالذکر می‌باشد، قرار موقوفی تعقیب متهمان صدرالذکر را صادر و اعلام می‌گردد. قرار صادره ظرف مدت بیست روز قابل اعتراض در محاکم تجدیدنظر استان تهران خواهد بود.

علیرضا قاسمی ساغند رئیس شعبه ۱۰۶۴ دادگاه کیفری دو تهران

رسیدگی از سوی خواهان ایراد و اشکال موجه و مؤثری که بتواند موجبات نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته را فراهم آورد ارائه و عنوان نشده است و تجدیدنظرخواهی با هیچ یک از شقوق مندرج در ماده ۴۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری انطباق ندارد و برخی از موارد نقص در مرحله تجدیدنظر از سوی شعبه محترم بدوی رفع نشده است و دادنامه در قسمت های اعتراض شده صحیحاً صادر شده است. لذا ضمن رد تجدیدنظرخواهی مستنداً به بند الف ماده ۴۵۵ از قانون آیین دادرسی کیفری دادنامه تجدیدنظرخواسته در بخش های مورد اعتراض تأیید می گردد. رأی صادره قطعی است.

رئیس شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
صادقعلی طهماسبی
مستشار دادگاه
محمدرضا عامل

۲. مقدمه

نقش اقتصاد در زندگی افراد جامعه نقش بی بدیلی است و به هیچ عنوان نمی توان آن را نادیده انگاشت و بدون شک برقراری و حفظ نظم اقتصادی در گرو مبارزه با اخلاک‌گران در نظام اقتصادی و مجرمان اقتصادی است. مبارزه با جرایم اقتصادی هم موجب برقراری نظم اقتصادی می شود و هم این نظم را تضمین می کند و هم از آثار و تبعات اختلال در اقتصاد کشور جلوگیری می کند. دولت نیز می تواند در کمال آرامش و با سهولت سیاست های اقتصادی خود را اعمال و اجرا نماید.

جرائم از نظر اقتصادی و اجتماعی آثار فراوانی بر جای می گذارند و توجه به آثار مخرب جرائم اقتصادی اهمیت این موضوع را برای ما روشن می سازد. از جمله این موارد می توان به چالش های عظیمی که در نظام عدالت کیفری به وجود می آید اشاره کرد. بزهکاران در این گونه از جرائم در پیکره دستگاه عدالت کیفری، نظام بانکی، مؤسسات مالی و گمرکی و ... نفوذ کرده، انواع و اقسام سوء استفاده ها را از این مؤسسات می کنند. آنها سعی زیادی در اعمال خواسته های خود دارند و همچنین درآمدهای نامشروع خود را به صورت اموال مشروع، قانونی و موجه جلوه می دهند. از دلایل عمده ای که اهمیت موضوع جرائم اقتصادی را دو چندان می کند طیف گسترده و حجم زیاد بزه دیدگان در این گونه از جرائم است. جرائم اقتصادی بر کل جامعه مؤثر است و چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم افراد جامعه را درگیر خود می کند و در صورتی که چاره ای برای آن اندیشیده نشود، به فقر و نارسایی های اقتصادی که زمینه اصلی ارتکاب جرائم دیگر است، دامن زده می شود. افزایش وقوع جرم و جنایت از عواقب

و تبعات این جرائم به شمار می‌رود. حتی به نوعی می‌توان گفت که در کنار عموم مردم، دولت نیز متضرر و از قربانیان این جرائم محسوب می‌شود؛ چراکه جرائم اقتصادی و آثار آن آنی نیست و بلافاصله خود را نشان نمی‌دهد، بلکه با گذشت زمان، آثار مخرب این جرائم خود را نمایان می‌سازد و در نهایت با یک دولت ناکارآمد و جامعه آسیب‌پذیر روبه‌رو خواهیم شد (مهدوی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۱۶).

آثار و عواقب جرم اقتصادی به اندازه‌ای شایع و گسترده است که عملاً زندگی مردم و امنیت اقتصادی را با تهدید مواجه می‌سازد. اختلال در سرمایه‌گذاری، توزیع ناعادلانه فرصت‌های اقتصادی و درآمدها - که منجر به فرار سرمایه‌ها و ائتلاف منابع می‌شود - گسترش اقتصاد زیرزمینی و منع رشد رقابت از پیامدهای مهم جرائم اقتصادی بر جامعه است. در شرایط حال حاضر کشور ما که به جهت سیاسی و تحریم‌های پی‌درپی دچار وضعیت نابسامان اقتصادی هستیم، عده‌ای با سوء استفاده از شرایط، مقام و موقعیت و نیز خلأهای قانونی و اجرایی، با ضربه زدن به منابع مالی کشور به ثروت‌های کلان رسیده‌اند تا جایی که در حال حاضر مبارزه با جرایم اقتصادی به عزم ملی و هدف اولیه سران سه قوه در ایران تبدیل شده است.

پرونده پیش رو که نویسندگان قصد تحلیل قرار صادره بازپرس محترم آن را دارند، یکی از این پرونده‌های اقتصادی است که شخصی با سوء استفاده از کارمندان و بستگان خویش و با جعل امضای این اشخاص اقدام به ثبت شرکت‌های صوری نموده و با دست بردن در اسناد و مدارک و بعضاً با تبانی با مدیران بانک و همکاری ادارات ثبتی، مبالغ هنگفت و میلیاردری از تسهیلات بانکی استفاده کرده و هرگز این مبالغ را به سیستم بانکی کشور بازگردانده است.

۳. تحلیل قرار صادره از سوی بازپرس شعبه ۲ دادسرای ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی

این قرار یکی از طولانی‌ترین قرارهای صادره و در حدود ۴۰ صفحه است. در این بخش این قرار را تحلیل می‌کنیم و در بخش بعد بر اساس حقوق موضوعه، رویه قضایی و دکترین حقوق در خصوص جرائم انتسابی، نسبت به نقد و تحلیل قرار صادره اقدام خواهیم نمود.

۱-۳. شرح ماوقع و جرائم انتسابی به متهمان پرونده

شخصی به نام ی. ب با ترفند و عملیات متقلبانه اقدام به ثبت شرکت‌های متعدد صوری

و کاغذی (بالغ بر ۲۸ شرکت) از نوع مسئولیت محدود یا سهامی خاص در تهران و ورامین نموده و عده‌ای از کارمندان، اقوام و بستگان خود را بدون اطلاع آنان با سوء استفاده از مدارک هویتی که در اختیار داشته و با جعل امضاها، به عنوان مدیر عامل یا اعضای هیأت مدیره این شرکت‌ها منصوب کرده و سپس از این طریق و با همکاری و مساعدت مدیران بانک‌های متعدد وام‌های کلانی را به نام افراد مزبور دریافت می‌کند و هنگامی که سررسید وام‌ها فرا می‌رسد، از بازپرداخت تسهیلات مأخوذه خودداری می‌نماید. در زمان صدور قرار، بدهی نامبرده بالغ بر ۴۰ میلیارد تومان به بانک‌های دولتی برآورد می‌گردد. کارمندان و بستگان متعاقب تماس بانک‌ها متوجه اقدامات متهم شده و مبادرت به طرح شکایت علیه متهم نموده‌اند. تمامی این کارمندان و اعضای فامیل جملگی مدعی عدم اطلاع خود از این اقدامات و حتی عضویت در این شرکت‌ها بوده و با اخطارهای مکرر از سوی بانک‌ها از این امر مطلع شده‌اند. همچنین شکات مدعی جعلی بودن امضاها منتسب به خود بودند که در ادامه، کارشناسان خط همگی امضاها را جعلی تشخیص می‌دهند. وجود یک عدد زونکن زرد رنگ در دفتر مرکزی متهم در تهران که به عنوان نمونه امضاها در ادامه تحقیقات یافت می‌شود، حاکی از آن است که متهم (آقای ب) نمونه امضای همه کارمندان و اعضای فامیل را داشته و در مواقع ضروری و مورد نیاز خود، نسبت به جعل امضای مورد نیاز اقدام می‌کرده است. همچنین ایشان با دستکاری در اسناد مالی شرکت‌های ثبت شده، همگی این شرکت‌ها را سودده معرفی می‌کرده و با این اقدام، نسبت به اخذ تسهیلات بانکی از بانک‌های متعدد به شرح پرونده اقدام می‌نموده است.

علاوه بر جعل و استفاده از سند مجعول، از دیگر اقدامات متهم آن بوده است که با تنظیم و تهیه گزارش خلاف واقع مبنی بر مفقود بودن سند مالکیت ملکی که در وثیقه بانک دیگری بوده، با همکاری اداره ثبت اسناد و املاک ورامین، نسبت به اخذ سند المثنی اقدام می‌کند و ترتیبی می‌دهد تا در صفحه نقل و انتقال سند، سابقه ترهین قبلی در نزد بانک قبلی درج نگردد. لذا پس از اخذ سند المثنی، در مراجعه به بانک بعدی اقدام به وثیقه‌گذاری همان سند نموده و از این طریق نسبت به کلاهبرداری از بانک دوم اقدام کرده است. لذا بانک اخیر و دفترخانه در اعمال غیر قانونی متهم تبانی داشته‌اند؛ زیرا نماینده بانک و سردفتر اسناد رسمی باید ضمن احراز هویت، صرفاً با حضور نمایندگان قانونی و دارندگان امضای مجاز شرکت برابر آگهی روزنامه

رسمی اقدام به تنظیم سند رسمی می نمودند.

پرونده‌ها نخست به شکل پراکنده در بازپرسی‌های مختلف تهران یا ورامین، حسب مورد تحت بررسی قرار گرفته، ضمن تفهیم اتهام به متهم و صدور قرار تأمینی، در ادامه به شعبه رسیدگی به جرائم اقتصادی در تهران ارجاع شده و در بازپرسی شعبه دوم مورد تحقیقات مقدماتی جرم قرار می‌گیرد.

اتهام متهم اصلی آقای ی. ب، ۱- جعل ۲- استفاده از سند مجعول ۳- کلاهبرداری بانکی ۴- دادن رشوه ۵- تحصیل مال از طریق نامشروع است. اتهام مدیران بانک‌ها نیز ۱- اخذ رشوه ۲- معاونت در تحصیل مال نامشروع مرتکب اصلی است. در مجموع تعداد ۳۶ نفر به عنوان متهم یا شاکی اعم از شخص حقیقی یا حقوقی در این تحقیقات مقدماتی حضور داشته‌اند.

۲-۳. دفاعیات متهمان پرونده و استدلالات بازپرس پرونده در خصوص جرائم انتسابی**۳-۲-۱. دفاعیات متهم اصلی**

متهم اصلی پرونده آقای ی. ب بر خلاف اکثر مجرمین اقتصادی، اساساً متواری نشده و با اولین ابلاغ قضایی نزد مقام قضایی حاضر شده و بدهی‌های مالی به بانک‌های مختلف را قبول کرده و اقرار می‌نماید که بدهکار واقعی خود من هستم و نه اشخاصی که وام‌ها به نام آنها دریافت شده است. مشارالیه برای دفاع در خصوص عناوین اتهامی جعل و استفاده از سند مجعول این‌گونه از خود دفاع می‌نماید: «قصد جعل نداشته‌ام و تمامی اشخاص آگاه به این مسئله بوده‌اند که من امضای آنها را انجام می‌دهم و رضایت کامل داشتند. همگی آنها سهامدار صوری بوده‌اند. چون می‌بایست شرکت را به ثبت برسانیم، باید عضو معرفی می‌کردیم. هر شرکت ۴ نفر عضو نیاز دارد؛ لذا ۶۵ عضو نیاز داشتیم و تکرار افراد مخالف قانون بود، زیرا یک فرد نمی‌تواند در چند شرکت عضو باشد. لذا چندین نفر را به عنوان عضو صوری معرفی کردیم.» ایشان در هر بار حضور در بازپرسی اظهار می‌دارد که چندین شرکت در شهرستان ورامین و تالش زیر نظر ما مشغول به فعالیت دامداری و کارخانجات شیر پاستوریزه و خوراک دام است که جهت اداره آنها می‌بایست از چندین عضو در هیأت مدیره استفاده می‌کردیم. متهم با بیانی منحصر به فرد میان دو نوع از مدیران قائل به تفکیک شده است: ۱- مدیران شرعی و واقعی ۲- مدیران قانونی یا صوری. دسته اول عبارتند از خود متهم و آقایان م. ح، م. ش که البته خود این شرکای واقعی نیز از اقدامات غیر قانونی و پنهان‌کاری متهم در اخذ وجوه از بانک‌ها جزء شکات پرونده می‌باشند و

دسته دوم، شرکای صوری یا قانونی که متهم به کرات خاطرنشان می‌سازد که بدهی بانکی متعلق به خودم است و مدیران صوری هیچ مسئولیتی نداشته‌اند. متهم اصلی در خصوص اخذ سند المثنی و گزارش خلاف واقع به اداره ثبت اسناد، اتهام را قبول می‌کند و می‌گوید توسط یکی از کارمندان مورد وثوق به نام م در اداره ثبت این سند دریافت شده است. در خصوص اتهامات دیگر متهمان اعم از بانک‌ها، اداره ثبت و کارمند متخلف نامبرده، هیچ‌گونه تحقیقات و به تبع آن دفاعیات متهمان ردیف‌های بعدی در این قرار به چشم نمی‌خورد.

۲-۲-۳. استدلال‌های بازپرس پرونده در خصوص اتهامات

این قرار مشتمل بر دو قسمت، اول گردش کار (۳۱ صفحه) و دوم متن قرار جلب به دادرسی یا منع تعقیب و موقوفی تعقیب حسب مورد (۸ صفحه) می‌باشد. در متن قرار جلب به دادرسی، در صفحه ۳۱ با نام شکات پرونده که مشتمل است بر بیست نفر از کارمندان و اقوام و بستگان متهم، مواجهیم. بازپرس نسبت به اتهامات متهم که دایر بر ۶۲ فقره کلاهبرداری از بانک‌ها، دو فقره کلاهبرداری از طریق انتقال منافع مال غیر و جعل و سوء استفاده از سند مجعول احراز اتهام نموده. ایشان به اماره اسناد و مدارک مکشوفه نزد متهم در دفتر اصلی تهران که اسناد و مدارک تمامی شرکت‌های ثبت شده و عین مهرهای مربوط به آنهاست، استناد نموده و بیان کرده که این اسناد گویای آن است که همگی شرکت‌ها دارای ذی‌نفع واحد می‌باشند. همچنین به زونکن زرد رنگ حاوی نمونه امضاهای اشخاص شاکی به عنوان اماره قوی دال بر جعل نیز اشاره کرده و نیز به اقرار متهم و مواجهه حضوری شکات با متهم استناد نموده و بزه‌های انتسابی را محرز دانسته است. همگی اینها حاکی از آن است که کل فرایند اخذ تسهیلات یاد شده اعم از ایجاد روابط با رؤسا و معاونان شعب بانک‌های عامل و تهیه و تنظیم مدارک و مستندات توسط شخص متهم طراحی و مدیریت می‌شده است. علاوه بر امضاها، همه پیش‌فاکتورها جهت دریافت تسهیلات فروش اقساطی مواد اولیه به استناد نظریه کارشناسی، جعلی عنوان شده است. در خصوص دفاع موکل که عنوان داشته از شکات و کالت‌نامه یا رضایت در امضاها داشته‌اند، بازپرس این دفاع را رد کرده و عنوان می‌دارد که به غیر از یک نمونه و کالت‌نامه، متهم هیچ و کالت‌نامه‌ای ارائه نکرده است. به علاوه، [متهم] در فرایند اخذ تسهیلات سعی در شبیه‌سازی امضاها داشته و در

اسناد مربوطه اشاره‌ای به اقدام خود به وکالت از طرف اشخاص ننموده است. همچنین با توجه به اینکه جعل از طریق شبیه‌سازی امضای افراد، ولو با اذن و اطلاع ایشان، محقق می‌شود، دفاعیات متهم که بیان داشته با اذن از شکات امضا کردم مورد قبول نیست.

در خصوص اقدام متهم به اجاره منافع ملک آقای ش نیز بازپرس اتهامات را وارد تشخیص داده و این‌گونه استدلال می‌نماید که اولاً دلیلی مبنی بر صحت و اثبات ادعای متهم دال بر مالکیت مشاعی املاک موصوف ارائه نشده است و ثانیاً بر فرض صحت این ادعا، وفق مقررات قانون مدنی در باب عقد شرکت و اداره اموال مشاعی، تصرف مادی هر یک از شرکا در مال مشاعی منوط به اذن تمامی آنها است و تصرف حقوقی هر یک از ایشان نیز تنها در سهم مشاعی خود مجاز می‌باشد؛ حال آنکه در مانحن‌فیه مشارالیه منافع کل ملک یاد شده را بدون اذن شاکی به مستأجرین منتقل کرده است. لذا جرم مشارالیه از این حیث نیز محرز می‌باشد.

در خصوص اتهامات دیگر متهم دایر بر تحصیل مال از طریق نامشروع و استفاده از اسناد مجعول در فرایند اخذ تسهیلات بانکی، با توجه به اینکه در این خصوص رفتار واحد متهم دارای عناوین مجرمانه متعدد می‌باشد، به استناد ماده ۱۳۱ از قانون مجازات اسلامی تنها به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهد شد.

اتهام مدیر مالی مجموعه آقای س، کارمند اخراجی بانک تجارت، دایر بر معاونت در ۶۲ فقره کلاهبرداری از بانک‌ها با تکمیل اسناد و مدارک و آماده‌سازی اسناد جهت امضای آقای ب و معرفی مدیران بانک‌ها و واسطه‌آشنایی با متهم اصلی است که مستنداً به مواد ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی (بحث معاونت در جرم) و ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری قرار جلب به دادرسی برای این دو شخص صادر می‌گردد.

در خصوص اتهامات دیگر متهم که ارتباطی با جعل، ثبت شرکت صوری و کلاهبرداری از بانک ندارد و به شکل موردی توسط شکات مطرح شده و عبارت است از توهین و تهدید، به جهت فقد ادله قرار منع تعقیب صادر گردیده است.

همچنین در خصوص اتهام رشاء متهم به مبلغ یک میلیارد تومان و نیز اتهام ارتشاء مدیران بانک‌ها و نیز اتهامات سردفتر دفترخانه یا ادارات ثبت اسناد و املاک، به جهت فقد ادله و عدم کفایت ادله قرار منع تعقیب از سوی بازپرس پرونده صادر می‌گردد.

در خصوص تعدادی از اقدامات مجرمانه متهم که در حد فاصل سال‌های ۱۳۸۴ تا اواخر ۱۳۸۷ و در زمان حاکمیت قانون سابق آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به وقوع پیوسته، با توجه به اینکه بزه جعل حسب

تعاریف مندرج در مواد ۱۳ الی ۱۷ قانون اخیرالذکر در زمره جرائم بازدارنده محسوب می‌شده، به استناد نظریه مشورتی شماره ۷/۲۱۴۰ مورخه ۱۳۹۱/۱۰/۲۵ اداره حقوقی قوه قضائیه و مستنداً به ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری ناظر به مواد ۵۳۳ و ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی برای متهم به لحاظ مرور زمان حق مکتسبه ایجاد شده است. لذا در خصوص این دسته از جرائم، بازپرس قرار موقوفی تعقیب صادر نموده است.

۴. بررسی نقادانه قرار صادره با توجه به حقوق موضوعه، رویه قضایی و دکترین حقوقی در خصوص جرائم موضوع پرونده

مهم‌ترین جرائم انتسابی به متهم پرونده عبارت است از جعل، استفاده از سند مجعول، کلاهبرداری بانکی و تحصیل مال از طریق نامشروع که در این بحث از دید حقوق موضوعه و رویه قضایی به بررسی این جرائم می‌پردازیم.

۴-۱. جعل و استفاده از سند مجعول

مطابق با ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی، در سیستم حقوقی کشور ما پذیرش جعل در امضا علاوه بر مدارک و نوشته‌ها، به صراحت پذیرفته شده است. در حقوق نظام کامن لو از جمله انگلستان جعل صرفاً در مورد مدارک و نوشته‌ها پیش‌بینی شده است و در اینکه ساختن امضا را به تنهایی جعل بدانند تردید می‌کنند مگر آنکه این کار به معنای جعل مدرک و نوشته باشد که امضا نیز در ذیل آن مورد استفاده باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶، ص ۲۸۴).

منظور از امضا هر علامتی است که شخص معمولاً ذیل یک سند یا نوشته برای منتسب کردن آن به خود می‌گذارد. با توجه به روش‌های گوناگونی که افراد در به دست گرفتن قلم دارند، هر شخص در قسمت‌های خاصی از حروف و کلمات به قلم فشار می‌آورد و برعکس، در قسمت‌های دیگر با ملایمت قلم را بر روی کاغذ می‌لغزاند. به عبارت دیگر استفاده از قلم نزد افراد مختلف قابل مقایسه با استفاده از کفش است که بسته به نوع قدم گذاشتن افراد، کفش آنها در جاهای مختلفی ساییدگی پیدا می‌کند. بنابراین هر قدر هم که جاعل یک شخص حرفه‌ای باشد، معمولاً در تیرگی و روشنی بخش‌های مختلف کلمات، بریدگی‌ها و انحرافات، نقطه‌های آغاز، درجات دهانه دایره‌ها و منحنی‌ها و نظایر آنها بین امضا و نوشته مجعول با امضا و نوشته واقعی تفاوت وجود دارد که این امر می‌تواند توسط یک کارشناس مسلط تشخیص داده شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۶، ص ۲۸۵).

در قرار مورد تحلیل، متهم در دفاع از اتهام جعل خود عنوان داشته که امضاها را از طرف و به وکالت از اشخاص و با آگاهی آنان زده است. این در حالی است که به استناد متن قانونی جعل و نظریه دکترین غالب، چنانچه در امضاها عبارت «از طرف» نوشته شود و شخص امضای خود را از طرف اشخاص در ذیل مدارک بنویسد، جعل نیست ولی آنچه در پرونده مانحن فیه به وقوع پیوسته آن است که مرتکب به جای «دیگری» و با تقلید از امضای کارمندان و بستگان خود سعی در ایجاد مشابهت داشته که این امر به استناد متن قانون قطعاً جعل محسوب می‌شود؛ زیرا در این حالت امضای فرد امضاکننده به جای امضای کسی که نام او در زیر ورقه آمده است، جا زده می‌شود. در خصوص عنصر رضایت در جرم جعل، گروهی از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که در صورت رضایت داشتن صاحب امضا، جعل محقق نمی‌شود ولی در مقابل، اکثریت حقوقدانان حتی در صورت رضایت صاحب امضا بدون داشتن حق امضا یا وکالت، جعل را محقق می‌دانند و بازپرس در انتساب جرم به متهم از همین استدلال اخیر استفاده کرده؛ زیرا عنصر ضرر در جرم جعل صرفاً به ضرر صاحب امضا تفسیر نمی‌شود و چه بسا با جعل امضا، فرد و اشخاص ثالث (در پرونده مطروحه فوق بانک) متضرر از جرم محسوب می‌شوند. ضمن آنکه در مطالعه همه کتب جزای اختصاصی، این مسئله نمود دارد که جرم جعل را در قسمت جرایم علیه آسایش عمومی بحث می‌کنند و این خود دلیل دیگری است که در جعل اسناد و امضا صرفاً صاحب آن امضا متضرر نخواهد بود و اساساً آسایش عمومی مختل می‌گردد. لذا بازپرس پرونده همسو با نظر غالب دکترین حقوقی، جعل امضا را حتی با رضایت صاحب امضا، در تحقق جرم جعل کافی دانسته است.

۲-۴. تحصیل مال از طریق نامشروع و کلاهبرداری بانکی

از عناوین اتهامی دیگر آقای ب تحصیل مال از طریق نامشروع و کلاهبرداری بانکی می‌باشد که در این بند به توضیح عناصر مادی، معنوی و قانونی این دو جرم می‌پردازیم. ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ تنها عنصر قانونی جرم تحصیل مال از طریق نامشروع می‌باشد. به موجب این ماده آمده است: «هر کس به نحوی از انحاء امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود، در معرض خرید یا فروش قرار دهد یا از آن سوء استفاده نماید یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید، مرتکب تقلب شود

و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال

حبس و جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد. ...»

همان گونه که ملاحظه می‌گردد قلمرو جرم‌انگاری در این ماده بسیار کلی است و اصل اباحه در نظر گرفته نشده است. مطابق اصل اباحه، هیچ عملی ممنوعیت ندارد مگر خلاف آن ثابت شود. لذا صرف وجود شک به منشأ دارایی اشخاص و روش تحصیل مال افراد نباید مجوزی برای مجازات قلمداد گردد. قانون‌گذار تعریفی از جرم تحصیل مال نامشروع ارائه نکرده و تنها در ابتدای ماده به ذکر مصادیقی از جرم مذکور پرداخته و سپس یک عبارت کلی آورده مبنی بر اینکه «... به طور کلی مال یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است ...». لذا تعریف این جرم بدین شکل می‌شود: هر کس به نحوی از انحاء یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب می‌شود.

رفتار مجرمانه جرم تحصیل مال از طریق نامشروع شامل هر عمل غیر قانونی می‌باشد که به صورت خاص مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته است. به عنوان مثال کسی که با استفاده از مانورهای متقلبانه مالی را تحصیل می‌کند یا از بابت وظیفه یا برای انجام کار دولتی مبلغی را دریافت می‌کند مشمول عناوین خاص کلاهبرداری، اختلاس یا ارتشاء خواهد بود و دیگر نوبت جرم تحصیل مال از طریق نامشروع نمی‌رسد. در این جرم، به دست آوردن مال به صورت فعل مادی مثبت تحقق می‌یابد و دامنه شمول آن بسیار وسیع و در اختیار و به تشخیص قاضی پرونده می‌باشد که با الفاظ «نظیر» و «مثل»، تمامی اعمال را در پی یکدیگر می‌آورد. بنابراین هر نوع رفتار مجرمانه‌ای که تحصیل عامدانه مال دیگری از طریق غیر قانونی را شامل شود، عنوان مجرمانه تحصیل مال نامشروع را در بر می‌گیرد. به طور مثال چنانچه شخصی به واسطه دروغگویی - که در قانون مجازاتی برای آن تعیین نشده و عملی است غیر اخلاقی و نامشروع - مال دیگری را به دست آورد، مشمول این عنوان مجرمانه می‌شود.

در بحث تحلیل قرار پیش رو عناوین اتهامی متهم در ابتدا تحصیل مال نامشروع بوده ولی در ادامه به جهت احراز کلاهبرداری بانکی بازپرس پرونده عنوان تحصیل مال نامشروع را در خصوص عملیات مجرمانه مرتکب مصداق ندانسته و اعتقاد به تعدد معنوی جرم دارد. این نتیجه‌گیری از آنجا ناشی می‌شود که عنوان اتهامی دیگر که عبارت است از رشا و ارتشاء در ادامه تحقیقات احراز نشده است. بدین توضیح که در حال حاضر به جهت

فقدان عناوین خاص بانکی در سیستم حقوقی کشور ما در صورتی که مدیران بانکی با علم و اطلاع و همکاری و علی‌الاصول در پی دریافت رشوه با مجرم همکاری و مساعدت نمایند و جوهی در قالب تسهیلات بانکی در اختیار شخص بگذارند، علاوه بر اتهام ارتشا، عنوان اتهامی دیگر می‌شود معاونت در تحصیل مال ناشروع و جرم مرتکب اصلی رشا و تحصیل مال نامشروع است. ولی در صورتی که اخذ رشوه و همکاری و مساعدت مدیر و کارمندان بانک مصداق نداشته باشد یا به هر دلیل احراز نشود، عنوان از عناوین کلاهبرداری بانکی است و قابل مجازات با ماده ۱ ق.ت.م.ا.ا.ک است.

عنصر قانونی جرم کلاهبرداری در قانون ما عبارت است از ماده ۱ ق.ت.م.ا.ا.ک که مقرر می‌دارد: «هر کس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارتخانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیشامدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور یا وسایل تقلبی دیگر وجه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصاحساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد، کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد مال به صاحبش به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود. ...»

از لحن و بیان این ماده در به کار بردن لفظ «مردم» در صدر ماده و «رد مال به صاحبش» و ... به گونه‌ای برداشت می‌شود که مصداق این ماده صرفاً کلاهبرداری از اشخاص حقیقی خصوصی و حداکثر حقوقی خصوصی بوده که با مانور متقابلانه مورد کلاهبرداری قرار گرفته باشند نه کسانی که از دولت یا مؤسسات عمومی مبالغی را اخذ می‌نمایند. ولی در شرایط کنونی که ماده قانونی دیگری که خاص جرایم بانکی و برای اخذ تسهیلات غیر قانونی از بانک باشد وجود ندارد، طبق رویه حاکم بر دادگاه‌های جرایم اقتصادی، چنین عملیاتی کلاهبرداری بانکی نام‌گذاری شده و به استناد همین ماده، محاکمه و مجازات می‌نمایند.

۳-۴. خیانت در امانت

از جمله عناوین دیگری که به نظر می‌رسد در جریان پرونده اتفاق افتاده ولی اساساً جزء عناوین اتهامی آقای ب نبوده، جرم خیانت در امانت است. مطابق با ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، «هرگاه اموال منقول یا غیر منقول یا

نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی‌اجرت به کسی داده شده و بنا بر این بوده است که اشیاء مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیاء نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

در جریان پرونده، متهم از اسناد و مدارک هویتی شکات که همگی از کارمندان و اقوام مشارالیه بوده‌اند، به ضرر آنها سوء استفاده نموده است. در حالی که مطابق ماده ۶۷۴ از قانون مجازات اسلامی، امانی بودن اسناد و مدارک و نمونه امضاها که با هدف استخدام و طبق عرف نگهداری پرونده پرسنلی کارمندان صورت گرفته است، در ادامه توسط مرتکب مورد سوء استفاده و ارائه به بانک‌ها جهت دریافت تسهیلات قرار گرفته است. لذا در ادامه به جهت تعدد معنوی جرائم صرفاً یک مجازات بر مرتکب بار می‌شود، ولی به لحاظ قانونی، تکلیف بازپرس بر آن است که عناوین مجرمانه و مصداق عمل مرتکب را در متن قرار مورد توجه و دقت قرار دهد.

۴-۴. تعدد معنوی جرائم^۱

تعدد معنوی یا اعتباری جرائم عبارت است از آنکه عمل مجرمانه واحد دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد. مطابق با ماده ۱۳۱ از قانون مجازات اسلامی، مرتکب در این حالت به مجازات اشد محکوم می‌شود. در مانحن‌فیه مرتکب پس از انجام عمل جعل، در موارد متعدد اسناد مجعول را در فرایند اخذ تسهیلات مورد استفاده قرار می‌دهد و از این طریق نسبت به شروع مانور متقلبانه در بانک‌های متعدد اقدام و نیز ضمن سوء استفاده از مدارک هویتی کارمندان و اقوام خود خیانت در امانت نیز مصداق پیدا می‌کند. لذا مطابق با ماده ۱۳۱ ق.م.ا یک عمل مصداق چهار عنوان مجرمانه است که عبارتند از: ۱- استفاده از سند مجعول ۲- شروع به کلاهبرداری ۳- شروع به تحصیل مال نامشروع ۴- خیانت در امانت. به علت آنکه مجازات کلاهبرداری در قانون ما اشد از سه عنوان دیگر است، بازپرس صرفاً درخواست صدور کیفرخواست ۶۲ فقره جرم کلاهبرداری را نموده است. لذا در این قسمت از قرار صادره نیز بازپرس همسو با قانون و رویه قضایی گام برداشته است.

1. Prescription.

۴-۵. مرور زمان کیفری

مرور زمان عبارت است از گذشتن مدت زمانی از تاریخ وقوع جرم یا آخرین اقدام تحقیقی یا تعقیبی یا قطعیت حکم که پس از آن به موجب قانون، شکایت در مرجع قضایی مسموع نیست یا تعقیب و رسیدگی به دعوای عمومی و سرانجام اجرای مجازات منتفی است. در این صورت می‌گویند جرم مشمول مرور زمان شده است (اردبیلی، ۱۳۹۸، ص ۲۵۴). در بحث مرور زمان کیفری همواره موافقان و مخالفانی وجود داشته‌اند. دلایل موافقان و مخالفان هرچه باشد، دلیل مهم‌تر مبتنی بر ملاحظات عملی است. واقعیت آن است که مراجع قضایی که همواره با فزونی شکایات مواجه هستند باید بتوانند پس از مدت زمانی معقول از پذیرفتن این شکایات خودداری کنند، به‌ویژه اگر شاکی یا مدعی خصوصی، از حق خود در این مدت استفاده نکند که ممکن است حمل بر گذشت و چشم‌پوشی از ادعای خود گردد.

در خصوص تعدادی از جرائم ارتكابی در این پرونده در سال‌های ۱۳۸۴ لغایت ۱۳۸۷ به درستی مشمول ماده ۱۷۳ از قانون سابق آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ بوده که مقرر می‌داشت: «در جرائمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد و از تاریخ وقوع جرم تا انقضاء مواعد مشروحه ذیل تقاضای تعقیب نشده باشد و یا از تاریخ اولین اقدام تعقیبی تا انقضاء مواعد مذکوره به صدور حکم منتهی نشده باشد تعقیب موقوف خواهد شد.

الف - ...

ب - حداکثر مجازات کمتر از سه سال حبس یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال با انقضاء مدت پنج سال. ...»

به این علت که جرم جعل و استفاده از سند مجعول در تقسیم‌بندی جرائم مطابق با قانون سابق، جزء جرایم بازدارنده و مشمول ماده ۱۷۳ از قانون آیین دادرسی کیفری سابق بوده و با گذشت پنج سال از وقوع جرم و عدم شکایت و تعقیب کیفری مشمول مرور زمان شده، دیگر قابل پیگرد نخواهد بود.

۴-۶. قرار منع تعقیب له بانک‌ها و اداره ثبت

از نقاط ضعف بارز در خصوص تحقیقات مقدماتی پرونده مذکور، قرار منع تعقیب له بانک‌ها و ادارات ثبت است؛ چراکه خود شخص بازپرس در جای‌جای قرار، از همکاری مؤثر آنها با متهم یاد کرده و حتی این‌گونه استدلال می‌آورد که «لذا بانک اخیر و

دفترخانه در اعمال غیر قانونی متهم تبانی داشته زیرا نماینده بانک و سردفتر اسناد رسمی می‌بایست ضمن احراز هویت صرفاً با حضور نمایندگان قانونی و دارندگان امضای مجاز شرکت برابر آگهی روزنامه رسمی اقدام به تنظیم سند رسمی می‌نمودند.» و یا این جمله را که «متهم به صراحت نام کارمند اداره ثبت را که با مشارالیه همکاری مؤثر نموده و رهن بودن سند را در سند المثنی از عمد ذکر نمی‌کند و به گونه‌ای مؤثر در کلاهبرداری متهم دخالت داشته» در اقرار خود به زبان آورده ولی اساساً تحقیقات مقدماتی در این خصوص انجام نشده و این خود از نقاط ضعف این پرونده است که تحقیقات مقدماتی به شکل کامل و جامع صورت نپذیرفته و در خصوص مدیران بانک‌ها و کارمند متخلف به راحتی و به جهت فقد ادله، قرار منع تعقیب صادر می‌گردد. این در حالی است که بی‌گمان بدون همکاری مؤثر بانک‌ها و ادارات ثبت، متهم به تنهایی نمی‌توانسته نسبت به ۶۲ فقره کلاهبرداری بانکی دست یازد.

۵. نتیجه

در بحث اهمیت جرائم اقتصادی و ریشه‌ای بودن این جرایم سخن بسیار گفته شده است. همگان نیز اذعان دارند که بزرگترین و مهم‌ترین فسادهای مالی در نظام‌های بانکی رخ می‌دهد؛ چراکه بانک‌ها خود به خود محل انباشت اعتبارات و سرمایه‌های خالص هستند و پیچیدگی حسابرسی آنها طمع سودجویان را برای انواع فسادهای مالی بیشتر از هر نهادی بر می‌انگیزد. فساد مالی در بانک‌ها پدیده‌ای پیچیده، چند بُعدی و دارای علل آثار چندگانه‌ای است که در اوضاع مختلف، نقش و نمودهای متفاوتی می‌یابد که صرف مبارزه کیفری و شدت مجازات‌ها در این وادی مؤثر نیست و حقوق کیفری در این خصوص ناگزیر به طلب کمک و همکاری از سایر رشته‌ها و مدیریت شرکتی جهت پیشگیری از این جرائم خواهد بود. مقوله مبارزه با جرائم و فساد مالی در اقتصاد پول و بانکداری را می‌توان به طور توأم، هم از آثار ارتقای حاکمیت شرکتی بانکی دانست و هم از ابزار آن. می‌توان تمام مصائب به وجود آمده در نظام بانکی ایران را ناشی از فقدان یک سیستم حاکمیت شرکتی مؤثر در بانک‌ها دانست. امروزه بانک‌ها در ایران با وجود نیروی انسانی فعال، شعب الکترونیک، درگاه‌های اینترنتی و راه‌اندازی مجاری گوناگون مجازی، سرمنشأ بسیاری از خدمات هستند و مجموعه‌ای از آسایش، رفاه، رشد و توسعه اقتصادی را به ارمغان آورده‌اند و موجبات رضایت مشتریان خود را فراهم نموده‌اند. ولی با این وجود، نظام بانکداری ما به دلایل مختلف بستر فساد مالی و جرائم متنوع دیگری را فراهم نموده است (عاقلی‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۱۹۲).

عده‌ای بر این عقیده هستند که مجازات و تنبیه عاملان فساد تنها راه حل مقابله با فساد است. ولی واقعیت این است که مشکل فساد اقتصادی حل نخواهد شد مگر آنکه عوامل و ریشه‌های بروز این پدیده کشف و ابزارهای ریشه‌کنی این عوامل برای مقابله با فساد مهیا شود تا پیشگیری محقق گردد. هدف اصلی اصلاحات اقتصاد بانکی ایجاد بازارهای رقابتی و برطرف کردن عوامل اغتشاش در قیمت‌ها است تا از این طریق فضای مه‌آلود و تیره اقتصادی جای خود را به شفافیت بدهد و کارایی اقتصادی جای رفتارهای نامعقول، فرصت‌طلب و غیر موجه را در نظام بانکداری بگیرد. از مهم‌ترین و رایج‌ترین جرائم و تخلفات مالی که بانکداری ایران بدان مبتلا می‌باشد می‌توان اختلاس، رانت‌خواری، ارتشا، پول‌شویی، تخلفات در زمینه وام و حساب‌سازی را نام برد. رانت‌های اطلاعاتی نیز از جمله تخلفات بانکی است که معمولاً توسط مدیران بانک‌ها که از اطلاعات نهانی برخوردار هستند، از اشخاصی که مایل به سرمایه‌گذاری یا سرمایه‌پذیری

از سوی بانک‌ها هستند و بر اساس اطلاعات اقتصادی آینده که عموم مردم به آن دسترسی ندارند، اخذ می‌شود و علاوه بر مضرات اقتصادی برای بانک‌هایی که خود مدیران نیز در قبال آنها احساس مسئولیتی نمی‌کنند و صرفاً حقوق‌بگیر آنها هستند، سودهای بادآورده‌ای را به رانت‌خواران می‌رسانند؛ امری که در تناقض کامل با اصول اولیه حاکمیت شرکتی و رعایت غبطه و صلاح ذی‌نفعان بانکی است که آن را جهت اداره سالم به نمایندگان خود سپرده‌اند. لذا وضع مقررات محدودکننده در این زمینه می‌تواند تا حد زیادی راهگشا باشد. اما فرهنگ‌سازی و دخالت سایر عوامل که موجب انگیزه‌سازی برای مدیران می‌گردد، حائز اهمیت بیشتری خواهد بود.

جرم مهم دیگری که در بانکداری ایران رایج است و پرداخت رشوه به کارمندان و اخذ رشوه توسط ایشان و به‌ویژه مدیران بانک‌هاست که با تخلفات مالیاتی، حسابرسی و اختصاص وام‌های بانکی رابطه نزدیکی دارد. همچنین اختصاص سوگیرانه وام‌های بانکی به اشخاص مد نظر مدیران یکی از معضلات بانکی ایران به شمار می‌رود. مدیران در فرایند اختصاص وام‌های کلان معمولاً داوطلبان خاصی را مشمول دریافت وام می‌نمایند که این امر به روشنی یکی از وجوه بارز نقض منافع ذی‌نفعان و بسترسازی جهت رشد مفاسد مالی از جمله پرداخت رشوه برای آنان است که در مواردی ممکن است تا پنجاه درصد مبلغ وام اختصاص یافته را نیز شامل حال مدیر نماید. برخی از کشورهای پیشگام در حوزه حاکمیت شرکتی بانکی، در زمره مقررات اختصاص عادلانه وام، در آخرین تحولات حقوق بانکی خود گام را از این هم فراتر گذاشته و مدیران را وادار به ارائه لیست کلیه متقاضیان وام‌های بانکی کرده‌اند تا جایگاه شخصی که موفق به اخذ وام شده مشخص گردد. همچنین در موقعیت کنونی نقش بانک مرکزی در الزامی نمودن مقرره‌های حاکمیت شرکتی در درجه پایینی قرار دارد و تا زمانی که استقلال بانک مرکزی به طور کامل تأمین نشود، نمی‌توان انتظار داشت در راستای استقرار و تقویت نظام‌های حاکمیت شرکتی گام مؤثری برداشته شود (عاقلی‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۲۰۰).

با توجه به آنچه گذشت، در خصوص جرایم اقتصادی و به‌ویژه جرائم بانکی که موضوع تحلیل قرار صادره بود، رعایت موارد ذیل توسط قانون‌گذار و مجریان می‌تواند به کاستن از حجم پرونده‌هایی از این دست بیانجامد: (جعفری، ۱۳۹۸)

۱- تشکیل شبکه نظارت بر کلیه مبادلات ریالی و ارزی بانک‌ها و نظارت دقیق بر عملکرد اقتصادی اشخاص؛

۲- بازنگری و برخورد اصولی و قاعده‌مند و قاطع با مفسدین اقتصادی در سایه

قوانین به‌روز و کارآمد؛

- ۳- بازنگری در سیاست جنایی فعلی و سنگین‌تر کردن وزنه اقدامات غیر کیفری و اعمال قواعد مدیریت شرکتی در بانک‌ها؛
- ۴- رفع ابهام و شفاف‌سازی در مفهوم و مصادیق جرائم اقتصادی و رفع خلأهای هنجاری و قانونی در ارتباط با جرائم اقتصادی؛
- ۵- ایجاد آیین دادرسی ویژه و افتراقی در مقابله با جرائم اقتصادی؛
- ۶- انطباق‌پذیری قوانین مربوط به جرائم اقتصادی با فرصت‌های جدید مجرمانه.

فهرست منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد سوم، نشر میزان، ۱۳۹۸.
۲. جعفری، امین، پیشگیری بانکی کیفری از جرایم پولی بانکی، در نشست علمی - پژوهشی پیشگیری از جرایم پولی بانکی، مؤسسه تحقیقاتی علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشگاه تهران با همکاری مرکز مطالعات اجتماعی و جرم‌شناسی معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، تهران، ۲۹ آبان ۱۳۹۸.
۳. عاقلی‌نژاد، محمد امین، پیشگیری از جرائم بانکی از طریق حاکمیت شرکتی در بانک‌ها، انتشارات جاودانه - جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۴. مهدوی‌پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، نشر میزان، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۰.
۵. میرمحمدصادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ سی و پنجم، پاییز ۱۳۹۶.

**Summons, Suspension of Prosecution and Prohibition of
Prosecution in Economic Crimes; Critique on the Final Decision
No. 9709972126200019 of the Second Investigation Branch of the
District 22 Court of Tehran**

Amin Jafari*

Afroz Golestani Najafabadi**

Received: 23/09/2019

Accepted: 07/12/2019

Abstract

Monetary and banking crimes are among the business crimes that are specifically and certainly addressed in the field of money. Receiving large loans with low interest rates through forged documents, obtaining documentary credit and opening documentary credits contrary to import and export documents, using credits obtained in a place other than the goal of approval, fraud in stock exchange transactions, collusion and fraud in currency distribution in exchange offices, buying and selling foreign currency without the permission of the Central Bank, forming or establishing a bank or credit or financial and monetary cooperative without the permission of the Central Bank, as well as transferring capital of authorized banks and credit institutions in the name of third parties are the most important monetary and banking crimes which can be prosecuted in the special court for investigating monetary and banking crimes. The order issued by the Special Investigator of the Special Court for Monetary and Banking Crimes is one of these cases in which the accused, through various fraudulent processes, including forging signatures and forging documents and financial statements, as well as registering fictitious companies, received large sums of money. He has acted in the name of his relatives and employees and has committed so-called bank fraud. Banks and individuals in the above-mentioned departments were initially charged as defendants in the case, but then, due to the difficulty of proving or perhaps for expediency, the preliminary investigation of the crime against these individuals was not completed and only by issuing being summoned to the trial of the honorable investigator, only the main accused will bear the burden of punishment alone.

Key words: *Economic Crimes, Bank Fraud, Prohibition of Prosecution, Cessation of Prosecution.*

* Assistant Professor at Law and Political Science Faculty of Allameh Tabatabai University.
amin.jaffari@gmail.com

** PhD Student of Criminal Law and Criminology at Allameh Tabatabai University.
gh_golestani20@yahoo.com